نام کتاب: اسرار العلوم

مولف: محمد تقی اصفهانی

خطی:

سال تحریر: سده ۱۳ ق

عدد اوراق: ۹۶

موضوع: علوم غریبه

شمارهٔ راهنما: (ج ۶۵۹)

شمارهٔ ثبت (مالی): ۹۸۵۹۹

خریداری:

وقفی:

واقف:

تاریخ وقف:

طول: ۲۴

عرض: ۱۸

معرفی شده در:

هذا كتاب

والمنتخب التجربه

وبه نستعين بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وعترته الطاهرين اما بعد حروف تحميد وكلمات تمجيد را مضمون صدق مشحون آمدوا في هداية ادعوني استجب لكم بمناسبت مؤلفت اسم شكلي عز شانه باية خواص عام ومرتبه خصاص متعال است كه اراده علم ازليش بدو حرف كن اوراق مجموعه امكان را شيرازه نظام بخشيد كه اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون واقتضاى حكمت بالغه اش دعوى نبوت حضرت خاتم الانبيا را ببرهان ساطع وحجج محكم آيات بينات سور قرانى بمعراج نبوت رسانيده كه وما محمد الا رسول الله الخلق والامر فتبارك الله احسن الخالقين وصد هزاران تحف تحيات طيبات وصلوات زاكيات باركات هديه روح معطر مطهر سفير رسالت وصاحب قران اورنگ جلالت سافر سفر سبحان الذى اسرى محرم حرم نكات قاب قوسين او ادنى شرف فرماى عرش اعلى اعنى محمد مصطفى صلى الله عليه وآله وسلم سيما على كاشف كشف مطالب لو كشف الغطاء وصاحب المعنى لولى انا مدينة العلم وعلى بابها وصى المصطفى وعلى المرتضى واولاده ابرار وذرية الاطهار التى اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وسلم تسليما كثيرا چنين گويد جامع اوراق حيرانى اعنى محمد تقى الاصفهانى معروف براى ذره بنيان كه شوق ضمير منير خورده بينا ميدارد كه چون اين قليل

البضاعة

البضاعة مدة چهل سال در تحصيل علوم رياضات بسر برده وعمر گرانمايه را در خدمت مرشدان كامل صرف داشته تا آنكه بعون عنايت فياض حقيقى بفيض عظمى رسيده وبهره مند گرديده شكر وسپاس مر خدا را كه سالكان كوى رياضت را بقدر لياقت بهره عطا ودخشش فرمايد وعقده قلوب جاهلان را بمفتاح فيض عام فتح كشايش فرمايد بچه زبان شكرانه اين فيض عظمى گذارم بحر تشنه وصف الاهيه وقصرست در شكر نعمانه وخواستيم كه از عطاى بى منتهاى الهى طالبان اسرار علوم را بهره وفايده عظيم حاصل گردد لهذا نسخه از علومات منتخبه تجربه رياضى در قواعد بعضى اعمال كه از كتابهاى گرامى از قول استادان علوم رياضى كه هر يك در جهت يگانه دهر وفرزانه آفاق بود كه تحصيل داشته بيان نمودم كه اسامى كتابهاى معتبره واستادان كامله را مفصلا ومشروعا در مقدمه كتاب مستطاب رقم ساخته غرض از اظهار وتكرار اين علوم آنست كه طالبان علوم وشائقان فنون دانسته وآگاه باشند كه فيض حقيقى وخلاق قديم در هر مجدد رشته كامله وحكمه بالغه خود در عالم كون وفساد بسى اسرار آفريده واثار مقرر داشته ومسمى ساخته اين رساله شريفه را بكتاب اسرار العلوم ومشتمل بر چند فصل ومقدمه وخاتمه وهر فصلى را بچندين انواع واقسام بعون الله الملك العلام اينك شروع نمودم در ذكر استادان كامله واسامى كتابهاى شريفه در بيان ديگر كتبهاى شريفه مشتمل بر پنجاه جلدات الكتاب مجلى عارفى ٢

در النظم ٣ شيره المطالب ٤ ستر المصون ٥ جواهر المكنون ٦ گنجينة الاسرار ٧ جواهر القران ٨ مفاتيح الغيب ٩ تحفة العلويه ١٠ كنز الاسرار ١١ حل المشكلات ١٢ دره المكنونه ١٣ اكنه المراد ١٠٤ حل القواعد ١٠٥ التحقيق الرموز ١٠٦ جامع ١١ ... ١٧ المحه ١٨ المعه ١٠٩ تحفة الاسرار ٢٠ كنز العوام ٢٠١ ذخيره اسكندريه ٢٠٢ بهار العلوم ٢٠٣ كشكول ٢٠٤ منتخب الدعوات ٢٠٥ لوامع البيانات ٢٠٦ تماثيل ٢٧ جامع الاحكام ٢٠٨ جواهر العلوم ٢٠٩ خلاصة العلوم ٣٠ جامع الفنون ٣٠١ لوايح القمريه ٣٠٢ تعليقه كبرى وصغرا ٣٠٤ جامع الفوايد ٣٠٥ فوايد الجليله ٣٠٦ حدايق الانوار ٣٠٧ شهابيه ٣٠٨ حدايق الجنان

اوحى ... ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزؤن ... موسى ويحيى ... اسحق ... ابراهيم وداود ... اسمعيل ... عيسى ... محمد صلى الله ...

۲۰۹ شجرة الخلود ۲۰۰ نفایس الحلوم ۲۰۱ اسرار الصدور ۲۰۲ تفسیر ثعلبی ۲۰۳ حقایق الفنون
۲۰۴ حیوة الحیوان ۲۰۵ ارشاد ۲۰۶ جامع ۲۰۷ تذکره ۲۰۸ زبده ۲۰۹ مجموعه ۵ کنز الاعمال
۱۵ ثمرات و شجرات ایضا شروع نموده در ذکر اسامی شریف مصنفان و استادان ۱ شیخ الشیوخ
شیخ ابو طالب مکی ۲ کاشف اسرار الکلام المشتهر بحجة الاسلام شیخ ابو محمد غزالی ۳ محی مراسم السنن
النبوی الکامل التقی النقی شیخ شهاب الدین ۴ سلطان الاولیا و برهان الاتقیا العالم الربانی
محمد الهیونی ۵ کاشف حقایق الاسرار و عارف اسرار الرحمن شیخ محی الدین اعرابی ۶ منبع علوم
ریاضی و خواص کبار معالم محمد الحموی ۷ جامع المنقول و المعقول ذی الفروع و الاصول احمد المقتول
۸ شیخ الحقیقه مقدمه ارباب الطریقه سلطان المغربین سراته فی الارضین شیخ علاء الدین همدانی ۹
ستیدان ذات منبع السعادات مظهر الانوار المصطفوی امیر سید علی همدانی ۱۰ مولی الاعظم و مقتدی
الافخم و مقصد ارباب الهمم عبد المجید مغربی ۱۰۱ استاد العلما مرشد العرفا منبع العلوم حقیقه و معدن
الفنون الدقیقه مشهور بزهد و پاکی مولانا محمد شکاکی ۱۰۲ سلطان الفضلا فی العجم و برهان العلما فی العالم
اشرف الملة و الدین علی الیزدی ۱۰۳ مولانا الاعظم و مقتدا الاکرم شیخ الشیوخ شیخ ابو العباس ۱۰۴ فخر العار
فین و مقصد المرشدین محمد ابن یعقوب مغربی ۱۰۵ قطب الاقطاب منبع الفضایل و الآداب محمد
ابن علی عربی ۱۰۶ شیخ الحقیقه و مرشد الطریقه شیخ عبد الله ابن حسن التجیبی ۱۰۷ شیخ الشیوخ فی [illegible]
محی مراسم سنیه شیخ عفیف الدین الیمنی ۱۰۸ شیخ الکامل و مرشد الفاضل شیخ محمد ابراهیم الکازرونی ۱۰۹
جامع علوم ریاضی و کاشف علوم المهندسه نجیب الدین حسین الشکاکی ۲۰ المحتوم الحلیم السلیم
و مقدم ارباب التعلیم مولانا فخر الدین رازی ۲۰۱ شیخ الشیوخ فی العالم و قطب الاعظم فی العجم سلطان
الفضلا و برهان العرفا مولینا بهاء الدین محمد عاملی ۲۰۲ العالم الدقیق و مرشد الطریق [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان تسخیر اجنه و مصاحبه کردن و دفع نمودن سرطان مجهول را در مندل و اثبات او
حاضر کردن و کیفیت را از آن مشغول نمودن چنین است که حاضر بیارد دختر نابالغ یا زنی که
از هر جهت پاکیزه و از حیض و نفاس و جنابت و وضع حمل نداشته باشد و بچه [illegible]
و آهن و فولاد و نقره همراه نداشته باشد در پهلوی مریض بنشاند و با کارد فولاد دو
خط بر دور مریض بکشد و یک عدد قرطاس با طینت که نقش نداشته باشد بیاورد و دراز
آب کند و در چهار طرف قرطاس بنویسد این دعا را اِنَّهُ مِنْ سُلَیْمَانَ وَاِنَّهُ بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَّا تَعْلُوْا عَلَیَّ وَاْتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ یَا قَوْمَنَا اَجِیْبُوْا دَاعِیَ اللهِ
و چوب درخت گل سرخ را آورده و چهار طرف چوب را همین آیه بنویسد و قدری لوبان
و چوب صندل آتش اندازد اما باید که معزم پاک باشد و ترکه گل سرخ را بر قرطاس زند
و شروع بخواندن عزایم کند و این طلسم را نوشته در دهان مریض گذارد این است

و م و ه ااا و ف اا ه اا و یعملون

عاقی قلو ملیقا عزیمت عرضت علیکم و اقسمت علیکم یا ایها الجن
و الشیاطین بالعزیمة التی عزم بها علی ابن ابی طالب علیه السلام
علی جن وادی صفراء فاجابوا و اطاعوا و اجیبونی و اطیعونی
و احضروا فی مجلسنا هذا بجلال الله و کبریاء الله قع قع الساعة
الساعة الوحا الوحا یا ملوک الجن باذن الله الملک المنان فلان

۴۱۴۱۴۵ عدد آیات محبت کلام که ملاحظه شده اینست ۱۴۰۵۱ عدد آیات رزق کلام که ملاحظه شده است
۱۴۳۹۵۳ ایضا آیات فتح کلام مع بسمله اینست ۱۵۷۵۱۱ ایضا آیات حفظ کلام ملاحظه شده
۳۲۸۳۴ ایضا آیه فنادی بجهت دشمنان ۳۳۷۳ ایضا از جهت ترس سوره قل اوحی ۶۸۱۱۴۲
ایضا دعای اسم صبیان کبیر اینست ۹۱۲۵۸ عدد آیات شفا ملاحظه شده اینست ۹۴۱۴ ایضا
آیه احضار و ان کل لما جمیع لدینا محضرون ۵ عدد آیه احضار لا یستطیعون تا محضرون ۲۳۱
ایضا آیه احضار ان کانت تا محضرون ۳۲۶۲ ایضا مجموع آیات احضار ملاحظه شده ۷۴۴۸ ایضا
ربع کل آیات احضار ۱۸۴ کسر شی ۲ ایضا دعای قاموس قدرت ۳۳۵۹۶ ایضا دعای جوشن کبیر
بخط میرداماد ۱۹۱۳۶۸ ایضا از یکنام خداتعالی بقول میرداماد ده ۷۱۴۹۷۵ ایضا تکسیر دعای مظهر
العجایب ۵۲۶۸۱ ایضا کل آیات محبت بقول دیده شده لک ۱۵۴۳۱۵ ایضا سوره قل یا ایها
الکافرون از جهت دفع جن ۱۴۶۱۸ ایضا عدد سوره توحید مع بسمله بجهت عزت ۱۰۰۲ ایضا سوره قل اعوذ
برب الناس از جهت دفع سحر و جن ۱۴۶۸۱ ایضا سوره قل اعوذ برب الفلق از جهت سحر و جن
۹۴۶۳ ایضا سوره اذا جاء نصر الله و فتح از جهت فتح و نصرت ۹۱۰۶ ایضا آیه برب الناس بجهت محبت
نسوان تا آخر ۹۱۵۸ ایضا آیات فتوحات بقول کفته شده است ۳۴۴۳۲ ایضا آیات فتوح صحیح بقول
۱۳۵۶۴ ایضا سوره حم تا آخر بجهت عزت ۱۰۱۴۷ ایضا سوره یس تا آخر کلام ۴۱۲۳۵۲
ایضا ربع سوره یس ۴۴۵۷ عدد سوره یس مبین اول مع بسمله ۲۹۷۹ ایضا عدد سوره
مبارکه انا فتحنا لک فتحا مبینا تا آخر ۱۸۹۷۵۹ عدد سوره قل اوحی بقول دیگر ۶۶۹۳۲ ایضا عدد
سوره یس بروایت دیگر ۲۲۲۷۱۴ عدد سوره والشمس از جهت قرب سلاطین ۲۲۴۷ عدد
ایضا عدد سوره والشمس مع بسمله بروایت دیگر ۱۹۷۱۱ عدد سوره والعصر از جهت عداوت ۳۲۷۴

آیة الکرسی

آیه الکرسی تا و هو العلی العظیم از قول میرداماد ۱۳۶۷۱ ایضا هفت نام مبارکه قرنشاه ۴۲۷۵ ایضا عدد
سوره تبت تا آخر بقول کفته اند ۵۸۲۶ ایضا سوره اذا زلزلة الارض بقول ۱۵۴۵۴ ایضا سوره ویل لکل
بجهت شر اشرار ۹۵۶۹ ایضا آیه والقیت علیک محبة تا فتونا بقول دیگر ۱۵۱۶ عدد ربع نود نام اسماء
الحسنی ۹۴۹۴ کسر شی ۱ عدد نصر من الله و فتح قریب ۸۸۱ عدد لو انفقت تا عزیز حکیم بجهت
محبت ۳۳۷ عدد آیات بغض بقول کفته ۱۲۳۰۴ عدد از جهت محبت آیه قد شغفها تا آخر ۳۸۹۳
انما تکونوا یات بکم الله جمیعا تا آخر ۲۱۴۸ ایضا آیه یا نار کونی بردا و سلاما از جهت تفریق ۱۴۴۲
بروایت دیگر ۳۵۶۳ ایضا بجهت دفع غضب سلاطین آیه سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین ۲۶۵۷ ایضا تمه کلمه ربک تا علیم بجهت زبان بندی ۲۹۶ ایضا
ده هزار
یا معشر الجن والانس بجهت مصروع و مجنون ۹۳۶۲ ایضا آیه والقیت تا فتونا که ده هزار گرفته ۱۵۱۶
ایضا عدد و قل جاء الحق تا زهوقا از جهت ابطال سحر ۷۰۷۰۹ ایضا آیه هو الذی ایدک بنصره تا عزیز حکیم
از جهت محبت و ایمنی ۵۰۶ ایضا آیه نور بجهت ضیاء چشم بقول کفته ۱۱۶۶ ایضا بجهت عداوت آیه یا قهار تقهرت
تا آخر ۳۱۳۹ ایضا بنات النعش بجهت عداوت و تفریق ۱۹۰۴ ایضا بجهت قهر و غضب و عداوت مغضوب ۱۸۴۸
ایضا از جهت انتقام کشیدن ذو البطش ۱۵۴۲ ایضا آیات بغض بجهت عداوت کفته ۱۵۷۵۸ ایضا عدد
و من شر قضاء السوء تا صراط مستقیم بجهت عزت سلاطین ۳۸۲۶۶ عدد حروف نورانی ۶۹۳
ایضا حروف ظلمانی ۳۵۳ ایضا حروف ناری ۱۱۳۵ ایضا حروف بادی ۱۳۵۸ ایضا
حروف آبی ۱۵۹۰ عدد حروف خاکی ۹۱۲ ایضا عدد حروف صوامت ۵۷۴ ایضا حروف
نواطق ۳۴۳۵ ایضا ضرب اجرطلد پانزده ۴۲۵ ایضا ضرب اجوح در نوزده ۳۸۰
ایضا عدد سوره اقرا ۲۱۳۱۳۹ ایضا عدد انا فتحنا ۲۲۱۴۸ ایضا سوره حم ۱۱۱۶۸

هنگامیکه غلاف خفته باشند هفت مرتبه بگوید یا مخبر یا احص و همان مربع را در مربع پر کند با آن روشن ظاهر و
در زیر سر بگذارد در خواب خبر غایب باو دهند ایضاً بجهت بند رستن و فتح در جنگ و فیروزی و نصرت و باز آمدن
وسیع روتن و رسیدن در غایب و محافظت از شر شیطان و شر سلطان جهان سیزده مربع را نوشته در زیر دیوار
پنهان کند از جمیع بیماریها صحت یابد و مقصود او بر آید ایضاً از برای سلامتی کشتی از دریا آن سیزده ایضاً نوشته
در کشتی بندد از غرق شدن محفوظ ماند از برای جمیع مطالب جینی مربعات مذکوره باخود دارد و دلیس همرا
بعد دشمن از یک مجلس بخواند مجرب است پسندیده و آزموده است باب طالع برج ثور است و ستاره زهره
است و سه عنصر در عمل دارد و بیماری آواز در گلو و خناق و فشار دیو در گوش و بای سرخ و ناسور
خون است درد گلو سه روز یا یکهفته هر روز بنویسد این مربع را و بشوید و بخورد و دیگرا بنویسد و در گلو بندد
و دفع جمیع امراض کند و ایضاً وفق مربع این است ٢٠٤٢

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]		[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ایضاً بدان اسماء الله که به برج ثور تعلق دارد این است که نوشته شود

یا قدوس جبار متکبر وهاب بصیر علی
١٧٠ ٢٠٦ ٦٦٢ ١٤ ٣٠٢ ١١٠
حفیظ واجب باطن غفور بدیع طاهر
٩٩٨ ١٤ ٦٢ ١٢٨٦ ٨٦ ١١٠٦
حمید ٦٢

یا قدوس ایضاً هین یکصد مرتبه هر شب تنها بخواند و دست بدعا قبله بر آورد و حاجت خود
از خدای تعالی بخواهد بر آورده شود ان شاء الله تعالی ایضاً از برای ایمن شدن از عذاب قبر و شر شیطان و سلامتی
ایمان بخواند البصیر بعد از نماز جمعه بیست مرتبه بخواند جمله کارهای فروبسته او بگشاید و دل او روشن و تابان شود
و شب جمعه نوشته بر حرمت بخواند فرزند نرینه حاصل شود اما شوهر با وضو باشد یا غفور روز جمعه صبح با حاجت
و بعد از نماز ظهر هزار مرتبه بخواند هر گناه که در عمر جمع کرده باشد بخشیده شود ایضاً یا جبار از برای مقهور اعداد
پیدا شدن دزد و بنده گریخته این اسم را یوم جمعه بعد از نماز سیصد مرتبه بخواند تمام دشمنان مقهور شوند و از

برای

مجرب است

الله مجرب است +

(مجرب شده است)

برای اظهار گریخته و گم شده ٢٥ مرتبه بخواند و بر کاغذ پاره بریان کندم نوشته زیر بالین نهد در خواب آنکه گم شده دیده
شود ایضاً یا وهاب هر که هزار مرتبه بخواند تمام مال دنیا او را و اسباب بقدر جمع کند که شماره نیابد و نعمت دو جهان مهیا
کرده باشد که یوم چهارشنبه غسل کند و وضو بسازد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و این اسم را هر روز هزار مرتبه بخواند چنان اثر
کند که متعجب و متحیر شود ایضاً یا متکبر بجهت دفع آسیب دیو و پری و سحر و جادو پارچه کرباس از زر دو به رنگ که بر آن نو
و در بینی جنی دود کند یا در چراغ بسوزاند مجرب است ایضاً الحفیظ ٤ بنویسد بر همان اسباب خانه یا اقمشه و مطاع بگذارد
از دزدان و جمیع آفات در حفظ الهی باشد ایضاً البدیع بجهت کشتی بسیار در مربع کند و نگاه دارد و هر یوم ساز
مرتبه این اسم را بخواند بخشش کند بجهت ساز کار زوجین همین قاعده نیز خوب است ایضاً الواجد بجهت بر آمدن مهم و حاجت
یوم جمعه ده مرتبه سوره اخلاص صد و ده مرتبه اسم مذکور را بخواند مهم با تمام بر آید ایضاً الحمید هر که این نام را نود و ده مرتبه بر آب
خواند و بر روی دیو گرفته بخواند شفا یابد فی الحال صحت یابد و اگر دفع نشود همین نام را مربع کند و نام بیمار را داخل کند و در بینی او
دود کند دفع شود ان شاء الله ایضاً العلی این نام اسماء اولیاء و انبیاء در عظمت این نام بعلو مراتب رسیده اند
اهل تحقیق گویند که هر که خواهد احصاء این اسم کند او ٤ بزرگ داند و خود ٤ ذلیل و حقیر از جمله مخلوقات بداند یا علی او را
عالی و بزرگ جناب خود گرداند و حضرت امام فرموده هر که این اسم را بسیار گوید و بران مداومت کند بلند قدر گردد و اگر غریب
بخواند بوطن خود رسد در بیان آنکه هر که بنویسد این اسم را باین طریق که نوشته میشود و با خود دارد و این اسم را بعد دیگر
ورد سازد صد و ده روز اگر خوار بود عزیز گردد و اگر در مرتبه ادنی بود اعلی گردد و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر
مسافر بود بوطن رسد و اگر دشمن داشته باشد بر دشمن ظفر یابد و او ٤ در میان خلق هیبت تمام بود و تقرب از ملوک و
سلاطین یابد و خواص بسیار دارد و در وقت نوشتن باید که آفتاب در برج باشد یا در نوزدهم درجه حمل که
لوح را بنویسد قمر با عدیلی در مناظره بود و از نحس خواهد بود و در همین کتاب است لوح بخور بسوزاند و
مکان خلوة اختیار کند بعد از آن در یازده یوم هر روزی هزار و سیصد و سه بار بخواند بهر نیت مقصود حاصل شود

تجربه شده است (اثر دارد)

وفق ۱۴۱:

۳۵	۳۳	۳۴	۲۷
۳۲	۲۱	۳۸	۳۹
۲۹		۳۶	۳۳
۲۷	۳۳	۳۰	۳۸

ایضاً از جهت احضار اگر خواهد کسی را از راه دور بیاورد باید که هفت دانه فلفل سفید و هفت مرتبه سوره اذا زلزلت بخواند در نماز شام در آتش اندازد اگر صد فرسنگ راه باشد بقدر مسافت حاضر باید بیاید ایضاً از جهت احضار شخصی از مکانی که نشسته است او قدری خاک بردارد و صورتی بسازد از همان خاک و اسم او را نوشته در میان صورت نهد و سوره الرحمن تا فبای آلاء ربکما تکذبان بخواند و بصورت بدمد و صورت را در آتش دفن کند و سوره محمد را بخواند در حال حاضر شود ایضاً

اگر خواهی کسی را احضار کنی بعد از نماز فریضه سوره محمد را در یکدانه فلفل سفید بخواند یک مرتبه باسم مطلوب مار او در میان نوری بگذارد و در آتش اندازد اگر هرچه دور باشد در خدمت تو حاضر شود مجرب است ایضاً افسون صاحب پنج چهار شکل بنویسد و بر چهار طرف خانه بیاویزد اجهنم جهنم ۲ البطشی جهنم ۳ غربیان جهنم ۴ عصیان

ایضاً از جهت محبت هرکه این مهره را با خود نگاه دارد در چشم همه خلایق عزیز و محترم گردد و هیچکس بر وی ظفر نیابد و در خانه هر کسی باشد قضا و بلا بآن خانه نرسد و تنگی نداند ۱۹۱ ا و ا ا ط ۴ له ا ا ا و ا ۸ ا ا ا و ط ا ا ۱۲۶ ا ا تی ۱

۶ الا د ا ا ا ۳۶ ع ط لا ا به ا ا یارب بحرمت منصب و هیبت خواندن محمد مصطفی صلعم ای خبر ترس دستگیرم کن یارب بحرمت ف محمد صلعم یارب بحرمت فرقان محمد صلعم یارب بحرمت موسی محمد صلعم یارب بحرمت موسی محمد صلعم یارب بحرمت نور محمد صلعم یارب بحرمت جمال محمد صلعم یارب بحرمت آل محمد صلعم یارب بحرمت ای محمد صلعم یارب بحرمت سر محمد صلعم یارب بحرمت علم محمد صلعم یارب بحرمت حلم محمد صلعم یارب بحرمت جان محمد صلعم یارب بحرمت ابراهیم یارب بحرمت اسمعیل یارب بحرمت علی یارب بحرمت حسن و حسین یارب بحرمت محمد حنفیه یارب بحرمت عباس یارب بحرمت دوازده امام یارب بحرمت چهارده معصوم یارب بحرمت فاطمه زهرا و خدیجه کبرا علیهما السلام یارب بحرمت آسیه و مریم و زلیخا که دارنده حج دعا فلان ابن فلان را حاجت روا کردان یا فتاح فتوح بر او برسان دار او را بچشم فلان ابن فلان روشن کردان یا الله فراموش مکن و مراد دلش برسان یارب بحرمت صد و بیست و چهار هزار پیغمبران اولین و آخرین که حاجت

دارنده

دارنده دعا برآورد و بمقصود برساند فلانرا بر و شفیق و مهربان کردان چنانکه محمد مصطفی صلعم را بر امتان مهربان کرده و چنانکه یوسف را بر یعقوب رسانیدی فلان ابن فلان را بمقصود برسان یارب چنانکه آهن را بر داود نرم گردانیدی دل فلانرا بمهر و محبت و دوستی و عشق فلان نرم گردان بحق صد و چهارده سوره کلام الله المجید و آیات العالمین و یا خیر الناصرین برحمتک یا ارحم الراحمین در بیان دیگر از عمل تسخیر است که بجهت حصول نفعی که با دستور باشد باید این آیه نوشت لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه عددش نهصد و سی میباشد و شیخ عبد المجید و والده اش دویست پنجاه و سلطان محمود و والده اش دویست پنجاه چهار کم جمله اینها ۴۳۳۴ اینها از عدد ثلث کم کنیم باقی ماند ۱۳۷۴ اجزاء عدد را قسمت کردیم قسمی ۲۷۴ آمد و کسر آن چهار را در این عدد برای مثلث بر لوح سطح نقش باید ساعت شرف زهره کنند ایضاً شیخ محمد کند جنین لوح بنام خود تمام کنم و با خود داشتم که سلطان بنده را اینقدر تعظیم و تکریم مینمود که شرح آن نباید و از مقام معهود که بنده برابر اعیان و ارکان مقدم میداشت و شاگرد من را اضیاء که وجه حرمت استادی تعظیم میکرد من که جواب مجلس درآمدم برخواستی و چون از مجلس برخواستم از روی شفقت و حرمت چند قدم بمتابعت می آمد که شیخ امرا و ایشان مانع میشدند که این نوع سلوک با مهابت سلطنت جمع نمیشود و مناسب نیست در جواب ایشان میگفت که شیخ استاد منست و تعظیم نمودن بر من لازم است چنین برتبه خود و سلطان را از حد متجاوز دیدم آن لوح را در منزل گذاشتم ایضاً خواستم که آن لوح ان بعضه عورات الشهر هر گز از خانه خود بیرون نمی آمدند و چون فقیر هرگاه از خانه بیرون میآمدم عورات الشهر همگی بیام ها می آمدند و یکدیگر را اعلام میکردند و اشاره میدادند که اینک شیخ می آید بیائید تا تماشای شیخ کنیم و قبل از این که لوح نبود این نوع حرکات از عورات شهر مشاهده نمیشد حقیر از این جهت با خطر بودم و خیال میکردم بارها قصد کردم که لوح را محو نمایم تا این شهرت کم گردد باز احتیاطاً مقدم نمیدادم تا اوقات درجه و دقیقه شرف زهره را که بود که قصدم کشتم احتیاج دارد که چنین لوح را باید دیگر فرصت نشود آنرا در منزل خود مخفی میداشتم تا هنگام ضرورت قضای

ایضاً بعد از آن بیاورد پارچه سوخته آلوده به سرکه بر ویش و آن سنگها را در میان پارچه گذارد و بپیچد در محلی که
آب جاری باشد دفن کند و باید کتابت سنگها با قلم مسین کند و اگر عمل شب بکند باید در آخر شب باشد و اگر در روز
میکند در اول روز باشد که مقصود حاصل شود نوع دیگر اگر خواهی در شخص بزرگی روی و عزت داشته باشی و یا حاجتی خواهی
برآورده شود اسمای مذکوره را مع این دعا یا خدام هذه الاسماء اَرنی قوتی خبّبی فلان ابن فلان فی
مکتوبی من قبله حتی اصل مرتبه و مودّته یا ایها الذین لا تکونوا کالذین آذوا موسی
فبرّأه الله مما قالوا وکان عند الله وجیها واحرقوا عنی و اجعلوه علی شفیقا
لها حتی قاضیا بنویس بر کاغذ و در جای بلندی بگذار و بعد از عشا یا وقت بر آمدن آفتاب این دعوت
مذکوره را ده مرتبه بخوان که اگر روز عمل کنی تا شام مقصود حاصل شود و اگر شام عمل کنی برآورد مطلب و بر سر [؟] آن
نوع دیگر اگر خواهی کسی را مصروع سازی اسمای رؤس اربعه را بر کف او بنویس این قسم اجب یا طیکل
و انجر یا ماذش و امر یا قصوریه و احدم یا مطیم و توکل و یصرف هذا العارض
فراغ علیهم ضربا بالیمین نوع دیگر اگر خواهی کسی را عقد الطریق سازی که نتواند بجا رود باید اسما
رؤس اربعه را بر خرقه سفید بنویسد و آنرا بر سر رشته بپیچد و شمعی که اسمای رؤس اربعه را بر آن نقش کرده
در میان آن شیشه گذارد و عزیمت را بر آن بخواند در جایی که آمد و شد باشد دفن کند آن شیشه را در آنجا یافت شخص
از آنجا بیرون نرود اما باید که بجا نکنی که بعد از خدا [؟] ... ایضاً اگر کسی را بسته باشند که با اهلش
جمع نتواند شد اسمای رؤس اربعه را بر کف دست او بنویسد و عزیمت را بر او بخواند بعد از آن کف دست او را بهم
آورد و بخواند که یا خدام هذه الاسماء فکّوا سحره بسرعة او طرحه و ما علیه من کل شیء
که مطلب و مقصود حاصل شود و گشاده شود بعون الله ایضاً اگر مطلبی داری خواهی برود در وقت [؟] ... این دعوه
اینست مطلب و مقصود دیگر داری در وقت طلوع شمس و در وقت غروب شمس بخواند که همین این دعوه خواند

شود

شود و تمام شود مطلب آورده شود ایضاً نوع دیگر اگر خواهی که ساحری و جادوگری و عمل اعادی و طلسمات را باطل کنی باید
که این دعوات را با شخص که در حق او این عمل را کرده اند سه مرتبه بخوانی و در هر مرتبه که میخوانی بگوئی یا خدام هذه
الاسماء ابطلوا جمیع الحکم به فلان ابن فلان فی عمله و تمام این عمل را ببرد و روزیکه در آن عمل کنی
و در هر چه عمل کنی باطل میشود ان شاء الله نوع دیگر اگر خواهی که بر ظالم تب عارض کنی بنویس اسمای رؤس اربعه را
بر کاغذ و بر جوی دریا ببرد و دعوه را بر آن بخوان که ظالم به بلا مبتلا میشود اما باید که دعوه را هفت مرتبه بخوانی
و هفت نوبت در اول و هفت نوبت در آخر صلوات بر محمد و آل او بفرستد دائماً بدانکه صاحب دعوه روزه
میکند که هفت مسئله میباشد که این دعوه درباره اجابت انها است اما مختصر نمودیم و بر قدر کفایت
کردیم نوع دیگر بدانکه شرایط هر عملی که میکنی آن است که در اول عزیمت که بخوانی بخور لایق بکار بری و در وسط
هر عملی و آخر نیز چنین کنی که مطلب حاصل گردد و بخور آن لبان و جاوشیر و عود و مصطکی میباشد و بدانکه این
دعوه را عزیمت رؤس اربعه مینامند در بیان آنکه اگر خواهی که غش و جن را در سر طاس نشانی و رؤس اربعه
بطلبی و احضار کنی و ایشان بیایند و در میان طاس آب حاضر شوند و هر سوال که داری از ایشان بکنی و هر مطلبی
که داری از ایشان بطلبی بر آورند و هر چه پرسی جواب گویند و علاج آن غش و جن را بکنند ایضاً اول باید
که این خاتم رؤس اربعه را بر آینه بنویسد ایضاً [؟] باید که شروع بقرائت عزیمت کند
و دعوت رؤس اربعه را بخواند و اما باید که آخر که تمام شود و رؤس اربعه حاضر
شوند و جواب و سوال که داری بکنی و بعد از آنکه تمام مطلب و مقصودش حاصل آید
و مرادش حاصل شد و بعد از آن که خواستند بروند رؤس اربعه بخورش خوب باید
در اول تا آخر در آتش ریزی که بوی خوش باشد و دور کند که ضرر نرسانند ایضاً
بخورات باید که مثل آن گشنیز و صندل و حب لبان است و صورت خاتم اینست

در نقش صفحه این است که نوشته میشود خاتم رؤس اربعه ایلنست

طلسم رؤس اربعه ایلنست

ذاکر سلطان

كطيم	ماذب	كهيكل	قصوص
قصوص	كهيكل	ماذب	كطيم
ماذب	كطيم	قصوص	كهيكل
كهيكل	قصوص	كطيم	ماذب

اجب يا ماذب
اجب يا كطيم
اجب يا قصوص
اجب طهكل

هذا عزيمه رؤس اربعه ايلنست

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي احتجب عن ابصار فلا يرى رب
السموات السبع والارضين السبع ومن فيهن من الورى الواحد الاحد الفرد
الصمد الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له كفوا احد الذي اعجز كل
شي عن كيفية ذاته ولا كلشي واصف عن وصف صفاته لا يبلغ كنه صفاته الوا
صفون ولا يحيطون بشي من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض
ولا يؤده حفظهما فهو العلي العظيم المتفرد بالكبرياء والملكوت المتعزز بالجلال
والجبروت الذي جل في مقامه وتقدست باسمائه باسط الهوى بلا اركان

وباسط

وباسط الارض بلا امكان وقاهر الاعداء بانتقامه بلا اعوان رب ا
لظلمات والنور والظل والحرور والبحر المسجور والكبير في سلطانه القائم
الدائم في سلطنته القائم في ملكه الشديد في بطشه القوي في اخذه العادل
في حكمه الشرمدي معبود في احد يتم الواحد الصمد المحيط بكلشي علما
الذي يسبح كلشي لعظمته وطار كلشي روح من مخافته وسكن كلشي
لسطوته وخل كلشي عزين لهيبته وتواضع كلشي لجلاله والعظمة كبريائه الذي
اضاء كلشي الاحق بنوره لا اله الا هو الملك المعبود مخرج الاشياء من
العدم الى الوجود فسبحان الله ذي الجلال والاكرام الحمد لله الموصوف
بالكمال اللهم اني اسئلك بكل اسم هو لك سميت به نفسك او انزلته
في كتابك او علمته لاحد من خلقك او استاثرت في علم الغيب عندك ان
تسخر لي الروس الاربعه ويقضون حاجتي قضاء يكون لي فيه الخير في
الدنيا والاخرة متمما بجميل الخاتم اجيبوا وعجلوا واستغفر الله واستعين وا
ستعينوا بالله المجيد والحمد لله المجيد وتوكلت على الله واستعنت عليكم بالله
واسمائه ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم والله اكبر اقسمت عليكم بالله
ايها الروس اربعه وعلى جميع خدامكم واخوانكم واتباعكم واشياعكم بالتورية و
العشر الكلمات والعزائم العبرانية وبالانجيل والحروف والخواتم السريانية وبالزبور
والكلمات التامات والاقسام الربانية وبالقران العظيم وما فيه من الاسماء
والايات والاحكام الفرقانية وباهيا شراهيا حيا قيوما اذونای اصباؤت شهضبا

انه من سليمان
الشن اى ولا اقسم بمواقع النجوم وانه لقسم لو تعلمون عظيم
وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلو على واتوني مسلمين اجيبوا وعجلوا واستغفروا
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر اجيبوا يا معشر الارواح الروحانية
بعزة من قال السموات ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين اجيبوا بحق فا
لق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذالك تقدير العزيز العليم
اجيبوا وعجلوا واستغفر الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر اقسمت
عليكم بحق سباسب طياطيم طماطيم وبحق صماصيم صماصيم سموح سموح هذام
هذام هذام قمام قمام قمام شلوخ شلوخ شلوخ شريح شريح شريح وكان
عهد الله مسؤلا واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم اقسمت عليكم بالله الذي
لا اله الا هو الرحمن الرحيم الذي على العرش استوى كذلك الملك المستوى اجيبوا و
له الاسماء الحسنى والصفات العلى والايات الكبرى التي تدعون اليها وبا
لمنتهى الاعلى والعزيز على المحجوب في السماء الذي لا يرى ولا ترى الذي له اسم لا
ينسى ونور لا يطفى وعرش لا يزول وكرسي لا يتحرك الذي تجلى للجبل فجعله
دكا وخر موسى صعقا اجب يا دردائيل الملك الذي له الف راس في كل راس
الف وجه في كل وجه الف فم في كل فم الف لسان وبكل لسان يسبح الله تعالى
بلغات لا يشابه بعضها بعضا بالعبرانية والسريانية وبالوحدانية اجب يا كهليا
ئيل الملك الكريم والرئيس الجليل صاحب الفلك السابع والقلم السابع الذي هو الله
راكع الساجد ولكلامه سامع اجب يا ماذر الذي عمامته مكللة بدر وياقوت

اجب

اجب يا كطيه صاحب قلم الذهب والمحبرة الفضة الذي تخاف منه جميع اجناده اجب
اجب يا قصوره الذي تخافه اذا مشا تزعزعت منه جميع الاكاسرة والاكامية وتخضع
له جميع القياد اجب يا طيكل الذي يحرق جميع الصياصين ولا يرد له كلام وينفذ امره
في جميع الاعمال اجب يا ميططرون بالذي يسبح له الرعد بحمده والملائكة من
خيفته اجب يا شرخيائيل الذي يحكم على جميع العلوية والسفلية اجيبوا بارك
الله فيكم بحق هذه الاسماء اقسمت عليكم ان تامروا الخدام فمكنوه واعينوه
بقوتكم بجميع اجنادكم واعوانكم واتباعكم وازجروهم زجرا حثيثا حتى ينفذ
في جميع ما امرتكم به ولا تؤذوني في يقظتي وفي منامي ولا تضروا احدا من
اهلي وكونوا لي حرزا وحفظا وحصنا مانعا منيعا حتى لا يصل الي شي و
لا يضرني من الجن والانس واحفظوني من كل شيطان رجيم اجيبوا واحضروا
اصحاب كل يوم وليلة مهما دعوتكم بامر وسكنوا بحق مقامكم واجناد
كم وبحق عهودكم واولادكم وبحق الله عليكم واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم
ولا تنقضوا الايمان بعد توكيدها فقد جعلتم الله عليكم كفيلا ان الله يعلم
بما تفعلون بحق سباسب سباسب سباسب وسيف غالب فكو الرموز
فكوا الاقفال وقطع السلاسل واحرقوا الحجب وابلغوا المقاصد اجب يا جنطيا
الخديم يا مدرج الطويل افعلوا واسرعوا وعجلوا يا معشر الافاريت الاعوان الهوا
بكم يتنفوا والارض بكم تتزعزع والريح بكم يقذف واسماء الله محيطة بكم ليس
لكم منها راحة حتى تحضروا او تسمعوا كل كلامي وتحضروا في مجلسي ومقامي

وتفعلوا ما امرتكم يا معشر الافاريت والاعوان والسلاطين اضربوا
اجنحتكم وانصبوا كراسيكم وانجزوا بهذا الامر واصلحوا اعمالكم واجروا في
هذا الامر الذي اريد منكم بالرب الذي خلقكم ان كنتم اياه تعبدون
انفذوا وافعلوا واسرعوا ما اريد واعجلوا واجيبوا لكم مع رجالكم وخدامكم
وشيوخكم ان كنتم في السماء فانزلوا وان كنتم في الارض فاخرجوا بقول لا اله
الا الله محمد رسول الله عليا ولي الله بيخ ويخ ويخ يخ يخ بيخ بيخ بيخ
مستريخ مستريخ مستريخ بخ بخ لا تاكلوا ولا تشربوا حتى تقضوا حاجتي هيجان
وافعلوا ما امرتكم به في اسرع وقت وابلغ ساعة بحق الرؤس الاربعة و
بحق ما اقسمت عليكم به وبحق السر المكنون [المخزون] الذي بين الكاف والنون انما امره
اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فلقوا الرموز وخضخضوا السباسب و
اقطعوا السلاسل وافتقوا الحق واحرقوا الحجب وبالغوا وابلغوا المقاصد و
شقوا الهوى بحق مقامكم واجنادكم بحق عهودكم واولادكم وبحق سبا
سب وسيف غالب فاذا بطشتم وتخلفتم عنا فقد استهزيتم بحق وانا بن
بيخ منكم ويستخلف ربي قوما غيركم وانتم تعلمون ما يحل بكم صرايع
هدام نكال لا تحالا ازجر يا ماذر وامر يا قصوره وفكل يا طيكل واخذ
يا كطيم واجروا افازج دازج واجيبوا بان الله فيكم وعلى من اطاعتكم
واخشوا اليوم عذابه واحرقوا واسرعوا واقسموا واطردوا كل شيطان
مارد مانع على كنز او طلسم او سحر او عقد وصرحوا واظهروا الى
كل جنية وبينوا الى كل جنية وكونوا لي في منامي معلمين واكشفوا ما

سميت

سميت لكم كشفا مبينا حتى افهمه بغير اشكال والله مخرج ما كنتم تكتمون
احضروا الى اصحاب كليوم بما امرتكم به من امري سئول واخفاء عن الا
بصار ويفعلوا ما امرهم على توكلهم عليه مما ذكرته وما اذكره بحق دادم بن
مردام اردام سام سباسب وسيف غالب وحكم قاض قهار قاهر احفظوا
واقطعوا واطيعوا واظهروا برهان الاجابة بحق سام هدام وبحق السباسب
والغياهب وبحق النار والنيران وبكفة الميزان وبالحجر الاسود والاركان
والبرهان وبالعهود والايمان وبالله الواحد المنان وبحق من استوى
الى السماء وهي دخان مبين فقال لها وللارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا
طائعين وبحق صفصف ودردم ابن سردم ابن دموم ابن كردم ابن
دمدم ابن الدمامية والطماطمة ابن ابناء ثمرة ابن الاعوان ابن ماذر
وكطيم وقصورة وطيكل ابن اصحاب الشهيق والنهيق ابن جوذان اجيبوا
ابن سرحان وكلموك الخديم والخدام يتوكلون لجميع حوائجي بحق ما تلوته
عليكم من قبل يأتي يوم لا مرد له الا اجابة الله وبحق الرؤس الاربعة السباسب
السبعة سباسب وحكم قاض وسيف غالب قاطع الوحا الساعة العجل انه من
سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني مسلمين ان كانت الا
صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون مسرعين لله رب العالمين جبرائيل
وميكائيل واسرافيل وعزرائيل ان تحضر فلان ابن فلان واذكر مقصود انتقام لذى [خصم]
باشد بكويد اللهم اني اسئلك بعظيم انتقامك علي وسريع عقابك وانتقامك على

من دعوته وعصى وتخلف عني من ارهاط الجن والشياطين وتسلط عليهم اصحاب
والعذاب والقهر والنصاب يوم نبطش البطشة الكبرى انا منتقمون اجيبوا
ايها الروحانيين الاربعة وازجروا بنور الله الساطع وعذابه الواقع ان عذاب ربك لوا
قع ما له من دافع على من عصى اسماء الله العظام وآياته الكرام وخذوهم واحرقوهم
وقيدوهم كل قيد وسوقوهم بالوثاق الشديدة اذ الاغلال في اعناقهم والسلا
سل يسحبون واطلقوا عليهم من العذاب الشديد وصيحوا عليهم باصواتكم
المزعجة وازجروهم بزجر انواركم الساطعة واحرقوهم بانواركم الخارقة واضربوهم
بسيوفكم القاطعة اللامعة فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة وظاهره
من قبله العذاب واتوني بهم اينما كانوا في ملكوت الله عز وجل وقربوهم الى
حتى اراهم اعيانا وقفوهم انهم مسئولون وجزاهم الله عني افضل الجزاء ومكا
فاتهم على رب السماء والارض وانه على ما يشاء قدير ولا تبرحوا حتى يوذن
لكم بالانصراف ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءتهم البينات
اولئك لهم عذاب عظيم فان تولوا فخذوهم واقتلوهم حيث وجدتموهم او
لئك جعلنا لكم عليهم سلطانا مبينا واحرقوهم بنار الله الموقدة التي تطلع
على الافئدة انها عليهم مؤصدة في عمد ممددة اولئك اصحاب النار هم
فيها خالدون كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون
الم تر كيف يا جرائيل فعل ربك يا شمسائيل باصحاب الفيل يا
كلكائيل الم يجعل كيدهم يا الامائيل في تضليل يا ميكائيل وارسل عليهم
يا اسرافيل طيرا ابابيل ترميهم يا عزرائيل بحجارة يا بدوح من سجيل فجعلهم يا

كشفائيل

كشفائيل كعصف ماكول يا طنكفيل يا صانع يا ستار يا رافع يا جبار يا قاهر
يا قهار تبت يدا فلان ابن فلان وتب ما اغنى عنه ماله وما كسب سيصلى
طاعوننا ذا شديد مهلكة طابعة في جسد من غضب الله والله عزيز ذو
انتقام يا منتقم انتقم يا منتقم انتقم يا منتقم انتقم يا حافظ يا قابض

در بیان ترکیب

در تسخیر حروف بدانکه جمیع اشیاء از عناصر اربعه است کما قال الله تعالی خلق الانسان من صلصال کالفخار
و خلق انسان از خاک است و جن از آتش و دیگر از خاک خلق شده تا عناصر جمع نشود آن صورت نبندد پس
باید دانست که هر حرفی از این حروف که بیست و هشت است که ۹ اسم است از اسمای باری تعالی و عددیست از اعداد و ترجمه
ایست و فلکی و ملکی و برجی و کوکبی و منزلی و نتیجه و بخوری و طبع و اقلیم و جهتی از توجهات و اثری دارد و احوال نورانی
و ظلمانی و شریفه و غیره و نتایج این حروف بمرتبه ایست که وصف نتوان کرد ولو ان ما فی الارض من شجرة اقلام
مقرر است و هرچه مقصود طالبان است اندیشه و بمواظبت این عمل حروف بمعرفت آداب قواعد آن قادر شوند به
از دنیوی و آخرتی مثلا در امور اخروی کشف و صفای باطن و تصفیه قلب و اطلاع بر مغیبات و مراتب و ولایت
و کرامات و نصرت الله بعنایة الله و ثواب و فضیلت بحد و شمار او حاصل شود بواسطه کاری که اسمای باری تعالی
استخراج نماید و از امور دنیوی کشایش رزق و تحصیل حکمت و کمال و استیلاف و تسخیر جن و انس و ملائکه و کواکب
و تصرف بین جمعی و توصل بین متفرقین والبغض علی الاعداء والنصر علی الاولیاء وشفاء الامراض و دفع
الامراض والاسقام کلها و هکذا الطبیب عیش و هزم جیش و رفع خطر و فتح حصار و غالب [illegible] و مغلوب [illegible]
و اتصال مطلوب [illegible] و حرز نفس [illegible] و عقد اللسان و عقد النوم و عقد الغضب و عقد الهموم و حل آن و اعدام [illegible]
و دیدن [illegible] و بقای وقت [illegible] انسان و حکمت [illegible] این همه وابسته و موقوف بعلم حروف است و تا کمال
در علم حروف نباشد مداخل و مشاغل در این باب [illegible] مشایخ [illegible] میکرد و [illegible]
معرفت این علم [illegible] حاصل [illegible] و جزئیات امور [illegible] حصول آن [illegible] و الله [illegible]

ایضاً باید کرد بدانکه قاعده تسخیر نمودن حروفات با ملکان موکل و با ملکان جن باید که بهیئت درست شبانه روز
بخواهد تسخیر مداومت نماید و با جدول شکلم شد هم محرم که بجهت دی الکل طلل بیاورد و خانه پاک و خلوه باید و خود نیز پاک و جامه
پاک باید و هر گاه که میخواند بخور آن حروف را تازه نماید چنانچه در جدول نقشه بشد با خوبیت بهیئت درست حروف تمام شد بس مجموع حروف
با ملک و جن مسخروی کردند و خوبیت هر حرف ابجد حروف شاطون آن چنانچه الف ست حروف است و صد و پاره عدد است
بدان کم و زیاد دعوه نماید دانا بدانکه ملک موکل است برای تسخیر کار است در روحانیات لطیفه و عونیه و فتحیه و قربیه و محبت
الدعواه و جن موکلست بر تفریقات و قطعیات و بغض و عداوه و قتل و قهر و هلاکت و مکر و حیله و سموم و عقد
النوم و عقد النساء و عقد الرجال و عقد البول و بستن کارها و غیره و هکذا و جدول اینست که نموده شد

جدول	حروف (ا)	رحیم (ب)	اعظم (ج)	الله (د)	باری (ه)	تعالی (و)	ز
اسم اعظم	الله	باقی	جامع	دیان	هادی	ولی	زکی
عدد اسماء	٦٦	١١٣	١٠١٤	٦٥	٢٠	٤٦	٣٧
ترجمه اسماء	سزاوار پرستش	همیشه	جمع کننده	پاداش دهنده	راه نماینده	دوستدار زنده	پاک شونده
ملک حروف	اسرافیل	جبرائیل	کلکائیل	دردائیل	دوریائیل	فتحائیل	صرفیائیل
اسم جان جن	قدیوش	زبوش	بریوش	لحیوش	بیوش	بریوش	[illegible]
بروجات حروف	حمل	جوزا	سرطان	ثور	حمل	جوزا	سرطان
کواکب حروف	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
منازل الحروف	شرطین	بطین	ثریا	دبران	هقعه	هنعه	ذراع
نتایج حروف	مودت	عطف	محبت	عداوه	هموم	محبت	مودت
بخورات حروف	عود	شکر	دارچینی	صندل سرخ	صندل سفید	کافور	سرمه
طبایع حروف	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس

جدول حروف	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
اسم اعظم	حق	طاهر	یسین	کافی	لطیف	ملک	نور
عدد اسماء	١٠٨	٢١٥	٢٠٠ ٨٠	١١١	١٢٩	٩	٢٥٦
ترجمه اسماء	دوست	پاک منزه	آسان کننده	کفایت کننده	کرم کننده	پادشاه	روشنی
حامل حروف	تنکفیل	اسماعیل	سرکطائیل	حمورائیل	طاطائیل	رفقائیل	حولائیل
موکل جن	بجیوش	بریوش	لهیوش	قدیوش	عدیوش	بجیوش	قطیوش
اسماء بروجات	جدی	حمل	میزان	عقرب	ثور	اسد	میزان
کواکب حروف	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
منازل حروف	نثره	طرفه	جبهه	زبره	عوا	سماک	صرفه
نتایج حروف	قطعیت	عقل شهوت	فتح رجل	عطف	تفریق	محبت	عداوه
بخورات حروف	زعفران	مشک	گل سفید	گل سرخ	بوسیب	گلابی	سنبل
طبایع حروف	بارد	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب

جدول الحروف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
اسم اعظم	سمیع	علی	فتاح	صمد	قادر	رب	شفیع
عدد اسماء	۱۸۰	۱۱۰	۴۸۹	۱۳۴	۳۰۵	۲۰۲	۴۶۰
ترجمه اسما	شنوا	بزرگوار	زیبنده درجات	بنیاد کننده	توانا	پروردگار	شفاعت کننده
حامل حروف	همرائیل	لوبائیل	سرجائیل	سمحائیل	عطائیل	اقوائیل	عمراکیل
موکل جن	تعیوش	قبیوش	نقطیوش	قلدیوش	شهیوش	ایوش	تسیوش
حروف برجهات	قوس	سنبله	اسد	میزان	حوت	سنبله	عقرب
کواکب حروف	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
تم حروف منازل	شهوه عمل	بصر علم	قطعیت	الفت	عقد غضب	مودة	عداوة
نتایج حروف	غفر	زبانا	اکلیل	قلب	شوله	نعایم	بلده
حروف بخورات	خیری خوشبو	فلفل	کندر	بسباسه	ترنج	گلاب	عود
طبایع حروف	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد	حار

جدول حروف	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
اسم اعظم	تواب	ثابت	خالق	ذاکر	ضار	ظاهر	غفور
عدد اسما	۴۰۰ ۹	۹۰۰ ۳	۷۰۰ ۳۱	۹۰۰ ۲۱	۱۰۰۱	۱۰۰۰ ۱۰۶	۱۰۰۰ ۲۰۰ ۸۶
ترجمه اسما	توبه کننده توبه	هستی ثابت	آفریننده	ذکر کننده	زیان رساننده	پیدا و هویدا	آمرزنده
حامل حروف	عزرائیل	میکائیل	مهکائیل	اهراطیل	عطکائیل	لوزائیل	نوحائیل
موکل جن	تطیوش	طجیوش	زلایوش	ظلکایوش	نمایوش	غفریوش	عرفیوش
برجهات حروف	دلو	حوت	جدی	قوس	دلو	حوت	حوت
کواکب حروف	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
منازل حروف	دابح	بلع	سعود	اخبیه	مقدم	مؤخر	رشا
نتایج حروف	عقد نوم	قاتل سموم	عطف	قاتل سموم	حل عقد	عداوة	علم بصر
بخورات حروف	عنبر	عود	بنفشه	ریحان	گل ارغوان	گل نسرین	قرنفل
طبایع حروف	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	یابس

در بیان ذکر عزیمت حروفات مشتمل بر بیست هشت نوع که هر نوع درج بیست حروفی است از حروفات
بیست و هشت گانه نوع اول در عزیمت الف است عزیمت یا الف اهماطٍ غراطٍ کماطٍ لاماطٍ نفاطٍ
سماطٍ غاطٍ امراطٍ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ بحرمت الف الهیتک اسئلک بحق اسمائک
وصفاتک ان تقضی حاجتی بحق هاها یا ایها الملائکة الموکلة علی هذه الحروفات

التامات الطاهرات اجيبوني وانصروني على حصول مرادي بحق لا اله الا هو هلولا
الفا الفا يا مامر يا انقا اقسمت عليكم يا اسرافيل يا اسرافيل يا اسرافيل بحق اسماء
العظام وبحق سيدكم واميركم العظيم قيقبوش انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له
كن فيكون اقسمت عليكم يا معشر الروحانيين الموكلين لهذه الاسماء والخدام لهذه
الحروف فيحليه هيشمهيال كشمال هشوشاكيرش انت القوي الشديد هاهو
ربش امح هيو ربش مكشو هيج سيهكطش طططوخ شمشا خمشط طمخليا طاح
فاطر السموات والارض لهشفيال طلمخا طالكد كمو ثيا هلغ اليغ يا هلو مهيا فه
سفوص تدكدكت الجبال لعظمة اسمائه اهوه يهنوه بحق هذه القسم الذي طا
عنه قرص على روح روحاني وجسم جسماني في كل الامور عزيمة ب يا باء
طشي كشي نبيش مالش صمص بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد سامعا مطيعا
اجب يا جبرائيل بحق يا بوح الله الصمد سامعا مطيعا اجب يا ميكائيل بحق يا باسط
لم يلد ولم يولد سامعا مطيعا اجب يا اسرافيل بحق يا الله ولم يكن له كفوا احد
سامعا مطيعا اجب يا عزرائيل بحق يا رحمن بباء بقائك يا بائي اجب دعوتي يا جبرائيل
بحق السماء والارض وبحق ايوش عزيمة ج يا جيم الوكايا يا طيشنالو يادي يا ما
لو رو ما فادريش يا خالق النور تقضي حاجتي بحجم جامعيتك وجمجمة مواليد الثلاث
يا كائيل اجب دعوتي بحق لويوش عزيمة د يا دال الوهيم طسجد ارلواء مسلو سياع
يا غاشافيش يا مهرقش يا غياهور يا جانوش يا خدام هذه الحروف ان تقضي حاجتي

بدال

بدال الدال يا دو بار كان الاربع اجب دعوتي يا دردائيل يا دائيل بحق طيوش عزيمة
ه البيت يا هاء انوار طاء اهراطماء بهراطوش الاطوش مهوا طيش اطيا طيش
يا علا طيش علو طيش الوحا يا خدام هذه الحروف اقضوا حاجتي بهاء الهادي اجب
دعوتي يا دردائيل بحق حواس الخمس الظاهر والباطن وبحق بيوش عزيمة و يا واو
لاطالوا مالوا طالو يا هيا طا يا غياش اجيبوا بحق هذه الحروف سيهائيل حوفائيل جبرائيل
اجيبوا واقضوا حاجتي واو يا والي يا ولي يا رقمائيل اجب دعوتي بحرمت جهات الست
وبحق بيوش عزيمة ز يا زاء مصلتا علصا لصعها مكيا مونا صيتج بيدك يا زكي
يا زكي يا زكي اجيبوا دعوتي يا خدام هذه الحروف اقضوا حاجتي يا مرفائيل بحق
السيارة وبناء الزكي وبحق كايوش عزيمة ح يا حاء يا حي يا الله يا الله يا الله جالو
ارخالق طالوش عيلوش هماه واهب اجيبوا حاجتي يا خدام هذه الحروف وبحق الحاء
يا حكيم يا حليم سامعا مطيعا يا تنكفيل بحق ثمانية الخلد وبحق يحيوش عزيمة ط
يا طاء اشيا ليا الاهوا الامو لا كيا لا جو ما لا اهوا ئيل يا خدام هذه الحروف افعلوا
ما انا امركم بحق يا زاكي الطاهر من كل افة بقدسه يا صرفائيل بحق ايطرنج يا اسمعيل
اجب بحق افلاك التسعة بحق مريوش عزيمة ي يا ياء عيالوش مهيا لوش ها روش
ما روش ها روش الاطوش ابراش رق لاش يا خدام هذه الحروف بحق عندي كلما
دعوتكم بحق خاتم سليمان ابن داود عليه السلام سبحان من الجم الجن بكلماته
يا متيسر كل عسير انت تيسير اقسمت عليك يا كتائيل بحق يهيوش عزيمة ك
يا كاف يا كافي ذوالتي مسيا رش هراش عيالوش يا خدام هذه الحروف افعلوا

ماتومرون واقضوا حاجتي اقسمت عليك ياحدرائيل اقض حاجتي بحق الكاف وبحق

فريوش عزيمة لام يالام لطيف ياكاكائيل بحق عربوش عكطاط مطكاط مهراكاط غوطاط

طهنا طاطل اجيبوا ياخدام هذه الحروف اقض حاجتي عزيمة ميم ياميم اللهم ربي

بيل ايلبي والملائكة والروح ياخدام هذه الحروف ياملك روبائيل اقض حاجتي

بحق مهيوش عزيمة نون يانون بحق نون والقلم وما يسطرون عزمت عليك ياحولا

لائيل بحق تطيوش يانون ياطاطاشاطيطالوشامهطالوشك طاطيلوش مهطا

طاشالوشامهراطاشاطهاهاشا ياخدام هذه الحروف بحق والله علوط كاساط

فسلسلش ياطلساس ياهلط ياعلملوط ياطلسينا عزيمة س ياسين ياسميع يا

همائيل ياانتيوش افشاليش افشاليش افشاكيشت احصا فيشت اجيبوا دعوتي

هذه الحروف ان تقضوا حاجتي عزيمة ع ياعين ياعلي كاش طاش عياش

لالوش لولاطاش اللهم ياخيالوش ياكرياش اجيبوا دعوتي ياخدام هذه الحروف

فافعلوا ماتومرون واحضروا عندي بعلي العلي ياالومائيل اجب دعوتي بحق قيش

عزيمة ف يافاء يافتاح بذلك مفتاح افتح لنا بحرمة ام موسى حرياث مرياث شر

ياث شيشاث كزاث طشناث تخفيف بوحايض نوخابل نوشابل ياجارث

ياكافلنا يارحلنا يانجينا نجنيت يوخابه بنيت لاوى يعقوب عليه السلام يا

مجرى الفلك في البحر بامره انك بالناس لرؤف الرحيم سخر لي كذا كذا اجب

ياسرحائيل بحق تقطيوش شاش اللهم اسئلك ياطاطش ياهيلشاش يا

رهواش ياكرا سلكش اجيبوا واحضروا عندي ياخدام هذه الحروف اللهم

ياطشجائيل

ياطشجائيل ايه ايه ايه يه الاوا الاء اجيبوا ياخدام هذه الحروف بان تقضوا حاجتي

عزيمة ص ياصاد ياصمد بصفاتك العام التام يااهكمائيل بحق قلد يوش عزيمة ق

ياقاف ياكلشاهوه ماليوهوه مالوهوه خالوش مهراشلوش خالوه ياالوهش

شموش وطالوش هايوش طالوا نقتاس ياخدام هذه الحروف فاجيبوا واحضروا

الى عزيمتي واقضوا حاجتي ياقادر ياعطوائيل بحق شهيوش عزيمة ر يار يارب ادخلني

في لجة بحار احديتك وطمطام يم وحدانيتك وقوني بقوة سطوة سلطان فردانيتك

حتى اخرج الى فضاء سعة رحمتك وفي وجهي لمعات بحق القرب من انوار حمايتك

مهيبا بهيبتك عزيزا بعنايتك متجلدا مكرما بتعليمك وتزكيتك والبسني خلع العزة

والقبول وسهل لي مناهج الوصلة والوصول وتوجني بتاج الكرامة والوقار والف

بيني وبين احبابك في دار الدنيا ودار القرار وارزقني من نور اسمك هيبة و

سطوة تنقاد الى القلوب والارواح وتخضع لدي النفوس والاشباح يامن ذلت

له الرقاب الجبابرة وخضعت لديه اعناق الاكاسرة لاملجا ولامنجا منك الا

اليك ولااعانة لا التجاء الا عليك ادفع عني كيد الحاسدين وظلمات شر المعا

ندين واخفني تحت سرادقات عزتك ياكرم الاكرمين ايد ظاهري في تحصيل مراضيك

ونور قلبي وسري بالاطلاع على مناهج مساعيك الهي كيف اصدر عن بابك بخيبة منك

وقد وردته على ثقة بك وكيف تؤيسني من عطائك وقد امرتني بدعائك وها

انا مقبل عليك ملتجئ اليك باعد بيني وبين اعدائي كما باعدت بين المشرق و

المغرب اخطف ابصارهم عني بنور قدسك وجلال مجدك انك انت الله المعطي جلائل

النعم المكرمة لمن ناجاك بلطاف رافتك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام برحمتك يا ارحم الراحمين
وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين يا اموكيل بحق عنا كفا بحرمة امليوش تسلقليوا
تهيونطا يواملخ طواطا بغي لله رب العالمين يا خدام هذه الحروف تقضي حاجتي غعهث
يا شيين يا شفيع يا همراكيل اجب دهوكح بحق مسيوش عصلصائيل عوض ركائيل رسائيل
يا ائيل غيائيل كائيل قليائيل ارجا احيقو يا خدام هذه الحروف ان تقضي حاجتي ت يا تاء يا تواب يا
غرائيل بحق نطيوش كادوش يا خدام اجيبوا حده اشرف ان تقضي حاجتي غعهث يا ثاء
يا ثابت يا ميكائيل بحق طحيوش الاشوش طيش مهراطيش مهالوش كادلوش صالوشي ان
تقضي حاجتي غعهخ يا خاء يا خالق يا امهكائيل بحق دلايوش عاليطا هرب البنة
العالي العليا ورب الدنيا السفلى صالوش مياعص عاليوشص اجيبوا يا خدام هذه الحروف
انتقضي حاجتي غعهد يا ذال يا ذاكر يا اسرافيل اللهم طالوطيش اللهم يا خالق النور
والظلمات لماليس ماليوس زيوس لاهوس هيوس الوحا يا خدام هذه الحروف فتقضي
حاجتي وادفع اعدائي كلهم غعهض يا ضاد يا ضار يا عطائيل بحق طايوش يا طفعقيا
يا ليثا يا الطقصيائيل يا هيائيل يا ذا الاها نوئيل يا موائيل اجيبوا يا خدام هذه الحروف
واحفظوني من شر الشرور غعهظ يا ظاء يا ظاهر يا نورائيل بحق عقويوش الاما الاكوما لو
اطلو لاولاء احلو الاما لولاخا لولا اجيبوا يا خدام هذه الحروف بحق الغفور غعهغ
ى يا غني غفران الله يا لوحائيل بحق غريوش اللهم غيالوش طالوش كالوش ام هيوهوش
مالوش هيالوش يا لوش يا كوش دميموها سيالوحا يا خدام هذه الحروف فافعلوا ما لو
مرد بحق ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن ه و ى

عى

ع ى اللهم اسألك بحق اسمائك الحسنى وصفاتك العليا وبحق انبيائك
المرسلين وملائكتك المقربين والارواح المقدسين وبحق هذه الحرو
فات التامات الطاهرات المباركات بحق بيناتها وبركاتها وخاصيتها واسرا
رها وتوابعها وبحق اسمائك الاعظم الذي اذا دعيت به عليك ان لا تخيب
سائله وبحق حبيبك الذي وصل الى نهاية المرام ان تقضي حاجتي وتبلغني
مطلوبي برحمتك يا من هو لا اله الا هو يا من يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده
ام الكتاب بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد سامعا مطيعا اجب يا جبرائيل بحق يا بدوح
الله الصمد سامعا مطيعا اجب يا ميكائيل بحق يا باسط لم يلد ولم يولد سامعا
مطيعا اجب يا اسرافيل بحق يا الله ولم يكن له كفوا احد سامعا مطيعا اجب يا عزرائيل
بحق يا رحيم يا رحيم بالف الهيبة يا الله الواحد الاحد الصمد الاول الاخر السميع البصير
القوي القاهر العلي الاعلى يا مظهر العجائب اولا لنا على ادعوك كل هم وغم سينجلي
يا نور الهدى يا صاحب ايوب المبتلى ورفعناه مكانا عليا يا شمطيا يا بوريا الافتى
لا سيف الا ذو الفقار يا مفجر الانهار يا مطعم الثمار يا من يسبح له ظلم الليل وضوء النهار
وما ظهر على الارض وقعر البحار يا ضياء بصر الانسان يا علي العمران يا ميمون بيدك
مفاتيح الجنان ومقاليد النيران يا شمساطيل يا مخائيل يا بوحيل يا جرائيل انت بكل
شيء قدير يا تيقو يا منظوم يا امين يا معين يا امير المؤمنين يا يعسوب الدين وصي
خاتم المرسلين يا ظهير يا نصير يا حيدر يا كنكن يا احب يا بلقيا طيش يا اوله يا خلق الله
يا اخ رسول الله يا ولي الله يا علي الاعلى ناد عليا مظهر العجائب تجده عونا لك في النوائب
اعرض الى الله حاجة وعليه معتمدي كل هم وغم سينجلي ادركني بلطفك الخفي الله اكبر

انا من شر اعدائک بری بی رحمتک یا ارحم الراحمین الله صمدی من عندک مدد دی و علیک
معتمدی ایاک نعبد و ایاک نستعین یا اباالغیث اغثنی یا علی ادرکنی یا الله ادرکنی
یا علی ادرکنی تمام شد عزیمت بیست و هشت حروف و در نسخهٔ آن اجازه کامل حاصل از جناب استاد آقا
میرزا محمد علی اصفهانی ایضاً نوع دیگر در عزیمت حروف ۲۰۸ کانه در هنگام عمل حروف چون خواهی عمل حروف
نمائی این عمل هر قسم شاخواندنی یا نوشتنی اگر خواندنی باشد در اول و آخر ش یکمرتبه این عزیمت را بخواند
و اگر نوشتنی باشد این عزیمت را بخواند و بر نوشته بدمد و هم آن حرف را در عزیمت بگوید در همان روز فایده
بخشد و تاثیر کامل دهد عزیمت اینست عزمت علیکم ایها الارواح الموکلون بفلان حرف
المکتوب فی لوح محفوظ و انتم مطلعون بسرها المودع فیها اسمعوا قولی و اجیبوا
دعوتی بحق جمیع فلان حرف المسطور فی التوراة و الانجیل و الزبور و الفرقان و
من جمیع الکتاب و الاسناد و المنزلة علی جمیع الانبیاء صلوات الله علیهم اجمعین
یا رب العالمین ایضاً باید دیگر در بیان قواعد جمع اعداد اسماء الله جبر ابن حضر ضعیف در جمع اثبات
وجهها دیگر چون از یک نام عظام که اعرف و اشهر به اتفاق فرموده موافق معنی و ترتیب اعداد آن را مرتب
کرد و از برای هر اسمی ۳ جدول معین گردانیدم یکی از برای اسم و یکی از برای عدد و یکی از برای معرفت
اعداد و به ۳ نوع منقسم کبیر و وسیط و صغیر تا طالبان اسرار الهی و ناقلان رموز نامتناهی
حقایق و معانی و دقایق آن بحسب ادراکات و قابلیات محظوظ گردند و دیگران نیز بهره مند گردانند از
برای آنکه مخزن اسرار الهی و معادن فیض نامتناهی اسماء الله تعالی شانه خزاینه است بدان که هر فردی از
افراد موجودات مرآت اسمی از اسماء اعظامند و آن اسم مربی اوست و آنچه است که در عدد کبیر یا
وسیط یا صغیر مطابق اسم او باشد یا به لقب و کنیت صاحب طالع زیرا که اسم مطابق اسم او مربی
ذاتست و اسم مطابق لقب مربی افعال و اشکال است و اسم مطابق و مناسب کنیت مربی نتایج کنیت

افعال

افعال و مراتب درجات است و اسم موافق صاحب طالع آلت اتصال فیض است از فیاض حقیقی که حضرت
واجب الوجود بذات است پس هر فرد از افراد مفوض چند اسم باشند اسم مطابق اسم و اسم مطابق لقب
و اسم مطابق کنیت صاحب طالع پس هر شخص را هفت اسم مربی باشد چنانکه هفت کوکب مربی اوست
پس آن اسماء را معلوم باید کرد و بدان مداومت باید نمود تا بسبب ینابیع حیات از بحار فیوض و فیض
الجود در احوال و اوضاع او ظاهر گردد و بمفاتیح غایت ابواب مقاصد و مرادات او گشاده شود و تمام مکاره
و بلیات از وی مندفع گردد و همواره از طوق حدثان و بوارق زمان در حفظ و امان باشد و در جرای
که شروع نماید من کل الوجوه حسب المرام میسر گردد ان شاء الله و اگر اسماء متعدد و مطابق یکی از اسم و لقب و کنیت
واقع شود فیض او از تمام آن اسماء باشد ایضاً و اگر اسم شخصی با عدد اسماء الله مطابق نباید عدد حروف
و نقاط در کلمه داخل باید کرد و اسم طالب تطبیق باید داد فرضا ابوالحامد قطب الدین محمد البرغشی مطابق اسم
اول بلا بدایه مطابق اسم لقب جبار مطابق کنیت قابل مطابق صاحب طالع فاتح و مطابق اسم و لقب
رحمن و مطابق اسم و لقب و کنیت باسقاط عشرات من امره الحکیم و مطابق اسم و لقب و کنیت
صاحب طالع مع فردی صورت کلمه باسم باسقاط عشرات من عنده ام الکتاب پس این اسماء را باید که
مرتب باید کرد و حرز خود باید ساخت و در ترتیب و تقدیم اسمی بر اسمی جایز باید داشت پس عدد اسم
و لقب و کنیت صاحب طالع مجموع بلا مرتبه اعتبار باید کرد یعنی احاد برقرار دوازده یکی و از صد یکی
و از هزار یکی باید گرفت و اگر عشرات تا فوق عشرات باشد باز اسقاط مرتبه باید کرد پس عدد
محصل از اسم و لقب و کنیت صاحب طالع در عدد ماحصل اسماء الله ضرب باید کرد و بلا مرتبه اعتبار
باید نمود و ماحصل از صلوة خمس حرز خود باید ساخت و مثال نموده میشود ایضاً

قطب الدین ۶ ۲۰ — جبار ۲ ۶ — محمد ۹۲ — اول بلا بدایه ۹۴ — عطارد ۲۸۴ — فاتح ۴۸۹ — رحمن ۲۹۸ — ابوالحامد ۹۰۳ — قابل ۱۳۳ — من امره الحکیم ۲۴۴۵

…ی عدد ام الکتاب ۷۰۱۴ بلا مرتبه اما عدد کواکب عدد زحل ۳۰۵ عدد مشتری ۹۰۵۰ عدد مریخ ۱۵۰ عدد شمس ۳۰

…هره عدد عطارد ۲۸۴ عدد قمر ۳۴ عدد المجموع ۳۰۸۰۶ بلا مرتبه ۶۸ پس چهار که مدخل صغیر اسم و لقب و کنیت

…صاحب طالع است و آن حرف که مدخل صغیر اسماء الله است ضرب باید کرد و مجموع ۲۸ بلا مرتبه پس

…ین یک در آن هست که مدخل صغیر کواکب است جمع باید نمود که نه باشد پس در صلوة خمس بعد از حرز

…باین عدد آمده خواند الا در صلوة جمعه که قبل از آن باید خواندن و در اثناء قرائت کلمه بغیر آن نباید چیزی دیگر گفت

…و توجه تام باید نمود تا مقصود علی الحسب المرام محصول گردد والله الموفق والمعین واما بعد بدانکه چنین گوید

جعفر رومی که در خدمت اولیاء و انقیاء بسی سیرها کرده که در اسماء هزار و یک نام الهی حاصل کرده و در این

اوراق بقاء در خلایق منظور میکرداند پس بدان وفقک الله تعالی که در این اسماء هزار یک نام الهی و فیض

نامتناهی عز شانه و جل سلطانه هر جا که اسماء لطیفه است بر بالای آن اسم حرف لام نوشته آمد و مراد

از اسماء لطیفه آن است که برای مدد دوستی و نفع یافتن و محبوب و مطلوب است والقرب الی الله تعالی

و هر جا که اسماء فتحیه است بر بالای آن اسم حرف فا نوشته از برای کارهای فتحیه است و هر جا که اسماء عونیه است

بر بالای آن اسم حرف ع نوشته است و از برای یاری و مدد عونیه خوب است و هر جا که اسماء حبیه است بر بالای

آن حرف حا نوشته و هر جا که اسماء جمعیت است بر بالای آن حرف جیم نوشته است و هر جا که تفریقیه است

بالای آن حرف تا نوشته است از برای تفریق در جمع است و هر جا که اسماء قهریه است در بالای او حرف ق

نوشته و مراد از قهریه آنست مقهور ساختن عساکر و هلاک دشمن و دفع اعدا درجه مبغوض و مکروه است

و هر جا که این معانی قوی باشد چهار حرف نوشته شده است و هر جا که اسماء اسرار عجیبه قوی باشد پنج حرف نوشته

و هر جا که اسماء متوسطه الحال است در امور و ترجیح احد جانبین در نفع و ضرر منسب خالی گذاشته آمده از

رموز حروف تا معلوم باشد بر طالبان اسرار الهی از عدم تکثیر نامتناهی کشوف فواید اسماء عدد آدم الاسماء کلها فهم

فی

نامی الاحاد ابد	نامی العشرات هو	احد	وهاب	واهب	واجد	جواد	اجید
۷ ۵ ۵	۱۰۱ ۵ ۲	۱۳ ۵ ۴	۲/۲ ۵ ۵	۲/۲ ۵ ۵	۲/۲ ۵ ۵	۲/۲ ۵ ۵	۱۰۴ ۵ ۵
باقی و همیشه	یعنی خدا ایکه پرستیده شد	یکتا	بسیار بخش	بخشنده	توانگر کننده	بخشنده	بخشنده تر
طه	بادی	حی	واحد	وهوب	هادی	حبیب	طبیب
۲/۲ ۵ ۵	۱۶ ۵ ۸	۲ ۵ ۹	۲ ۱۰ ۱	۲ ۱۱۰ ۱	۲۰ ۲ ۲	۲۲ ۴ ۴	۲۰/۴ ۵ ۵
ظاهر و هادی	ابتدا کننده	زنده	یگانه	بسیار بخش	راه نماینده	دوست	شفا دهنده
وحید	دوائی	اجل	اله	زکی	اول	ازل	جلی
۲ ۰ ۱	۲۰۲ ۴ ۴	۳۰۴ ۲ ۱۰	۳۰۶ ۹ ۹	۳۰۷ ۱۰ ۱	۳۰۷ ۱۰ ۱	۴ ۱۱ ۲	۲۰/۴ ۷ ۷
تنها و یکتا	دوامی	بزرگتر	خدا برای پرستش	پاک و ستوده	نخست اول	همیشه	پیدا
الهی	ولی	والی	حمد	امجد	ماجد	ده	ادوم
۲۰۶ – ۱	۴۶ ۲ ۱	۴۰۷ ۱۱ ۲	۴۰۶ ۱۲ ۳	۴۰ ۱۲ ۳	۴۸ ۲ ۳	۵ ۵ ۲	۵۱ ۳ ۵
خداوندی	دوست	خداوند	حاکم و مالک	بزرگوار تر	بزرگوار	روشنائی نور	همیشه
مجد و	موجد	مودود	دائم	مجیب	مبدی	مجید	موجد
۵۳ ۵ ۶	۵۳ ۵ ۶	۵۴ ۶ ۹	۵۵ ۱۰ ۱	۵۵ ۱ ۱	۵۶ ۱۱ ۲	۵۷ ۱۲ ۳	۵۹ ۱۴ ۵
نو کننده	بنیاد کننده	دور کننده	همیشه	اجابت کننده	آفریننده نخست	بزرگوار	جهت
ماحی	معید	مجزی	موادی	واجب الوجود	حمید	باطن	دیان
۵۹ ۲/۲ ۵	۶۰ ۲/۲ ۶	۶۰ ۲ ۶	۶۱ ۵ ۷	۶۲ ۲ ۸	۶۲ ۵ ۸	۶۲ ۲ ۸	۶۵ ۵ ۱۱
محو کننده	دوست دارنده	جزا دهنده	پاداش دهنده یعنی ثواب	ثابت هستی	ستوده	ناپیدا	پاداش دهنده

قسم دهد تا آنکه عمل نماید و بخشد سهم موکلان یا ارتیقتل یا اهراطیل یا اسراطیل یا نقهاد یا بحزاد یا مهیائیل
حجت احمد ابن مریم فی قلب داود ابن جسّت تا بشکر دان بحق یا الله یا احد یا قدیم یا دائم یا دیان
العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه و همه را بدین قیاس کند تا اجابت شود والله اعلم و ایضا فصل
در دانستن نام خدای تعالی موافق نام خویش اگر سر حروف او ا باشد یا الله یا احد یا اول همه را بدین نوع سوگند دهد و اگر ب
باشد یا برهان یا باسط یا باعث و اگر ت باشد یا تواب و اگر ث باشد یا ثابت و اگر ج باشد یا جامع یا جلیل
یا جبار یا جلال یا جمال یا جمیل و اگر ح باشد یا حی یا حنان یا حبیب یا حسیب و اگر خ باشد یا خبیر یا خالق
و اگر د باشد یا دیان یا دلیل یا دائم و اگر ذ باشد یا ذالجلال والاکرام و اگر ر باشد یا رب یا رشید
یا رحمن یا رحیم و اگر ز باشد یا زکی یا ازکی و اگر س باشد یا ستار یا سلام یا سلیم و اگر
ش باشد یا شهید یا شافی یا شفیع و اگر ص باشد یا صمد یا صالح یا صادق یا صدیق یا صابر
یا صبار یا صبور و اگر ض باشد یا ضار و اگر ط باشد یا طاهر یا طیب و اگر ظ باشد
یا ظاهر و اگر ع باشد یا علیم یا علی یا عالم یا علام یا عماد و اگر غ باشد یا غنی یا غفور یا غفار و اگر ف
باشد یا فتاح و اگر ق باشد یا قیوم یا قادر یا قدوس و اگر ک باشد یا کریم و اگر ل باشد یا لطیف و اگر
م باشد یا مختار یا مسبب یا مجید یا متکبر یا مبین یا مالک یا مفر یا مذل یا منان یا محیط یا مومن
یا مهیمن و اگر ن باشد یا نور یا نافع و اگر و باشد یا ولی یا واحد یا واسع یا ودود یا وارث یا وهاب
و اگر هـ باشد یا هادی یا هو و اگر ی باشد یا ابیل یا یسین نوع دیگر در دانستن اگر بر هر حرفی از آن
آن ملکی موکل است او را باید دانست که تا عمل درست آید ا ارتیقتل (اسرافیل) ب جبرائیل ت عزرائیل ث میکائیل
ج کلکائیل ح شمکائیل خ همائیل د اهراطیل (دردائیل) ذ حطکائیل (اهراطیل) ر هوائیل (اقوائیل) ز
هرقائیل س جحنوخ ش سمطرطفیل ص حجلال ض طرطائیل ط ارقائیل ظ
صرقیائیل همرائیل عمرائیل سخلهائیل حطکائیل اسماعیل
مجرائیل

مجرائیل ع (لوائیل) ارهمائیل غ (همائیل) دوهائیل ف (نهجائیل) کاطائیل ق (سرحائیل) عطائیل ک حدوائیل ل
طاطائیل م روقائیل ن حولائیل و رهمائیل هـ دوریائیل ی سراکطائیل
در معرفت بروج و موکلان بروج که باید اینها را سوگند بدهد و از ایشان استمداد طلب کند تا مقصودش
حاصل شود بعون الله تعالی و موکلان بروج اینست حمل سراطیل ثور عزرائیل جوزا قرائیل سرطان
تیقائیل اسد سراکیل سنبله سمکیل میزان همراکیل عقرب صلصائیل قوس محلنا جدی
سمکائیل دلو نجلنا حوت فقهاد در معرفت ملائکات موکل کواکب که در هر امری از مهم و
در هر عملی را احتیاج باید از موکلان استمداد بخواهد و ایشان را قسم دهد بنام باری تعالی تا مقصود حاصل شود و اسامی
موکلان کواکب سبعه اینست زحل موکل بجزاد مشتری موکل ابیائیل مریخ موکل هتائیل شمس موکل
کلمشا زهره موکل نقوئیل عطارد موکل الیموت قمر موکل اشکی چون اسمهای ایشان را دانستی بدانستی
خانهای کواکب که هر یک در چه برج مسکن دارند در بیان دانستن خانهای کواکب که هر یک در چه برج مسکن اند
تا موکلان او را در عمل یاد کنند اینست حمل عقرب خانه مریخ است ثور میزان خانه زهره است جوزا سنبله خانه
عطارد است سرطان خانه قمر است اسد خانه آفتاب است جدی دلو خانه زحل است قوس حوت خانه
مشتری است در بیان بخورات کواکب که در عمل هر کوکبی چه بخور لازم است زحل عود و میعه عنبر شکر بخور کند مشتری
عود لادن صندل بخور کند مریخ قربا نازعفران قشر الکندر بخور کند شمس صندلین زعفران شاخ چنار بخور کند زهره
الصفاء الطیب عطارد حب الآس عود بخور کند قمر مقل ازرق زیره کرمانی پوست مور پوست بادام بخور کند ذنب کندر
صبر افیون دار فلفل قرنفل بخور کند ایضا اگر طالب و مطلوب یک باشند بخور هر دو کوکب را در آتش بخور کنند که موثر آید و مقصود بر
آید ان شاء الله تعالی در بیان حروف فاتحه در بروج دوازده گانه تقسیم شده است باید که حروف برج طالب و مطلوب و موکلان آن
و موکلان آن حروف را ملاحظه کند تا مقصودش حاصل شود ان شاء الله تعالی و حروف فاتحه بر بروج دوازده گانه تقسیم شده

برسبیل اجمع ابنیت وحروف برج حمل ا ح ک ا ی وحروف برج ثور ب ا د وحروف برج جوزا ف ت
حروف برج سرطان ح ه وحروف برج اسد ل م خ حروف برج سنبله ق ش حروف برج میزان و ط حروف برج
عقرب ز ذ ظ ض حروف برج قوس س ص حروف برج جدی حروف برج دلو حروف برج
حوت

در بیان حساب جمل که بداند که طالب و مطلوب بیکدیگر بروج و بکدام نسبت دارند ابنیت

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

د در زیر هر حروف عدد او نوشته میشود اسم طالب و مطلوب و اسم والده اش جمع باهمی حساب ابجدی
که نوشته شده عدد گرفته دوازده دوازده طرح کند اگر یکی باند حمل است و اگر دو باند ثور است بهمین ترتیب تا دوازده
که حوت دوازده برج است که برج آخر حوت است عدد داود ۲۰۱ شد و عدد جنت ۴۵۳ شد ۶۵۴ هر دو عدد یک
کردیم ۶۵۴ شد بعد از آن دوازده دوازده طرح کردیم ۱۲ باقی ماند طالع حوت شد فقها د موکل است
و کوکب صاحب حوت مشتری موکل مشتری مهائیل است و این هر دو ملکان طالع با ملکان اسمی
جمع کرده سوگند دهد که اگر یکی از این اعمال که گفتیم بعمل نیاید کار در ساعت نحوست نکند در معرفت مناسب
هر ماهی که بهر برجی مناسبت حمل برج ناری است و مذکر و از ماهها منسوب است بمحرم ثور ترابی است
و مؤنث است و منسوب باه رجب است جوزا بادی است مؤنث منسوب باه شعبان سرطان ناری است و مذکر
منسوب باه جمادی الاول اسد ترابی است مؤنث باه شعبان سنبله مذکر و هوائی منسوب باه ذی القعد
میزان بادی است و مؤنث و منسوب باه ذیحجه عقرب ناری است مذکر منسوب باه رمضان قوس ترابی
است و مؤنث منسوب باه صفر جدی هوائی است و مذکر منسوب باه ربیع الاخر دلو ماهیست مؤنث
ایضاً اگر طالع مطلوب در برج ناری باشد در ماه
منسوب باه ربیع الاول حوت
ناری عمل کند و هکذا اگر آبی باشد یا هوائی یا ترابی بهمین دستور بحکم ماه و طبع او عمل باید کرد در بیان دانستن

ایام

ایام چند که در هر ماهی نحوست خاصه دارد که اگر در آن ایام منحوسه شروع در هر عمل کنند کار با تمام نخواهد رسید و اثر
نخواهد بخشید الله اعلم ابنیت

حمل ثور جوزا سرطان
ششم پانزدهم بیست نهم بیست پنجم چهارم سیزدهم دوازدهم هفدهم

اسد سنبله میزان عقرب
ششم سیزدهم شانزدهم بیست یکم بیست پنجم نهم چهارم بیستم بیست هشتم بیست دوم بیست سیم هیجدهم بیستم بیست چهارم

قوس جدی دلو حوت
هفتم سیزدهم پانزدهم بیست چهارم نوزدهم چهاردهم هیجدهم نوزدهم یکم بیستم دوم بیست سیم بیست نهم سیم بیست هشتم بیست نهم

در بیان دانستن ساعات ایام و لیالی هفته بدانکه شنبه و شب چهارشنبه متعلق بزحل است و ساعت اول
زحل ساعت دوم مشتری ساعت سیم مریخ ساعت چهارم شمس ساعت پنجم زهره ساعت ششم عطارد
ساعت هفتم قمر ساعت هشتم زحل ساعت نهم مشتری ساعت دهم مریخ ساعت یازدهم شمس ساعت
دوازدهم زهره یکشنبه و شب پنجشنبه متعلق بشمس است و ساعت اول شمس ساعت دوم زهره ساعت سیم
عطارد ساعت چهارم قمر ساعت پنجم زحل ساعت ششم مشتری ساعت هفتم مریخ ساعت هشتم شمس
ساعت نهم زهره ساعت دهم عطارد ساعت یازدهم قمر ساعت دوازدهم زحل دوشنبه و شب جمعه متعلق بقمر است
ساعت اول قمر ساعت دوم زحل ساعت سیم مشتری ساعت چهارم مریخ ساعت پنجم شمس ساعت ششم زهره
ساعت هفتم عطارد ساعت هشتم قمر ساعت نهم زحل ساعت دهم مشتری ساعت یازدهم مریخ ساعت
دوازدهم شمس سه شنبه و شب شنبه متعلق بمریخ است ساعت اول مریخ ساعت دوم شمس ساعت سیم زهره
ساعت چهارم عطارد ساعت پنجم قمر ساعت ششم زحل ساعت هفتم مشتری ساعت هشتم مریخ ساعت نهم شمس
ساعت دهم زهره ساعت یازدهم عطارد ساعت دوازدهم قمر چهارشنبه و شب یکشنبه متعلق بعطارد است و ساعت
اول عطارد ساعت دوم قمر ساعت سیم زحل ساعت چهارم مشتری ساعت پنجم مریخ ساعت ششم شمس ساعت
هفتم زهره ساعت هشتم عطارد ساعت نهم قمر ساعت دهم زحل ساعت یازدهم مشتری ساعت دوازدهم مریخ

پنجشنبه و شب جمعه متعلق بمشتری است ساعت اول مشتری ساعت [دوم] مریخ ساعت سیم شمس ساعت چهارم
زهره ساعت پنجم عطارد ساعت ششم قمر ساعت هفتم زحل ساعت هشتم مشتری ساعت نهم مریخ ساعت دهم
شمس ساعت یازدهم زهره ساعت دوازدهم عطارد جمعه و شب شنبه متعلق بزهره است ساعت اول زهره ساعت
دوم عطارد ساعت سیم قمر ساعت چهارم زحل ساعت پنجم مشتری ساعت ششم مریخ ساعت هفتم شمس
ساعت هشتم زهره ساعت نهم عطارد ساعت دهم قمر ساعت یازدهم زحل ساعت دوازدهم مشتری پس بدانکه مشتری
سعد اکبر است و زهره سعد اصغر و شمس نیره اعظم است و قمر نیره اصغر و مریخ نحس اکبر است و زحل
نحس اصغر و عطارد ممتزج بود با سعد سعد با نحس نحس است و راس و ذنب عقدتین مینامند یعنی
سر و دم جوزهر افلاک است در بیان معلوم ساعتها چون خواهی که بدانی از روز چند ساعت
گذشته چون آفتاب برآید سایه خود را پیمانه کن هرگاه هشتاد قدم ساعت اول است و اگر چهل قدم
باشد ساعت دوم و اگر بیست قدم ساعت سیم و اگر ده قدم باشد ساعت چهارم و اگر پنج قدم باشد
ساعت پنجم و اگر دو قدم نیم باشد ساعت ششم است و چون سایه بجانب مشرق رود بهمان دستور
پیمانه کند بچنین ساعت را دانسته از سعد و نحس کار تو آسان گردد و عمل تو با تمام رسد و از حب و بغض
و عقد و وصل و همچنین هر عملی را که در ساعت مخصوص بجا آوری بلا شک و ریب انواع فواید آن زودی
بظهور رسد پس در بیان شرایط نوشتن تعویذات و ارتکاب اعمال حب و بغض و عقد و وصل
بدانکه هر عملی که در ساعت مریخ و زحل کنی از جهت دشمن شاید و هر عملیکه در ساعت زهره و مشتری کنی از جهت
مهر شاید و هر عملیکه در ساعت شمس و قمر کنی اعمال سلطان و حکومت و ریاست و وزارت و نصب
شدن و اعمال دیوانها شاید و در ساعت عطارد عقد الرجال و عقد البول و عقد النوم و عقد اللسان را
شاید و چنین تعویذ نوشتن آغاز کند باید پاک دل با وضو باشد و خود را بخور دهد و اگر جامه دوشیزه و جدید کند بهتر

در دهن کیرد و اگر از برای دشمن باشد زر شی در دهن کیرد با تلخی و در عقد اللسان موم در دهن کیرد و بعد
از فراق شیرینی در دهن کیرد و عمل دوستی را از اول ماه تا وسط ماه کند و عمل دشمنی را از وسط ماه تا سلخ
ماه کند و در عمل محبت شادمان و رو بقبله بنشیند و در بغض پشت بقبله و کج خلق نشیند و در عمل حب
بخورهای خوش بکار برد و در عمل بغض بخورهای بد بکار برد و عمل حب را بمداد و زعفران و گلاب بر
کاغذ سفید نویسند و عمل بغض را با آب نیل و سرکه و کاغذ آبی نویسند و طالع آتشی را بنویسد اللهم احرق
قلب فلان ابن فلان و در طالع بادی بنویسد اللهم حرک فلان ابن فلان در عمل طالع خاکی
بنویسد اللهم سخر قلب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان در عمل طالع آبی بنویسد
اللهم لین قلب فلان ابن فلان علی محبت فلان ابن فلان و عمل ناری را در نار دفن کند
و عمل بادی را بر باد بیاویزد و عمل آبی را در آب دفن کند و عمل خاکی را در خاک دفن کند چون چنین کند عمل
خطا نشود در باب قلم تراشیدن بجهة هر عملی چنین قلم بجهة حب بتراشی سه نوبت صلوات بفرست
و ده مرتبه یا علی بخوان و بعد از آن قلم را قطع کند در محل قطع کردن یا مستعان اقطع حاجتی
بگوید و در ناخن ابهام یا در کف دست خود بنویسد انّه قریب مجیب با وضو رو بقبله نشیند با خنده
و خوشحالی مشغول عمل تحبیب شود و چون قلم را بجهة عمل بغض و تفریق و تمریض و تخریب تراشی
سوره قل یا ایها الکافرون بخواند و در سر قهر و غضب و خشمناک بود بی وضو پشت بقبله نشیند
و بخورهای بد بوی بسوزاند مثل پوست سیر و پیاز و نفط و مشغول عمل شود پس نوع دیگر در عزایمات
نوشتن در اول و آخر تعویذات بسر تعویذ هر شخص بنویسد یا اصحاب السحر والوسواس اجیبوا
فلان ابن فلان اسرع من طرفة العین الوحا الوحا الساعة الساعة
ایضا در تعویذ دوستی بنویسد کتبت هذا التعویذ حبا شدیدا لا بغضا ابدا ایضا

یا عقد الرجال یا عقد
بنویسد کتب هذا التعویذ عقد النوم یا عقد اللسان یا عقد الرجال یا عقد
در تعویذ عقد اللسان و عقد النوم بنویسد کتب هذا التعویذ عقد النوم یا عقد اللسان
الطریق یا عقد البول یا عقد البخت یا عقد النساء یا عقد العمل فلان ابن فلان پس در بیان تعویذ
دشمنی بنویسد یا ابلیس یا اصحاب العداوة والبغضاء والحق والباطل الوحا الوحا الوحا ایضا نوع
دیگر در تعویذ دشمنی بنویسد کتب هذا التعویذ بنام بغض فلان ابن فلان بغضا جوبین لا یحبه ابد
فصل دیگر در آداب ذبح کردن هدهد اگر خواهی که هدهد را ذبح کنی باید که روز یکشنبه بعد از نماز عصر دو رکعت
نماز بگذاری و بعد از آن هدهد را رو بجانب شمال کنی و بر پشت او سه مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانی و بر شکم او یکبار
قل هو الله بخوانند و بر سر او چهار تکبیر بخوانی و کاردی از نقره یا طلا یا برنج یا فولاد در گردن او بمالی و روی او را بطرف
قبله کنی و این دعا بخوانی اللهم اصبحت فی ذبح هذا الهدهد ام کان بینکم من العالمین
اللهم احفظ من جمیع الآفات و کارد را بر حلق او بکشد تا خون برهد و در هر قطره خون او بگوید سبحان الله
والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر تا ختم تمام شود و چون خواهی عمل هدهد کنی باید که وضو بکنی و این دعا بخوانی
مشغول عمل کردی که از تأثیرات آن مرغ فائده بیند و بهره نبوی اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا اول
والآخرین یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا خالق یا خالق یا رب یا رب
یا رب یا حی یا قیوم یا هو یا من هو یا من لا اله الا هو یا فعال لما یرید یا من لا یعلم الغیب الا هو هو الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم و انت وحده لا شریک له الحی القیوم و الحکم اله واحد لا اله الا
هو الرحمن الرحیم یا هو یا من هو یا من لا یعلم احد کیف هو الا هو یا من لا اله الا هو یا من امره
بین الکاف والنون یا من امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده
ملکوت کل شیء و الیه ترجعون یا هو یا من هو یا من لا اله الا هو یا لا اله الا انت و یا لا اله
الا انت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بسم الله الرحمن الرحیم یا اله البشر یا عظیم الخطر
یا سریع الظفر یا معروف الاثر یا خبیر المنی یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین و یا الر

الرحیم و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله یا
رحمن یا مالک یوم الدین الهی بحق این نامهای بزرگوار که از کشتن این مرغ مرا نا امید مگردان و مراد است و مقصودات
مرا از اعمال اعضای این مرغ بر آورده گردان آمین یا رب العالمین چنانچه یعقوب را از گم شدن یوسف و شنا افزودی
چنانکه یونس را در شکم ماهی نگاه داشتی یا رب بحق این نامهای بزرگوار و بحق دوازده امام مرا نومید مگردان و امیدوار گردان بحق
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا معشر الجن والانس یا غیاثی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا مونسی
فی وحشتی یا الهی بحق آدم و ادریس و ابراهیم و موسی و عیسی و بحق محمد المصطفی و بحق
القرآن المجید یا رب بحق جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و ملائکة المقربین و القرآن العظیم و
بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و بحق الجنة والنار العجل العجل العجل
الوحا الساعة یا هیا شراهیا و بحق عمه جقها و بحق هذه الاسماء و بحق محمد و آله الاطهار الامجاد برحمتک
رحمتک یا ارحم الراحمین پس در بیان خواص هدهد اگر خواهی میان دو کس تفرقه اندازی چشم چپ هدهد را
با فلفل سیاه بکوبد و در سوخته نهد بنام هر که خواهد در میان ایشان جدائی افتد خاصیت دیگر اگر خواهی کسی را
دوست خود گرداند چشم راست هدهد را در جای بلند بیاویزد در خانه تا رنگ چندانکه آویخته باشد آنکس بر محبت او قرار
و آرام نگیرد و او را خواب بر چشم نیاید از عشق او خاصیت دیگر اگر چنگال هدهد را بر ران چپ بندد تا یکهفته با زن کند
و با حلال خود صحبت دارد حامله شود اگر کسی خواهد زبان هدهد را خشک کند و این دعا را بخواند با خود دارد دشمن
بروی ظفر نیابد خاصیت دیگر اگر کسی پوست سر هدهد را در جامه بندد و بر سر خود نهد هر که او را ببیند دوست
او شود اگر کسی خواهد شش هدهد را خشک کند و این دعا را بخواند بنام هر که خواهد بسوزاند در حال از یکدیگر جدا
شوند اگر کسی این دعا را بر هر عضوی از اعضای هدهد که باشد بخواند و زن بیوه بر خود بردارد چنین دختر که
اگر کسی این دعا را بر ... هدهد بخواند و با خود دارد هر که بنشیند عاشق وی شود اگر کسی این دعا را بر
استخوان هدهد بخواند و بمشک بیامیزد و بر هر کسی که بمالد در حال دوست وی گردد اگر کسی این دعا را بر

اگر کسی دعا را بر تاج هدهد بخواند
دم هدهد بخواند و در زیر بالین هر که خواهد بنهد از بستر او بخواب نرود
اگر کسی دل هدهد را خشک کند و این دعا بر وی بخواند و در خرقه بنهد
و با خود دارد در چشم خلایق عزیز گردد اگر کسی
این دعا را بر منقار هدهد بخواند و با خود دارد زبان بدگویان بروی بسته شود اگر کسی
سحر بر آن کار نکند اگر کسی مغز هدهد را خشک کند و با عنبر
چشم را سرشت او را با خود دارد که این دعا بر او خوانده باشند در چشم مردم عزیز شود
در چشم کشد و هر که او را ببیند دوست او شود اگر کسی استخوان سینه هدهد را در جایگاه تاریک بیاویزد بنام غایب
هر کجا باشد از آنجا حرکت کند و بخانه بیاید اگر کسی شانه هدهد در نقره گیرد و با خود دارد همه خلایق فرمان بردار
او شوند اگر کسی این دعا را بگوشت هدهد بخواند و بخورد هر کسی که هدهد دهد عاشق او شود اگر کسی گوشت هدهد را
بخورد کسی که هدهد عاشق و مبتلا او شود اگر کسی استخوان پشت هدهد را در زیر سر نهد به شب هر که خواهد
بخواب انکس را در خواب ببیند اگر کسی بال او را به تن کسی بسوزاند انکس دیوانه و مبتلا او شود اگر کسی این دعا را بر
استخوان هدهد بخواند و بسوزاند و در طعام اندازد و بخورد هر کودک که دهد زبان او گشاده شود اگر کسی این دعا را بر
تاج هدهد بخواند و در بند از رخ در نظر خلایق عزیز و مکرم شود اگر کسی این دعا را بر ناخن هدهد بخواند و با خود
دارد در نظر مردم با هیبت شود اگر کسی این دعا را بر دل هدهد بخواند و در موم گرفته با خود دارد همیشه در چشم خلایق
عزیز و ارشدی باشند اگر هر زنی پوست پر او بسوزاند و بخود برگیرد اگر هرگز حامله نشده باشد در حال حامله شود اگر
در خواص هدهد بجواهر روایت است از عبدالله مسعود که از حضرت امیر المومنین شنیدم که آن حضرت در خواص
هدهد با صحابه میفرمودند از قول جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنحضرت با صحابه میفرمودند که حق تعالی در هدهد منافع
و خواص بسیاری کرامت فرموده اصحاب عرض کردند یا رسول الله ما را نیز بفرمایید منفعت او را حضرت فرمودند اگر کسی
سر هدهد را تمامی در موم گیرد و در بازوی راست خود ببندد در نزد خلایق عزیز و مکرم گردد اگر کسی سر هدهد را
خشک کند و برگردن بندد هر چه آموزد فراموش نکند اگر کسی سر او را فرو برد خاطر او روشن شود اگر کسی
چشم هدهد را خشک کند و بساید و در چشم کشد روشنی چشم او را بیفزاید اگر کسی پر هدهد را با خود دارد

درنظر

در نظر خلایق عزیز گردد اگر زن دل هدهد را با بید در شراب کهنه ریزد و بخورد بردارد جنین دختر باکره شود اگر کسی سر هدهد
را با خود دارد در هر چیز شکننده که بخورد دست و بیهوش نشود اگر کسی تاج هدهد را با شکر بیامیزد و بر هر که مالد عاشق
وی شود اگر کسی از خون هدهد تعویذ بنویسد و با خود دارد مقصود دلش حاصل شود اگر کسی استخوان هدهد را با خود
دارد دست و پای و زبان دشمنان بروی وی بسته گردد و هر حاجت که نزد بزرگان دارد حاصل شود اگر کسی
چشم راست هدهد را با چشم چپ گرگ بساید و در چشم کشد دیوان و پریان مسخر وی شوند اگر کسی جگر
هدهد را بخورد هر چند راه رود مانده نشود اگر کسی ناخن هدهد را در آستانه خود پنهان کند هر جا که رود
حاجتش روا شود اگر کسی خواهد که شخصی آنچه کرده باشد یا آنچه مقصودی که در دل داشته باشد باز گوید چون
آن شخص در خواب رود سر هدهد را در زیر سر او نهد یا در زیر بستر او نهد آنچه کرده باشد و آنچه مقصودی که در دل
داشته باشد همه را در خواب بگوید اگر کسی زبان هدهد را در سایه خشک کند و با نبات بساید و بخورد کسی دهد که لکنت
زبان داشته باشد زبانش فصیح شود و هر چه بشنود یاد گیرد و فراموش نکند روایت است از عبدالله هلال که هدهد
را در روز یکشنبه بسمله کند و الایش اندرون او را بیرون آورد و با روغن زیت یک هفته در شیشه کند و بعد بیرون آورد و بر
مال مطیع او شود اگر کسی پوست هدهد را با خود دارد کسی بدگوئی او را نتواند کرد در نزد کسی اگر کسی مغز هدهد
را با خود دارد هیچکس بر او غالب نشود و اگر با غالیه بیامیزد هر که بوی او را بشنود دوست او و مهربان او شود اگر کسی
خواهد که میان مردم سروری و بزرگی کند هدهد را ذبح کند و خشک کند و در جامه حریر بپیچد و با خود دارد در همه خلایق
مطیع و فرمان بردار او شوند **در بیان کیفیت ذبح هدهد** و خواص آن مرقوم است که چون ماه رجب شود روز جمعه
دو رکعت نماز بگذارد بعد از شام و هر رکعتی یکمرتبه حمد و یکمرتبه این دعا بخواند و چون از نماز فارغ شود صد مرتبه صلوات
بفرستد و رو به قبله بنشیند و هدهد را در دست بگیرد و یکمرتبه این دعا را بخواند و بر او دم دهد و او را ذبح کند که هر مدعا
که داشته بعمل آید و خطا نگردد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا من هو یا من لا اله الا
هو یا من لا یعلم احد کیف هو الا هو یا من هو لا اله الا هو یا من هو کما هو الا هو یا من لا یعلم الغیب الا

هو هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم یا حی یا قیوم والاحکم الله واحد لا اله الا هو الرحمن
الرحیم یا من هو الا هو ولا یعلم احد کیف هو الا هو یا من امره بین الکاف والنون انما
امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و
الیه ترجعون بسم الله الله اکبر آنگاه ذبح کند در بیان خواص هدهد مرویست که روزی در
بیابان بجنگ میرفتند در انموضع مار و کژدم بسیار بود و لشکران حضرت عرض کردند که یا رسول الله درین موضع
مار و کژدم بسیار زحمت میرسانیم که مارها اذیت کنند پس حضرت فرمودند تا هدهدی بیاوردند و پر از سینه او بکنند
و بر آتش نهادند جمیع مارها و کژدمها از انموضع گریختند آنگاه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شروع فرمودند
بیان فرمودن که اگر کسی دیده هدهد را با خود دارد هرچه بخوانند و بشنود یاد گیرند اگر کسی اگر دست راست هدهد
را بریان ساخته بندد هرچند مباشرت کنند مانده نشود اگر کسی چنگال هدهد را بسوزاند و بر آن بخورد
بار حمل گیرد اگر کسی زبان هدهد را خشک کنند و با خود دارند زبان دشمنان بروی بسته گردد اگر کسی پوست
هدهد را بر جامه بندد و با خود دارد زهر مار و کژدم بروی کار نکند اگر کسی سینه هدهد را بسوزاند جمله موشان
از انجا بگریزند و جانوران گدازند و گزنده از انجا بگریزند اگر کسی با خون هدهد و شیرینی بخورند حافظه زیاد شود
اگر کسی گوشت هدهد را بسوزانند در آب روان اندازد هرکه از آن آب بخورد دوست او گردد اگر کسی
خون هدهد را با سورمه بیامیزد هرکه از آن سورمه بر چشم کشد یا بر اندام کسی بزند عاشق او شود اگر کسی ناخن هدهد
را در نزد خود نگاه دارد و در نزد بزرگان عزیز و گرامی گردد اگر کسی پای راست هدهد را بسوزانند و بخورند بسیار
دل را ببرد اگر کسی چشم راست هدهد را بر جامه کسی بندد خواب آنکس بسته گردد اگر کسی استخوان هدهد را
بسوزانند و مشک بیامیزد و بر روی خود مالد هرکه بیند او را دوست دارد اگر کسی دل هدهد را با شیرینی بخورد
در مباشرت کردن مانده نشود اگر کسی خون هدهد را بر چشم کشد شبکور را ببرد اگر کسی دل هدهد را
با شیرینی بریف دهد شفا یابد اگر زنی دل هدهد را با شیرینی بخورد صاحب حمل شود اگر کسی زبان هدهد

راتوید

راتوید کند یا در زیر بالین خود کند و در نزد حاکم رود اگر خصم باشد حاکم بر او مهربان گردد اگر کسی دل هدهد
در زیر خفته نهد هرچه در دل دارد بگوید اگر کسی هر دو پای هدهد را بر دیوار خانه خود فرو برد دزد در آن خانه
نرود اگر کسی در خواص هدهد از قول سلیمان پیغمبر علیه السلام که آنحضرت فرمودند که چون هدهد را با طلا ذبح
کنند و این دعا را بخوانند و در روی خشت خام طبخ نمایند جمله خواصی که ذکر میشود بر آن مترتب شود بسم الله الرحمن
الرحیم یا اله الاولین یا اله الآخرین یا رحمن یا رحیم یا خالق یا باری یا حی یا قیوم یا هو یا من
هو یا من لا اله الا هو یا من لا یدری احد کیف هو یا من هو الا کما هو یا من لا یدری الا
الا هو یا من یعلم الغیب الا هو هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم یا هو یا من هو
یا من امره بین الکاف والنون یا من امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی
بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون یا هو یا من هو یا من لا اله الا هو یا لا اله الا انت یا
مقلب قلب مطیع بک ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد و آله اجمعین برحمتک
یا ارحم الراحمین در بیان خواص هدهد اگر کسی سر هدهد را با خود دارد و در پیش بزرگان رود با حرمت
باشد و زبان مردمان در حق وی بسته گردد اگر کسی چشم هدهد را با خود دارد جمیع خلایق او را دوست دارند اگر
کسی استخوان هدهد را سوخته در چشم کشد هرکه او را ببیند مطیع او گردد اگر کسی خون هدهد را گرفته در طعام
کند و بخورد کسی دهد از مستی او بیزار گردد که اگر یک لحظه او را نبیند آرام نگیرد اگر کسی استخوان هدهد را
بسوزانند بطفل خورانند حافظه او زیاد شود اگر کسی بال هدهد را با دم آن در زیر شخص بگذارند خواب او بسته
اگر کسی این دعا را در سینه هدهد بخواند و در دست گرفته حاجت بخواهد هر حاجت که دارد برآورده گردد اگر
کسی این دعا را بر پای چپ هدهد بخواند و در خانه هدهد دشمن اندازد آن شخص از آن خانه آواره گردد اگر کسی
خواهد که سر کسی را بداند این دعا را بر دل هدهد بخواند و بر روی دل آنکس که در خواب باشد بگذارد و هر مطلب

که باشد از وی سؤال کند آنچه سر در ضمیر او باشد همه کیر از در خواب بگوید اگر کسی زهره هدهد را داخل غسل خام نماید و بخور
هر چه حاجت کند بانده نشود اگر کسی تاج هدهد را زعفران بیالاید و با خود نگاه دارد در نظر خلایق عزیز و قوی و با هیبت
باشد اگر کسی دل هدهد را بر کمر کسی بندد که او را بسته باشند کشاده شوند اگر کسی هدهد را بپخته با طعام بخورد هیچ در
دی و مرضی نبیند اگر کسی این دعا را بخون هدهد بخواند و در چراغ کند و روغن بر سر او و زیر آن چراغ را بر افروزد دو
اهل آن خانه دوست او گردند علامت خواص آن باشد که آن خانه بر از هدهد نباید تمام شد خواص هدهد در افسون فرح
کفتار هر که افسون کند و با خود دارد در چشم جمیع خلایق عزیز و مکرم گردد و هیچکس از او دل برندارد و از دل
او بیرون نرود اینست اللهم تعززت بالعزة والقدرة والکمال و رفع ذو العلی با عزة والقدرة والجبر
والضمایر والسرایر والساتر العورات والغفر الصلاح والعصلان باسم فلان ابن فلان و لبن شکل
بنویسد و با خود دارد اینست ملططسک ۶ سوسوسه ححححححححححححح بسم الله
الرحمن الرحیم سه بار بگوید که شیرین گردانیدم فلان ابن فلان را در چشم و دل فلان ابن فلان و از بیم جدیکر شان
بیزار گردانیدم ایضا در افسون فرح کفتار در روز چهارشنبه و اگر نشود در روزهای دیگر هم خوب است بنویسد
و روی جانب آفتاب کند و شیر برنج کبر دو در محلی که آفتاب طلوع کند در میان تعویذ نهد و بر بازو بندد اینست
بسم الله الرحمن الرحیم الکفارة والحبة والمودة یوم الاز و از العجل عجلت و عجلت العجو العجل
بعشق و محبة فلان ابن فلان چنین آید چنین آهو چران آید چون بادو زان آید چنین رعد غران آید چون
آب روان آید بحق انجیل عیسی و تورات موسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد مصطفی
صلعم والله یا رب المص کهیعص حمعسق و طه و یس و طس در افسون فرح کفتار
این آیه را بمشک و زعفران بنویسد در ساعت قمر که تحویل مشتری میشود یا در ساعت عطارد یا در شب زهره
هفت مرتبه بیک نفس این آیه بخواند و با و دمد باید که انگشت شهادة داخل سازد تا در غلط نیفتد و در
محل خواندن با طهارت باشد که آزموده است اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا ملکا یا ملکا یا ملکوت
الذی قال له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون هیچ قلب

وبنات

وبنات حوائجی با مهمات خدای عز و جل که مستجاب گردان باسم فلان ابن فلان علی حب فلان
ابن فلان در افسون فرح کفتار سه جو زعفران و دو دانگ نبات سفید عدد موی سرخ بهم آمیزد
و او را افسون کند با فرح کفتار و در موم گرفته با خود دارد که زبان کل خلایق بر او بسته گردد اینست کل خلایق
ابن خلایق در این بطلان شیرین باشد و بد از بدین تعویذ آب ضرر نرساند و ظفر نیابد ببرکت اسم اعظم
الشان برحمتک یا ارحم الراحمین در افسون فرح کفتار زنهار که بحرام نکند چنین افسون را
یکبار بفرح کفتار بخواند بنام هر که خواهد و نام مادر او و با خود دارد آن کس تا زنده باشد یک لحظه از وی
مفارقت نکند و یکنفس بی او آرام نگیرد و این دعا و بیت دانه فلفل بخواند بنام هر که خواهد و در شب چهارشنبه
در آتش اندازد فی الحال حاضر شود و بر تربه بقرار و آرام گردد که وصف نتوان کرد این افسون را مرشدان
افسون الاحضار نام نهاده اند بغایت مجرب است و آزموده است افسون اینست بسم الله الرحمن
الرحیم لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله
و رحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد کلمتی و شجر لا اله الا الله والیل اذا عسعس
والصبح اذا تنفس لا اله الا الله مالک یوم الدین لا اله الا الله یوم ینفخ فی الصور عالم
الغیب والشهادة لا اله الا الله و ما تخفی الصدور احد الذی امنوا تطمئن قلوبهم بذکر الله
تطمینا قلوب لا اله الا الله امنوا اشهد و اجیب لله لا اله الا الله ان رحمة الله لا اله
الا الله اشهد رحمة لا اله الا الله شفقة و برکة هیچی قلب بنی آدم و بنات حوا شوق
اجمعین خصوصا فلان ابن فلان برحمتک یا ارحم الراحمین با دیگر در افسون فرح کفتار در دیگر
آفتاب بر آید یا فرو رود در روز چهارشنبه سر برهنه کند و کف پای راست را بر پشت پای چپ گذارد و بیست و یکبار این
اسمها را بخواند بر او دمد و اندکی مشک و زعفران در پهلوی او بمالد و به رنگ ابریشم او را بپیچد و با خود
دارد تا عجایب ببیند افسون اینست یا ملکاه یا ملکاها یا ملکوت الذی بیده ملکوت

کلنتیج والیه تو جعون افودم ابن فرخ ۹ باسم فلان ابن فلان که در دل فلان ابن فلان
عزیز باد جنبان بادروانش کن چنانکه دوانش کن چون دیو خروش نش کن بمحبة فلان ابن فلان النار الساعة
الوحا الحریق العجل ۱۱ ۱۱ ۱۱ د د یا میمون زنگی یا میمون الفی یا میمون عطفی بیلاج تو ابو بکا
انت بهشة وانت ذو بعة وانت ذو بعة مهاکال وانت مهاکال بحق خاتم سلیمان
ابن داود علیه السلام که هیچ شوید و بسوزانید دل و جان و روح و روان فلان ابن فلان را بعشق
دوستی فلان ابن فلان ان عذ الوحا النار برحمتک یا ارحم الراحمین درافسون دارو سنکک
باید سه مرتبه بخواند و براو دمد که در محبت نظیر ندارد و معشوقه ۹۵ ۷ ۱۱۱ ۱۱ باسم خود و مادر خود و نام مطلوب
مع والده اش و بخور هم بکند افسون اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا اصحاب الجلود کذالک
تحرق قلب فلان ابن فلان لا یاکل ولا یشرب ولا یکون لها نوما و قرارا ولا صبرا من محبة فلان
فلان ابن فلان احضر وانه الجوع الکبیر الذی تکتب علیکم الحق و توکل علی هذا ان کنتم
یهودیا بانی اعزم علیکم بحق توراة و ما فیها و بحق موسی ابن عمران بحق هذه الاسما
الاعظم الذی قال یا مریم اقنتی لربک واسجدی وارکعی مع الراکعین و بحق کرکیال
و ذکر سیال وکیا کیال ستا حوصا اسمعوا بکبر قلب فلان و هوش فلان و فکر فلان
در محبت فلان بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق یس والقرآن الحکیم لا اله الا الله حقا
حقا والائمة المعصومین درافسون دارو سنکک باید که این افسون را هفت مرتبه بخواند و بدمد بران
وانکشت پهلوی مهین ۹ ازان آلوده کرده بر کفل شخص منظور بکشد تا مسخر کردن او مجربست افسون اینست
احنوس احنوس احنوس جنوش جنوش جنوش جنوش فشتیان جاین ۳ بار ننیدلوش ۳ مرتبه
هیماش ۳ مرتبه مبن ولاش ۲ مرتبه اهیا ۱ مرتبه بخواند در عمل محبت مجربست و عظیمتر از نقا
یسواعمالست اگر کسی خواهد که عمل محبت کند باید که صورتی بزرگ از موم سفید بسازد و با بریشم سفید صورت را

از سپایه

از سپایه که از چوب کهنه باشد آویزکند و این عزیمترا بخواند و بنام هر جای عزیمترا بنویسد و در جوف آن صورت نهد و در تحت
صورت مقل ازرق و کندر و مشک بخور کند و علامت و عجایب عمل آنست که صورت مذکور بدون حرکت
باد متحرک شود آنگاه از سپایه بزیر آورد و در لفافه سفید بپیچد و در جای پاک که گرم باشد دفن کند چنانکه
گرمی بسیار نباشد که موم را گرم کند که آب شود که اگر موم گداخته شود عمل فاسد است و چنین کند اگر نشود با دمیکه
گرم باشد محبت بین الشخصین بمرتبه باشد که بی هم ننشینند و قرار و آرام و صبوری نمانند و مفارقت در بین
ایشان محال باشد و مطلوب که صورت باسم اوست رام شود بحدیکه از نظر طالب مفارقت و غایب
نتوان شود جان مطیع و منقاد او گردد که از قول طالب تخلف ننموده و کسی دیگر با او اختیار نکند و بجای او
نگزیند اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ابا اللیث یا ابا المعتصم ویا ابا فرده ویا
ابا مالک ویا ابا یونس بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الذی عنت له الوجوه وخضعت
له الرقاب وخشعت له الاصوات وانزعجت له النفوس ووجلت له القلوب وذلت
له الخلائق واهتز له العرش وقام بامره الروح وانقادت له الجن والانس والشیاطین
والارواح واذعنت له المردة وتضعضعت له العفاریت وخدم بامره الروح المخلوقون
ونعبد له المتعبدون الا ما اجبتونی فاطعتمونی فیما امرکم به بعظیمتی فی کتابی
هذا هو کتاب الله تعالی وانه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ومن
خلفه تنزیل من حکیم حمید وعزمت علیکم بعزیمة الله تعالی هی فوق کل عزیمة
فلا ارض تقلکم ولا سماء تظلکم ولا لیل یسکنکم ولا نهار یسترکم ولا قرار یؤوی
بکم ولا شیء یخفیکم حتی تبالغوا وتنجزوا ما ادعوکم الیه العجل العجل العجل الساعة
الساعة الساعة بعزة من اراد ان یقول له کن فیکون وبقدرة من بیده

ملکوت کل شیء والیه ترجعون عزمت علیکم بعزیمة محمد ابن عبد الله ابن عبد المطلب
رسول الله صلی الله علیه وآله وعزمت علیکم بعزیمة امیر المؤمنین بعزیمه سلیمان ابن دا
ود التی عزم بها علی الریاح فانت له مطیعة مستقیمة وعلی السحاب فاتاه مظلما کما
کما امره الله تعالی وعلی الطیر فاتته صافات وعلی الجن والشیاطین فاجابوه وخضعوا وانقا
دوا وخدموا وتعبدوا وتذللوا ما کل ذالک الا بعزة الله تعالی وقوته وسلطانه وقدرته
ان الله عزیز ذو انتقام فکذالک هیجوا فلان ابن فلانه وخذوا قلبه علی عشق فلانه بنت فلانه
والهیاج علیها والقلق بها والقیام فیها وبما الاح لموسی وتجلی الجبل حتی تقطع الجبل
من اصله وخر موسی وعزمت علیکم یا رؤس التوابع بحق شمعون وشمعشون ویستون
اهیا شراهیا صبا صرحیا عاطلا عطلطیائیل ادوناي اصباؤت آل شدای عزمت علیکم
بعزیمة الله الغلاظ الشداد قدوس قدوس قدوس جبرائیل ومیکائیل من فوقکم وجعلنا بینکم
وبین الجنة وانهم لمحضرون وانما تکونوا فی بر او بحر او قفار او قرار او بلد او بقعة اینما تکو
نوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر ثم لا مرجع ولا ملجاء ولا منجا لکم ما لم تهیجوا
فلان ابن فلان علی عشق فلانه ابن فلانه هیا هیا عجلوا اجلوا اهیجوه زلزلوه قلقلوه بلبلوه
ازعجوه حتی یاتیه من ساعته ذلیلا مسخرها بما بین یدیه کیف یشاء بامر ربنا وربکم
الملک الجبار العزیز الغفار وصلی الله علی النبی المختار محمد واله الاخیار والائمة الابرار الاطهار

~~باب دیگر~~ در برعامل مخفی و مستور نماند که این عمل از جمله اسرار است پنهان که بجز ام نگفی و از نامحرمان پوشیده دارد

بیان عمل محبت

اول بدانکه دایره چهار ضرب آنرا میگویند که آن عدد ها بیت در بیت مثل دو حول
بیت چهار ضرب کنند هشتاد میشود و آن دایره هشتاد در هشتاد است و آنرا دایره وفق میگویند و معلوم باشد

کہ اشارتی

که اشارتی آورده شده ولیکن خاصیتهای بسیار است و آنچه مطلوب باشد بیارند و خاصیت صغیر و کبیر و
اکبار و ذو الاکبار و مع الاکبار که متصل گشتی هر دو دایره اند بسیار است در اینجا نمیگنجد در کتاب جواهر الخمسه طلب
باید کرد و از انجمله یک اشارتی نیز آورده شده و آن اینست که دایره بیت در بیت از یک اسمای کامل طلبیده بر بیست و
دریا یک مرتبه پر کنند و ترک جمیع حیوانات کنند ولیکن آن کارها که از ادای زکاة دادن ضروری باشد آن استاد
کامل خود خواهد فهمانید و نیز در ترک حیوانات و سعی و مجاهدات و ترتیب نوشتن این جمله دایرهها قریب یک
دیگر بند و معلوم باشد که بعد از آن که زکواة داده شد و دایره چهار ضرب یک مرتبه پر شد بعد از آن آن شخص
خود عامل خواهد بود و نیز آورده اند که چون آن شخص خود عامل شد در عمل کردن از برای هر کاری که باشد دایره هزار
که هشتاد در هشتاد است پر کند ~~ایضا~~ پر کردن دایره هشتاد در هشتاد این چنین است که از برای هر مطلبی که باشد
هشتاد دایره پر کند و بعد از آن یک دایره را نگاه دارد و باقی را بشوید و آب سته دایره را در جای پاک ریزد
و آن یک دایره که مانده است در سرپای خود کرده بنشیند اگر دختر پادشاه هفت اقلیم را خواهد و طلبیده باشد
همان زمان موکل این دایره او را حاضر گرداند بعد از آن دختر را هر چه خواهد بکند چون رخصت دهد آن دایره
که در سرپای اوست بجانب دیگر گرداند و او را رخصت کند همان زمان موکل این دایره او را برداشته بمنزلش بگذارد
چون لمحه بگذرد دایره را بشوید که دختر بخانه خود رسیده باشد و از برای هر کار نیز همین قاعده باید عمل کند تا فایده
ببینند و پنج دایره شریف را با نصد خواص است همین یک خواص ذکر شده تا که طلبیدن از ین قرار بدست بیاید چون
استاد کامل باشد خود خواهد فهمانید والسلام ~~و خاصیت~~ صغیر و کبیر و اکبار و ذو الاکبار و مع الاکبار در
این عمل در کار نیست و لیکن او نیز کار میشود اگر او را نیز همراه میکنند جمیع کار ولی الله است و کار هر کسی
نیست چرا که موکل او بچشم مینماید و از ترس جن میشود و بحکم او کار میکنند ~~و دیگر~~ معلوم باشد که دایره چهار ضرب
را دایره وفق میگویند و عدد صغیر و کبیر و ذو الاکبار و مع الاکبار جمله اسم باید و حرف است و نقش معظم که

ایضاً معلوم باشد که اسم بدوح چهار طرف است که عدد که
گرا و را میگویند اینست که نقش میشود
بیست میشود و بیست را چهار ضرب میکنند اندایره ها وفق میگویند
هشتاد در هشتاد هم میگویند بعد از دادن زکوة دایره چهار ضرب
دایره وفق را بعمل بیارند و در هر کار بکار ببرند و فایده بسیار دارد

۸	۶	۴	۲
۲	۴	۶	۸
۶		۲	۴
۴	۲	۸	۶

اینست که نقش میشود

۱۹	۲۳	۲۶	۱۲
۲۵	۱۳	۱۸	۲۴
۱۴		۲۱	۱۷
۲۲	۱۶	۱۵	۲۷

و در آخر خانه هشتادم که او را دایره مقصود است این موکلها
مقصود در آن دایره بنویسد و در شب یا کنند در یک لمحه بکار آید
موکل اینست اجب یا جبرائیل یا رفتمائیل یا تنکفیل حاضر
و سخر آن بحق بدوح ابجد صغیر کبیر اکبار ذو الاکبار نبع الاکبار تمام شد ۲۸ قواعد علم
۲۱۰ ۸۸ ۴ ۸۱ ۱۲ ۱۰ ۴۱
شریف دایره معظم و از جمله اسرار الصدور است والله اعلم بالصواب **نوع دیگر** در بیان قواعد خلاصه
الاعمال از محبت و عداوت و اظهار و این اسرار مرد امادرست و حمد الله از قواعد اسرار عمل بدانکه اگر کسی خواهد
آیه از آیات قرآنی در ربع و غیره و عزیمتها نوعی تالیف کند که بحسب بعضی موافق مطلوب باشد باید مطلب خود را
تنظیم نماید چنانکه تغیر در آیه و حرف بهم نرسد و اگر آیه باشد که در شان او یا ترک کرده دیگری او را بعمل آورد
این قواعد را کسی با کمال ندانسته و هیچ استادی باین قاعده برنخورده و ما چند مثالی ذکر مینمائیم تا واضح باشد
مثلا ما میخواهیم که محبت ما در دل علی بهم رسد پس لازم است که نوعی کنیم که این آیه تاثیر خود را تمام کمال
در باره علی کند و الا تا قیامت هیچ حل فایده ندهد پس باید که ترکیب کند آیه را باین وضع که والقیت
علیک یا علی محبة منی یعنی انداختم محبت خود را برتو ای علی این را عدد گرفته بر ربع یا مثلث پر کنند و عزیمه
علی بخواند اقسمت علیکم یا فلان و فلان بحق فلان و فلان اجیبونی و اطیعونی والقوا محبتی فی قلب

علی

علی بحق والقیت علیک محبة منی ایضاً و اگر خواهد که محبت در دل دیگری اندازد باین ترکیب عدد بگیرد
والقیت علی محبة من محمد بحق وانه لحب الخیر لشدید و این ترکیب بجای دو آیه است یکی
والقیت و یکی لحب الخیر و در معنی تمام است واما اگر محبت کسی را خواهد در دل جمع خواهد بگوید والقیت
علیکم یا جماعة فلان و فلان محبة من محمد بحق یحبونهم کحب الله که صیغه جمع است ایضاً اگر
خواهد محبت خود را در دل جمع اندازد بجای محبة من محمد بگوید محبة منی ایضاً اگر جهة احضار شخصی
خواهد در آیه مناسب عمل کند تا دلیل کند و در عزیمت بجای القوا محبتی بگوید احضروا فی مکان و اگر
از برای دیگری کرده باشد بگوید احضروا فلان فی مکان فلان و اگر خواهد میان دو شخص صلح افتد ترکیب
کند عسی الله ان یجعل بینی و بین الذین عادانی مودة والله قدیر والله
غفور رحیم این آیه را عدد گرفته و در عزیمه بجای احضروا بگوید واصلحوا بینی و بین
اعدائی بحق فلان اگر از برای دیگری باشد ترکیب چنین کند و عادانی عاداه بگیرد و بجای
اصلحوا بینی و بین اعدائی بگوید بینی و بین اعدائه و اگر زن باشد اعدائها باید خواند
و اگر تسخیر کسی نماید آیه مناسب که وسخرنا له کل شئ چنین بگوید و سخرنا لمحمد کل شئ و بجای اصلحوا
در عزیمت سخروا لمحمد کل شئ بحق فلان و اگر از برای خود باشد بگوید و سخروا لی کل بحق
فلان و اگر جهة عداوة باشد آیه مناسب بهمین طریق و اگر جهة تفریق باشد بهمین دستور عمل نماید
ایضاً بدانکه یک مثال کامل عبارتها تجیب مینمائیم که باقیها را براین قیاس کند چنانکه عدد آیه والقیت
بدستور که اول گفته شد گرفتیم یکهزار و سی بود در مربع بردیم و عزیمت را همچنین خواندیم که عزمت علیکم
یا اعوان هذه اللوح فلان تئیل و فلان تئیل بحق الملک الاعظم بحق اسمه الاعظم الا
کرم فلان و فلان اجیبونی واطیعونی والقوا محبتی فی قلب فلان بحق والقیت

علیک یا علی محبة منی بحق هذه الاسم المندرج فی هذه اللوح العجل العجل بارك الله علیکم
واگر در شعور وار نکند بگوید وان لم تجیبوا فسلط الله علیکم ملائکة السماء بایدیهم شواظ من نار
ونحاس یضربون وجوهکم وادبارکم اما تا حاضر نشود این آیه آخر را بخواند که جهت ... واگر احضار
جن خواهد آیه فاذا هم جمیع لدینا محضرون را عدد دیگر دواگر احضار شخص خواهد که قبل از این بیان او
بعد و حال مدتی که رفته عدد دیگر این آیه ارجعی یا فلان بن فلان الی ربک راضیة مرضیة فی مکانی
واگر برای دیگری باشد فی مکان فلان و قس علی هذه جمیع الاعمال من الحب والبغض والتسخیر
والاحضار بدان ای شخص که الله تعالی عامل عاقل که چنین این قواعد را از اینکه در کتب کرد در بعد عملی که کنی
خطا نه بینی والله اعلم ایضاً ختم سوره الم نشرح هر روز بعد یک حرف بخواند به ترتیب حروف الم نشرح
بکرات بیست و چهار حرف بشود و در بیست و چهار روز مقصود حاصل شود ان شاء الله تعالی و آن بیست و چهار حرف این است ایضاً در بیان
ال م ن ش ر ح ل ك ص د ر و و ض ع ذ ی ق ظ ه ف س غ ت ب سه مرتبه یا الله بگوید و ۱۳ بار
ختم آیه شریف قل اللهم مالک الملک را چهل روز هر روز چهل مرتبه بخواند بعد از هر ختم
این دعا بخواند انت الله الذی لا اله الا انت وحدک لا شریک لک تجبرت ان یکون لک
ولداً و تعالیت ان یکون لک شریک و تعظمت ان یکون لک وزیر یا الله ده مرتبه
از ده مرتبه یکبار اقض حاجتی بحق محمد و آله صلواتک علیهم اجمعین بگوید اما بعد از فراغ چندانکه
تواند صلواة بفرستد و اما کلمه الملک را بطلا کرده بدین نحو ال م ل ک و مدام نظر کند بحروف وسط که
مهم است در میی رفد ایضاً در بیان ختم طلوع صبح قبل تکلم چهارده روز در هر روزی چهارده مرتبه این دعا
بخواند و در هر روز قبل از شروع و بعد از خواندن پنج مرتبه صلواة بفرستد دعا این است اللهم اغننا
بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک برحمتک
یا ارحم الراحمین ایضاً ختم روز شنبه هزار بار بخواند بسم الله الرحمن الرحیم آمنت

بالله

بالله العلی العظیم و توکلت علی الحی القیوم ایضاً نماز حاجت هر کرا مهمی پیش آید و با تمام واند
در هر روز نماید باید این نماز را بجا آورد و قدرت خدا را مشاهده نماید و کیفیت آن نماز این است که
منقول میشود که در شب جمعه یا شب چهارشنبه غسل کند و بعد از نماز خفتن جامه پاک در پوشد و چهار رکعت
نماز بیک سلام بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد صد بار بگوید افوض امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد و در رکعت دوم بعد از حمد صد بار الا الی الله تصیر الامور و در رکعت
سیم بعد از فاتحة الکتاب صد مرتبه بگوید نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین فالله
خیر حافظاً و هو ارحم الراحمین و در رکعت چهارم بعد از سبع المثانی صد بار بگوید انا فتحنا لک
فتحاً مبیناً و چون سلام دهد بگوید غفرانک ربنا و الیک المصیر پس سر بسجده نهد و
کف دست را بجانب آسمان کند و صد بار بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه هنوز سر از سجده
برنداشته باشد که مقصود بر آید ان شاء الله تعالی ایضاً طریقه نماز استجابت دعا از عبید سمرقندی در مرتبه
کسی این نماز را کرده بجهت مال دنیا خداوند جل شانه انقدر مال دنیا و کرامت فرمود که مخصوص پادشاهان
شاهان بود بار دوم این نماز را کرد جهت دریافت حج و او را روزی شد مرتبه سیم کرد جهت شهادت
دست بمقصود رسید هر کسی که کرده است بهر نیت حاجت روا شد و طریقه این نماز این است
که چهار رکعت است و در هر رکعت بعد از حمد یازده مرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه قل هو الله احد
و قبل از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او فرستد و بعد از سلام چهل یکهزار مرتبه بگوید یا
و دیگر حرف نزند زود باجابت رسد ایضاً نماز غالب بر خصم بعد از نماز صبح بلا تکلم دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره ... و در رکوع دوازده مرتبه ذکر رکوع را بگوید سبحان ربی
العظیم و بحمده و در سجود بیست و چهار بار سبحان ربی الاعلی و بحمده بگوید و بعد از سلام هزار

انگشتر ماه رجب

ایضاً جهت حصول مطالب ۳۲ رتب انی مغلوب فانتصر انت الله بر خصم غالب شود
مرتبه بگوید رب انی مغلوب فانتصر ... و بعد هزار مرتبه این دعا بخواند
تا هفت شب متوالی در گوشه خلوت بلا تکلم اول صد مرتبه صلوات فرستد و بعد هزار مرتبه این دعا بخواند
الهی الهی قد انقطع رجائی من الخلق وانت رجائی و بعد از اتمام نیز صد مرتبه صلوات فرستد و بعد
حاجت خود را از خدا بخواهد ایضاً از برای جاه و امور دنیوی و نزد سلاطین وغیره و مطالب شرعی باید که
تا چهل یوم در وقت معین که هر روز همان وقت در مکان خلوت بلا تکلم با وضو رو بقبله بنشیند یکهزار و چهار
هشت مرتبه بخواند ماشاء الله لا قوة الا بالله و بعد از حاصل شدن مراد هر گاه ورد خود نماید هر روز
بهمین عدد بسیار خوب است ایضاً در بیان انگشتر تختیم الرقیم ماه رجب حرز الاعظم من نقش هذه الآیه وهذه
الکلمات فی یوم اول من شهر رجب علی الخاتم الفضه ویجعل الخاتم علی البنصر حفظه الله تعالی ان کان
خائفا وقضی الله حاجته عند الحکام والسلاطین والناس اجمعین ولو لا یکون له شغل اعطاه الله تعالی
شغلا وعملا ویجعل له مخرجا ولو کان امرأة لا بعل لها بعلا فقیرلها وان کان مریضا ارحی (?) فی الماء فشربه
اعطاه الله شفاء عاجلا وصحة کاملة وشرب مائه فاروق وتعویذ وشفاء من السموم وسم العقارب
والحیة وهی هذه الآیه وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم عسق
ق ن ایضاً در بیان الف ب ۲ حرف والفش در کتاب اسرار افاده بعد از حروف با مقدم داشتیم و در
وقت اول درجه برج دلو بر پوست خوک پانصد حرف با بنویسد و بخور بد کند در عداوت اثر تمام دارد ایضاً در وقتیکه
زحل در جدی بود و قمر در ثابت (?) باشد لوحی از سرب خالص و سیزده حرف با بر آن بنویسد یعنی نقش کند و آن لوح را
در آب اندازد هر حیوانی بخورد هر علتی که داشته باشد شفا یابد ایضاً اگر کسی سحر کرده باشند آب برگ شیر ابگیرد
و آن لوح را در آن اندازد و از روی آن آب خورد سحر باطل و برطرف گردد ایضاً در بیان حرف با یبس

دقوی

دقوی و تعلق بعطارد دارد اگر کسی صد عدد تا بورق زیتون بخون دختران بنویسد و در آتش اندازد
عفاریت مسخر وی گردند تسخیر ملوک اگر کسی چهار صد تا بر پوست گرگ بنویسد سلاطین و امرا مسخر وی گردند
ایضاً اگر کسی چهار هزار حرف تا بر پوست شیر بنویسد و با خود نگاه دارد ملوک و سلاطین و امرا مسخر وی شوند
زبان بند در وقت طلوع شش درجه و پنجاه دقیقه از برج جوزا سی عدد تا بر سفال آب نارسیده بنویسد و بزعفران
بخور کند و در زیر خاک کند به نیت زبان بندی هر کس خواهد بسته گردد محبت اگر کسی چهار صد حرف تا بنویسد و با خود
دارد در نظر مردم عزیز و مکرم گردد بجهت خیره اگر کسی صد و یک تا بنویسد و با خود دارد و هر روز بهمین عدد بگوید
در چشم اقبال بر روی او باز گردد خون دماغ اگر کسی را خون از دماغ آید و بهیچ وجه باز نایستد سی عدد تا بنویسد بر کاغذ
بزرگ و چهل عدد تا بر سر او بنویسد بر سر او بندد شفا یابد خاصه که مریخ در حوت باشد خواب بند اگر خواسته باشد
که کسی را خواب کند صبح روز شنبه (?) بر کاغذ کشمیری سیصد حرف تا در اندرون بنویسد ببادی که از سرب و
آهن خواسته باشد و در کوزه نو بنه و در خانه تاریک بگذارد و سنگی بر سر آن بگذارد که بیدار نشود مگر او را بیدار
کنند در بیان حرف ثا اما حرف ثا تعلق با آفتاب دارد حکما گفته اند که ضد الف است عداوت در وقت طلوع
هشتم درجه عقرب نه حرف ثا بر کاغذ بنویسد به نیت عداوت میان هر کس و بکافور بخور کند و در چاه اندازد
میان ایشان عداوت پیدا شود احضار اگر کسی پانصد مرتبه حرف ثا به نیت غائب بخواند هر چند دور باشد
البته بیاید تابان اگر کسی هوده (?) ثا در ساعت آفتاب در روز یکشنبه که آفتاب در برج شرف باشد بانوزده
الف در لوحی از طلا نقش کند جهت ثبات سلطنت و مزید رتبت اثر تمام دارد و باید انگشتری لوح را
نقش کند روزه باشد بجهت دریا اگر کسی پانصد هفتاد و نه عدد حرف ثا بر لوحی از صدف نقش کند با قلم فولاد در
دقیقه که قمر در سرطان باشد بجهت سعد و سعود ناظر و با خود نگاه دارد در سفر دریا از غرق ایمن گردد ایضاً
در بیان حرف ج اما حرف جیم با یبس و مرفوع است و تعلق بزحل دارد زبان بند وقت طلوع سیم درجه از

از سنبله بر کاغذ دایره بکشد و هفده حرف جیم بر مرکز بنویسد و بدیره کرها نه بخور کند و بموم کیرد و در زیر نگین
پنهان کند بنیت زبان بندی کسی زبان او بسته کردد بجهت قولنج اگر کسی بیست و چهار جیم باین صورت ج
بر نبات مصری بنویسد و صاحب قولنج بخورد شفا یابد بجهت نکاح اگر خواهد میان دو کس نکاح واقع شود
در وقتیکه قمر در برج اسد باشد دایره بکاغذ بکشد و در بیرون دایره پنجاه و سه جیم بنویسد و در
مرکز دایره اسم مرد و مادر او و اسم زن و مادرش را بنویسد و عنبر و عود و فلفل بخور کند در اندرون
دایره بنویسد وجمعناهم جمعا و در محل تاریک در زیر سنگی نهد البته نکاح واقع شود بجهت تسخیر جواب اگر
کسی نوزده جیم بر صفحهٔ از زر خالص نقش کند در وقتیکه آفتاب در وجه باشد و نام خود هم در آن
نقش کند و عنبر و سندروس و کندر و عود و لبان بخور کند و آن لوح را با خود نگاه دارد هر حاجت
که از خدا تعالی خواهد حاجتش روا شود بجهت محبت اگر کسی ج لوح را در آب اندازد هر که از آن آب بخورد
مسخر وی کردد و از محبت او بیقرار کردد کشایش کار اگر کار کسی بسته داشته باشد در وقتیکه قمر در برج
درجه حوت باشد و اگر متصل بزهره باشد بهتر است بحمام رود و لوح را در طاس نهد و آب باران در
آن طاس کرده بر سر ریزد البته کار او کشاده کردد و بسیار فرح ملک شود اما باید چون از حمام در خانه
رود صد و پنجاه مرتبه بکوید الحلیم و در آخر بکوید یا جامع اجمع شملی کار بستگی کشاده شود خواص حرف ج
منقول است که هر کس پنج جیم و پنج غای معجم بزعفران و مشک بر ورق آهو بنویسد و در پهلوی
آن بنویسد ان جندنا لهم الغالبون غالب شود در بیان خواص حرف ح و حرف حا حار رطب و مجرود
و تعلق بقمر دارد بجهت عقد النوم مجرب است عقد النوم اگر در وقت بیستم درجه از جوزا شانزده حا
و بقولی نه عدد ح بر خشت خام بنویسد و لب بالای آتش نهد و پوست بادام بخور کند بنیت
خواب بستن و اسم آنکه خواهد و اسم مادرش را بر خشت نویسد خوابش بسته شود بجهت حفظ

کفته اند

کفته اند که حرف حا خاکی و سرد و خشک است و صامت است و جامد هر که حرف حا بداد نویسد و
بر جبه باشد هر که نگاه دارد در حفظ خدای تعالی باشد ایمن از دزد اگر کسی هشت حا بر حریر سفید نویسد و
میان متاع کذارد از دزد ایمن باشد بجهت محبت اگر خواهد کسی را دوست خود کرداند چون زهره در اسد
باشد و قمر متصل بتثلیث باشد حرف حا بر پاره مس نویسد بنام آن کس و مادر او بنیت محبت خود در
در آتش اندازد تا زنده باشد دوست او کردد و اگر در آب اندازد و مطلوب از آن آب بخورد همین خواص بخشد
اگر خواهد محبت زیاده شود آن لوح را در کوزه اندازد و از آن کوزه آب بخورد بسیار مفید است بجهت امان اگر هشت
حرف ح با اسم حی حلیم حکیم حمید جمع کند بعد از نماز جمعه در نگین انگشتری نهد و با خود دارد از کرما و ضرر آتش
در امان باشد بجهت امان اگر کسی پنج چهار اسم را با هشت ح هشت مرتبه بر ورق آهو نویسد در تحت الشعاع
در زمانیکه ساعت عطارد باشد و با خود نگاه دارد از شر ظلمه ایمن باشد خواص اگر کسی در وقتیکه قمر
زایده النور باشد هیجده ح نویسد و با خود دارد بطلان سحر و ضیاء عین و شفاء مریض و وسعت رزق
را موثر است تسخیر ارواح اگر کسی هیجده حرف ح بمشک و زعفران در حریر پیچد و در موم سفید کرفته
و در زیر دندان نهد ارواح را ببیند و باید که نترسد اگر بترسد بیم هلاک باشد در وقت نوشتن
باید یاری یا زکی بخواند انتقام اگر کسی سیزده حرف ح نویسد بر پاره کرباس که از خاکدان برداشته
باشند بنام هر کس که خواهد در شکل طوالنی نام او و مادرش را در وسط شکل نویسد و باد بخواهد
رنجوری و سرفه و تب عارض شود شکل اینست

ح ح ح ح ح ح ح
فلان بن فلانه
ح ح ح ح ح ح

در بیان حرف خا اما حرف
خا تعلق ببرج دارد و مع ذالک بارد و مجزوم و در عداوه مستعمل است عداوه در وقت طلوع سی درجه
و چهل دقیقه از برج دلو کذشته بنام هر کس که خواهد بر حریر نویسد و بعود بخور کند و بباد دهد در میان ایشان
عداوه پیدا شود خبر غایب کفته اند که چون کسی را غایبی باشد و خواهد از او خبر یابد این حرف را بعد جمله ایش

که ششصد بیت بخواند و باد نفس را بر آن طرف که غایب است بدمد بروز خبری یابد ایضاً اگر خواهد بداند
غایب کدام جانب است حرف خا بر کاغذی نویسد و بخور کند و در زیر سر نهد بطهارت و حضور قلب خواب
کند غایب را در خواب بیند و احوال و بر جایی که خواهد بداند ایضاً اگر کسی حرف خا بنویسد و با خود نگاه دارد
از هر خوفی ایمن گردد ایضاً اگر کسی ششصد خا بنویسد و با خود نگاه دارد خلایق از وی خایف باشند و باد
نتوانند فایق باشند ایضاً در خاصیت حرف خا در خواب کردن و جدائی انداختن و مریض کردن و دشمن اثر نام
دارد هر که خواهد چنین کارها کند اما باید بشاخ کند باید پاره رخام سفید و مثلث هندسی بر آن کشد و در یوم
چهارشنبه آخر ماه صفر بساعت زحل و اگر ماه صفر میسر نشود چهارشنبه آخر هر ماه که باشد در وقتیکه قمر محترق باشد
ششصد خا بر اضلاع مثلث نویسد و در میان مثلث نه طا و نود صاد نویسد بر صورت دایره و در
خانهای مثلث بقاعده مقرر ارباب وفق عدد بنهد و در وقت جمع نهادن این آیه بخواند ایضاً
سیهزم الجمع و یولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر نام الکسی
نام مادرش جمع کرده بر سه گوشه مثلث از بیرون بنویسد و در گورستان یهودان در قبر کهنه دفن کند عجایب
مشاهده کند ایضاً دیگر اگر کسی هفتاد حرف خا در پهلوی هم در یک سطر نوشته و در زیر سر نهد هر غایبی
که خواهد در خواب بیند ایضاً شیخ ابو علی گوید ترا آب است و عقد اللسان را نافع است و بغایت عظیم
دارم مجرب است اما باید که دال و قط سه بار بخور کند نوع دیگر گفته اند که حرف دال بارد و مجزوم است
تعلق بمشتری دارد و در اعمال صد و الف است در وقت طلوع یوم در صاعد برج جوزا در آبگینه سفید نویسد و در تمام
بیاویزد و به اشنه بخور کند در عداوت و بغض تاثیر کند ایضاً اگر کسی هر صباح بر بلندی رود و سی و پنجمرتبه این
حرف را بگوید و شام نیز همچنین عمل کند و بر جانب دشمن دمد برود پریشان و سرگردان شود و از او اثر نماند
ایضاً اگر کسی چهل حرف دال در وقتیکه قمر در برج جدی باشد بنویسد و بشوید و بکسی دهد که تب داشته باشد

بدهد

بدهد بخورد تسکین حرارت کند تسخیر قلوب بعضی گفته اند قوه حرف دال دلو است چنین شانزده دال بر
لوح نقره نقش کند در وقتیکه قمر زاید النور باشد و متصل بمشتری باشد اول هر ماه که باشد و آن لوح را در آب
انداخته بیاشامد و لوح را در بر کردن انداز از فطانت و استشراق و اطاعت قلوب نتیجه بخشد دعوت اگر کسی
حرف دال را بعدد شش که چهار است سه پنجمرتبه بر حریر سفید نویسد در محلی که قمر در سرطان باشد و از شر
بحظ باشد در زیر نگین نهد وسعت رزق پدید آید ایضاً اگر کسی الدائم الابد بسیار گوید از وی آثار و
خواص بیشمار بیند ایضاً توفیق یافتن کلمه محمد رسول الله احمد رسول الله محمود رسول الله
را در روز جمعه بعد از فراغ از نماز جمعه بلا فاصله سی و پنجمرتبه بنویسد و با خود دارد خداوند تبارک و تعالی
او را توفیق در توفیق طاعات و عبادات عطا فرماید و از شر شیطان ایمن گرداند و اگر هر روز
صبح باین نوشته نظر نماید و صلوات فرستد آنحضرت رسول را در خواب بیند در بیان خواص حرف
بدانکه حرف ذال از حروف یابس مفتوح است بعضی گفته اند که رطب و مجرور است و این اصح است
و تعلق بزهره دارد و در آن هیچ عمل خیر نتوان کرد و در خراب کردن خانها و تفریق میان دو کس
و مریض دشمنان بدستوریکه در حرف خا مذکور شد عمل کند فایده بیند تجربه گفته اند که اگر کسی خواهد
که شخصی از فرمان او بیرون نرود هفتصد ذال بر لوح مربعی که از آهن ساخته باشند نقش کند و در
وقت نقش کردن بلکه تا سه روز روزه گیرد و هر روز هفتصد و هفتاد و هشت مرتبه الذال بگوید در
روز سیم بعد از افطار سیصد نوبت بگوید الذال و سیصد و شصت مرتبه بگوید لایرون فیها شمسا
ولا زمهریرا ودانیة علیهم ظلالها وذللت قطوفها تذلیلا و در سر هر صد نوبت بگوید
اللهم یا مذل ذلل لی فلان ابن فلان و لوح آهن مذکور را با خود دارد و بر ورق آهو بنویسد
الذال و با لوح باهم نگاه دارد آن کس تا زنده باشد از فرمان او بیرون نرود حفظ مال اگر کسی

شود ایضاً اگر کسی بر صفحه رصاصی حرف ص نقش کند و با خود نگاهدارد جهت عقد اللسان عظیم اثر تمام دارد و باطل
السحر باشد و هر حاجت که دارد بر آید ایضاً اگر کسی حرف ص بر کاغذ نویسد و با خود دارد از جمیع امراض سالم
باشد و هیچ آفت بوی نرسد ایضاً اگر کسی حرف ص با ورد دعغ(?) سازد تا هر زمان که ورد او باشد مانده نشود
اگر کسی بعد از نماز صبح نود و پنج مرتبه که عدد مفصل ص باشد مقرون باسم الصمد بگوید از مرض جوع خلاص
شود و در باطن او صفت اطمینان پدید آید در بیان حرف ض بدانکه حرف ضاد باتفاق هیچ طبیعت ندارد
و از حرف ضربت و ضرر و فساد دخلی تمام دارد ایضاً اگر کسی حرف ضاد بر کاغذ نویسد و بجنوان(?) بندد که نگاهدارد
و بر طعام خوانند که بخورد خوش(?) ایمن شود ایضاً اگر کسی نود ض بنویسد و بدیوانه بخوراند عاقل شود ایضاً
اگر کسی ضعف دل داشته باشد بنویسد و بخورد ضعف قلب او برطرف شود در بیان حرف ط شیخ ابو علی فرموده که طا
متعلق بقمر است و بادی و مجروم است علامه فرموده که ضد حرف الف است در وقت طلوع نهم درجه از برج عقرب
نوزده ط بر برگ سفیدار بنویسد و در آب چاه انداز زود کم(?) لبان بخور کند به نیت عداوة میان هر نفر عداوة پیدا
شود نوع دیگر حکیم گفته که نود هانی(?) نیست حرف ط و مساوی است بعدد عربی آن ده و فارسی آن نه است ایضاً
اگر کسی حرف ط بر حریر سفید یا سبز نویسد و با طهارت با خود نگاهدارد از شر حسودان و کید کایدان و جمیع
آفات ایمن گردد ایضاً نوع دیگر در خواص الحروف سطور است هر که خواهد از میان دشمنان بسلامت بیرون آید
بر باطن خود یک حرف ط بنویسد و در حالت نوشتن ده نوبت ط بیک نفس بگوید پس قدم در نهد بسلامت برود
بگذرد و هیچ ضرر از ایشان باو نرسد ایضاً اگر کسی نه طا بر چه خواهد نویسد و با خود نگاه دارد هر حاجت که
دارد بر آورده شود ایضاً اگر کسی نود طا به نیت از ناخن زنها نویسد و در خانه پادشاه یا در دروازه های
شهر بیاویزد شهر از زنان(?) کرد ایضاً اگر کسی نهصد طا به نیت محبت بر حریر سبز نویسد و بر بازو
بندد هر که او را ببیند دوست او گردد ایضاً اگر کسی نه هزار طا بر ورق آهو نویسد و در خانه خود دفن کند
از شر همه کس ایمن گردد

از شر همه خلق ایمن گردد در بیان طا شیخ ابو علی گفته که حرف طا بارد مجروم است و متعلق به آفتاب است
علامه گفته عداوة ها شاید جهت عداوت در وقت طلوع آفتاب در دوازده درجه و چهار دقیقه از دلو بیست
و یک طا بر کاغذ نویسد و در مقبره(?) دیا(?) ... سیر و پیاز بخور کند به نیت عداوة میان هر کس عداوة
پیدا شود جهت محبت اگر کسی نود طا بنویسد و با خود نگاهدارد از ظالم بدی بوی نرسد ایمن شود اگر کسی
نهصد طا بنویسد و در خانه دفن کند از شر شیطان ایمن گردد جهت الفت زوجین اگر کسی با نهصد طا بر پوست
پلنگ(?) پستان(?) شیر نویسد و بر بازوی راست بندد تمام وحوش و طیور مالوف او گردند جهت ... اگر
کسی بمشک و زعفران بر ران خود نویسد هر چند راه رود خسته نشود دفع کرم اگر کسی بر ظرف آبگینه
نویسد و بشوید و بخورد هر کرم که در شکم او باشد بیرون آید درد سر اگر کسی را درد سر باشد بر پیشانی
او نویسند شفا یابد دفع اعدا اگر کسی از ظالم ترسد هر صبح نهصد مرتبه و هر پسین نهصد و یک مرتبه بر آب
... ظالم دمد بزودی آن ظالم نیست و نابود گردد در بیان حرف عین شیخ ابو علی سینا فرموده که حرف
عین حار منسوب است و متعلق بقمر است در وقت طلوع یک درجه ده دقیقه از اسد بر لوح ارزیز(?)
نویسد و صندل بخور کند و با آتش دفن کند در محبت تاثیر عظیم کند جهت صرع اگر کسی را صرع باشد این
صورت ع بخون کبوتر بر برگ ترنج نویسد و بگلاب بشوید و بمصروع دهد شفا یابد محبت اگر کسی
هشتاد عین بر صدف نویسد یا نقش کند و در حین نقش کردن هر یک از عین یا عزیز بگوید و با خود نگاه
دارد در نظر خلایق عزیز گردد جهت ... اگر کسی ... در کاسه در آفتاب بنویسد و بشوید بگذارد
تا بشبنم(?) ... هر که از آن در چشم کند روشنی چشم او حاصل شود جهت چشم اگر کسی درد چشم داشته باشد
هشتاد عین بنویسد بر لوح از نقره و سفیده تخم مرغ بر بالای آن زند و بدست مالد و در چشم کند تا آخر شفا
یابد درد سر اگر کسی را درد سر باشد بهشت و یک عین بر پیشانی او نویسند شفا یابد تسخیر اکابر اگر کسی از درد...

آفتاب در شرف باشد یا مثلثه یا خطی از خطوط باشد بیست و یک غین بر خاتم از زر سرخ نقش کند و با خود نگاه دارد
عظیم قبول یابد در نفوس سلاطین و اکابر و جمله اکابر و خلایق مطیع او گردند در بیان حرف غ شیخ ابو علی فرموده که حرف
غین بارد و مجزوم است و متعلق بزهره است و در عداوه موثر است جهت عداوه در وقتی که درجه از دلو بیست غین در کاغذ
نویسد و باشنبه بخور کند و بخورد هر کسی دهد عداوه در میان ایشان پیدا شود جهت معامله حکیم گفته که اگر کسی ستة غین بر کاغذ
نویسد و بر وابش خوار غین در وقت کتابت هر غین یکبار یا غنی بگوید و با خود دارد رونق تجارت وی گردد
وار تجارت عز و بهره‌مند گردد باب السحر گفته‌اند که اگر در وقتیکه زحل در خانه خود یا در خطی از خطوط خود باشد و قوی
حال باشد و قمر در دلو یا میزان بود بیست غین بر پوست پیشانی خر نویسد و با خود نگاه دارد در مدة عمر سحر او کار
نکند در بیان حرف فا ابی و مروحت و متعلق بزهره است اگر در وقت طلوع یکدرجه و بیست دقیقه از حوت بیست
عقد الرجال بر شانه گوسفند نویسد و بنام بخور کند و در گور کهنه دفن کند مفید افتد جهت محبت اگر کسی ۳ فتیله سازند
و بهر یک هشتاد فا بنویسد بنام هر که خواهد در چراغدان نهاده بروغن زیت برافروزد آنکس یکدم بی او قرار نگیرد
ایضا اگر کسی بر سقف خانه نویسد خواب بشود دار ضرر دزد ایمن باشد جهت کشتی اگر کسی بنویسد و بر بادبان
کشتی آویزد بی شرطه آید و بسلامت بساحل رسد خواب بندی اگر کسی بیست هشت فا بخون خفاش بکانه کسی
نویسد او را شب خواب نگیرد جهت گشایش اگر کار بسته باشد خواه مردی خواه راه خواه بخت خواه کار و خواه نظر
هشتاد فا بنویسد و در هر حرف که نویسد یا فتاح بگوید و با خود نگاه دارد و بفرمان خدا همه بستگیها او گشاده
گردد جهت مراد محمد ابن محمد مغربی گفته که هر که هر صباح هشتاد یکمرتبه حرف فا بگوید همه مرادات او محصول شود فتح عجیب
اگر بر آن حرف فا فتاح بگوید بهمان عدد فتوحات غیبی او را کرامت شود در بیان حرف ق شیخ ابو علی گفته
که حرف ق تعلق بقمر دارد و علامه گفته که حرف ق دل سرد بر اشد جهت عداوه در وقت طلوع یکدرجه و چهل دقیقه
برج دلو بیست قاف بر کاغذ کبود نویسد و مرتبا د نویسد و بخور کند بنیت دل سرد میان هر کس اثر تمام
دارد پیاده را قائم اگر کسی ۳ قاف بر پای خود نویسد و در هر قافی که نویسد بگوید یا قوی هرگز پایش کوفته

تاکه نشود

تاکه نشود بشرط آنکه چون بشوید باز بنویسد جهت ضعف اگر کسی صد قاف بهمین صفت بر کاغذی بنویسد
و بر ضعیف بندد قوی شود
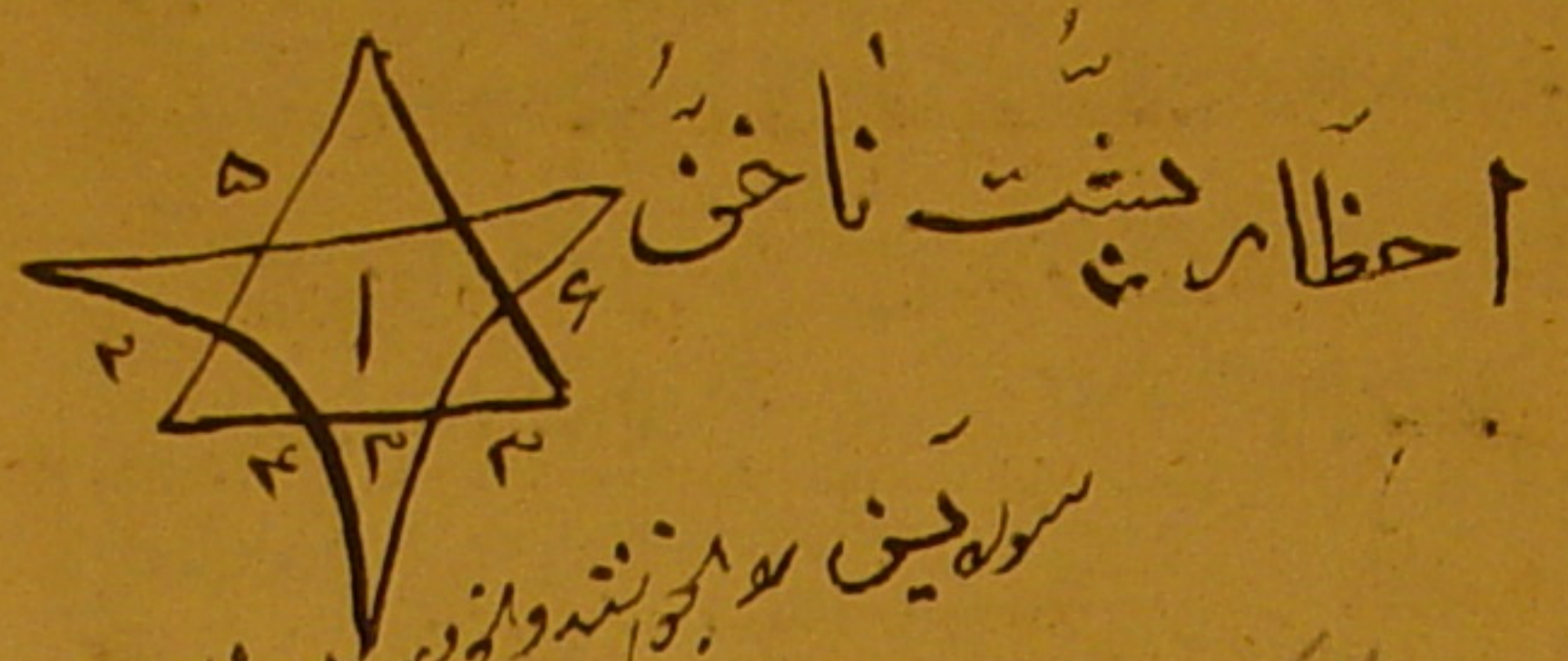
احضار هشت ناخن

سوره قیف ... بخوانند و بخود
بخور اندند یا سوره

اقسم یا الله علیکم یا الاقسام

بدانکه هر یکی از کواکب سبعه را طلسمی است و خواص و فواید بسیار دارد و از رساله برهانی [illegible] گردیده

اما بدانکه صاحب زحل فلک هفتم جهت تملیک و تمریض و تفریق است و جهت مفارقت گفته اند که در روز شنبه در اول

ساعت طلسم او را بسرکه و نیل بر جلد حمار بنویسد و در راه گذار مدعی عنید دفن کند یا در شب حمام انداز و مفارقت

دست دهد بجهت تمریض گفته اند که قدری موم سیاه بردارند صورتی سازند باسم آنکه خواهند و طلسم زحل را بر او نیز

نویسند و در میان صورت نهند و در لته حیض پیچیده در شیشه زجاجی اندازند و در تنور گرم آتش دان دفن کنند که مدتی مرض

گرفتار شود در اول ساعت روز شنبه این عمل باید کرد تا موثر شود مشتری که صاحب فلک ششم است و عمل برای سعادت و حصول

و اعتبار نزد قضات و علما و اشراف از روز پنجشنبه باید نویسند در ساعت اول روز بر ورق آهو بمشک و زعفران

و گلاب و در عمامه گذارند که مفید است و اگر سه روز متعاقب روزه دارند از روز سه شنبه تا روز چهارشنبه و در پنجشنبه که

از صوم بیرون آمده باشد در اول روز غسل کند و طلسم مشتری را بزعفران و مشک و گلاب و عرق بید در ورق آهو

بنویسد و نوشته را برداشته بمسجد جمعه رود و چهار رکعت نماز گذارد بیک سلام و در هر رکعت فاتحة الکتاب یکبار و آیة الکرسی

چهل مرتبه بخواند و نوشته را پیش سجده گاه گذاشته و بعد از فراغ از نماز طرف راست رو بر آن گذارد و حاجت

شرعیه خود را بخواهد هر حاجت که ممکن الوقوع باشد بمطلب برآورده شود و لیکن بخور بکار باید داشت هم

در وقت نوشتن و هم در وقت نماز در مسجد ایضا مریخ که صاحب فلک پنجم است و عمل بر طلسم او بجهت انتقام

بر اعدا است روز مریخ و ساعت مریخ و شرح این طلسم و عمل بر آن و قاعده موضع آن بنظر نرسیده و در نسخه منقول

عنه بود از آن جهت نوشته نشد اما کاتب میگوید که از قرار این چند الواح بر من معلوم شد این است که در قبرستان

رفته در میان هر قبر نشسته او بمشرق طلسم را سه مرتبه بنویسد یکی در قبر مقتول دفن کند و دیگر را در مکان

دشمن و دیگر را در شمع موم [illegible] گرفته و در گنداب حمام انداز و چون این عمل کند باندک زمانی دشمن مقهور گردد انشاء الله

شمس که صاحب فلک چهارم است خواص او این است که اگر خواهند کسی را در محبت بیقرار گردانند در روز یکشنبه

در اول ساعت از روز در برابر آفتاب بایستند در یک قدم [illegible] طلسم آفتاب را بآب [illegible] بر شکر قرص [illegible]

و سؤال باسم مطلوب جل جلاله یا اله الآلهة الرفیع
کرد و مطلوب بخواهد و همچنان در یکقدم استاده صد مرتبه بگوید
دستهای حجت وا باید نمود تهلیک اگر هلاک دشمن خواهد همین اسم که مذکور شد بر کاغذ باید نوشته باخود دارد
و چهل یکروز متعاقب برابر آفتاب استاده بر یکقدم چپ این اسم یا نور کل شی و هداه انت الذی فلق
الظلمات بنور صد مرتبه بخواند بنیت هلاک دشمن و بعضی گفته اند که همین اسم را در کاغذ زرد باید نوشت
و باخود دارد و هر روز برابر آفتاب رود و سلام کند و بدو مشغول شود طلسم آفتاب را در کاغذ زرد نویسند
اسمی که پیش خوانند و هر روز بعد از خواندن اسم کاغذ مذکور را در لفافه پیچیده پاکیزه پنهان کنند که آسمان بر او نتابد
و در روز دیگر بیرون آورد و در برابر آفتاب رود و او را بخواند تا چهل روز دیگر تمام شود زهره که صاحب
فلک سیوم است و خواص او اینست که اگر کسی را بسته باشند طلسم زهره را در روز جمعه در ساعت اول روز بمشک
زعفران و گلاب بر جام آینه نویسد و آنرا با عرق بید و حنا بشوید و در روز جمعه در هنگامیکه خطیب بر منبر باشد
بکسی بسته باشد بخوراند گشاده شود بامر الله تعالی المحبة اگر کسی خواهد که کسی مطیع و منقاد خود گرداند طلسم زهره را با
خون بر شکر قرص نویسد و بمطلوب بخوراند مطیع و منقاد او شود تجربه شده اگر در هنگامیکه خطیب خطبه میخواند در روز جمعه طلسم
زهره را بر ورق آهو بمشک و زعفران عرق بید نویسد و در لفافه سبز پیچیده باخود دارد مقناطیس القلوب باشد
عطارد که صاحب فلک دوم است طلسم عطارد را بنیت زبان بندی خصم با آب باران نویسد و آب را بشسته بخصم
بخوراند زبان او از بدگفتن بسته شود در حق عامل و اگر بدیر شود بخصم خوراندن طلسم مذکور در کوزه نهند و در زمین
نمناک دفن کنند همان خاصیت بخشد عقد الرجال و اگر خواهد که مردی را کسی ببندد طلسم عطارد را با آب کافور
نویسد و طلسم را باید که کافور در میان قفل نهند و قفل بنیت آن مطلب ببندد و در زمین نمناک دفن
کنند مفید افتد انتقام اگر کسی دشمن را خواهد برکسی واقع شود در ساعت اول روز چهارشنبه طلسم عطارد را باید که کوزه
در کوزه نهند و در زمین نمناک کنند انکسار ابتر و سرنگون و بعضی گفته اند که آب را در آن کوزه باید کرد که از آن کوزه
الشخص المقصود بالذات آب بنوشد که مراد حاصلست قمر که صاحب فلک اول است اگر در ساعت

اول

اول روز دوشنبه طلسم قمر را بنویسد بمشک و زعفران و گلاب و در مهر باد بیاویزد باعث برکت باشد و اگر نوشته
را باخود دارد عوام الناس مطیع او شوند و بجهت عقد اللسان نیز مفید است و قسم اشکال طلسم کواکب اینست که نموده
میشود قمر حروفه وع اب سلم اعم مده و مه به مد و لهـ ٤ بح مده
لا فوح مرسه سکا کاهکا کلو علی ابطاهمه مه به به به
عطارد سعلعلکهساصهط با الاموصه الحوبه مدو لا و وهربه
الافه معلسللعطوص معللسه اللعطوص حامل ک سعهی و با
ملک با مهی به امراکه زهره معماص حاکاکا مراهلکا
هجلعماهای هلاه کلکعامرکما ابی کما کما سعباحصاحی
دبامی امی هد حی حی شمس ککلا اطـ هو ال الع کلم سعبه لو
لولو باح به هو هو ی ی به اجعه و فه باه مباح ساطی
وح ط مریخ ما ٤ لا ٧ لا به طه مهه ط وهره هرمه وصه
ح ی ه کو ی لبه هرله کی هو هرامی حس مشتری کطع و ما ٤
٩ ١١ ٣ ک ٣ ٩ ١١١ ١١ ٧ ١١ ح ٥ ٣ ٤ ٤ هو ع و زحل
ط ١١١١ ١١ ٤ ٣ ١١ م ١١ و ال د ١١ الما ٤ ٨ فه کم کسعلهی لعاصا
کس سلی و با باد ا بلطا د ال بلحا اده داها الا ذکمه مبرده
فصل در بیان در اعمال حروف است بدانکه بعضی از استادان اقسام حروف کتبه هر قسم مقصود مقرر داشته
اند و تفصیل اقسام اینست ایضا تعیین در حروف نواطق اینست ب ت ث ج خ ذ ز ش
ض ظ غ ف ق ن ی و این حروف را ترکیب کرده اند بثت جخذ زشض ظغف قنی

صندل سفید و گلاب است زحل روز شنبه و شب چهارشنبه از اوست بخور آن عنبر است مشتری روز پنجشنبه و شب دوشنبه از
اوست بخور آن لبان عود کشنه معمول است مریخ روز سه شنبه و شب شنبه بخور آن صندل سرخ و کندر است در بیان
موکلان الواح و ایام بدانکه عدد الواح را چنین قرار داده اند که ۹ در ۹ را بقمر متعلق است در روز دوشنبه و دعوت
جبرئیل و ملک ابیض است و ۸ در ۸ را بعطارد قرار داده اند در روز چهارشنبه و دعوه میکائیل و ملک برقان
و ۷ در ۷ را بزهره قرار داده اند در روز جمعه و دعوه عنیائیل و ملک زوبعه و شش در شش را با فتاب قرار داده اند
در روز یکشنبه و دعوه روقیائیل و ملک مذهب و پنج در پنج را بمریخ قرار داده اند در روز سه شنبه و دعوه سمسمائیل
و ملک احمر و ۴ در ۴ را بمشتری قرار داده اند در روز پنجشنبه و دعوه اسرافیل و ملک شمهورش و ۳
در ۳ را بزحل قرار داده اند در روز شنبه و دعوه عزرائیل و ملک میمون در بیان قواعد عملهای ۳ در ۳
در ۳ پنج قاعده قرار داشته اند یکی طبیعی و یکی ناری و یکی هوائی و یکی مائی و یکی ترابی دستور اول هر قاعده
در عرض بهر نوع است که نموده میشود طبیعی ح ا د ناری و ا ح هوائی ب ط ه مائی د و ب ترابی ج ی و
در بیان آنکه هر وقت که اراده عمل داشته باشند مناسب آن عمل کنند چنانچه اگر اراده محبت خواهد ملک مذهب را
راقم دهد و چنین گوید که عزمت علیک یا مذهب ان تهیجوا روحانیة الساکنة فی
قلب فلان ابن فلان علی محبتی و مودتی بحق والطور و کتاب مسطور فی رق منشور
والبیت المعمور والسقف المرفوع ایضاً اگر شخص با حروف ناری امتزاج دهد در کار قوی نویسد و در
زیر نهان کند که مجرب است ایضاً اگر ابطال سحر خواهد عزیمت ملک ابیض بخواند که روحانیت قمر
است ایضاً اگر ابطال عدو خواهد عزیمت ملک احمر بخواند که روحانیت مریخ است ایضاً اگر دفع
الشرخواهد عزیمت ملک زوبعه خواند که روحانیت زهره است و قس علی هذا ایضاً صاحب
کتاب در باب لوح سه در سه نوشته است بعضی از آن مرقوم میشود اول آنچنین نموده که حروف ناری موافق
است بعلم و حروف هوائی موافق است بقوة و حروف مائی موافق است برزق و حروف خاکی موافق است

الموثر

بموت و بد عا را طبیعت و حروف اینست ابجد هوز ... حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ
ناری ا ه ط م ف ش ذ هوائی ب و ی ن ص ت ض مائی ج ز ک س ق ث ظ ترابی د ح ل ع ر خ غ
... دیگر بقاعده پنج بوده است که تراب دیگر ناری اتقدم داشته و بجهه هر مهم و آنچنانکه در طبایع
گفته شد عددهای صنیع را در خاتم مینهند فصل در بیان عمل حروفات تلنا کرده حروف است بدین نسق که
نموده میشود اینست ا ف ق ل ک ل م ن ه و ی اا و این مجلس حروف عدد منتخبه است و صاحب کتاب گفته است
ایضاً اگر کسی را خون از دماغ آید و بجز بار بایستد این چهار کلمه که مذکور میشود بخط خود بر پیشانی او نویسد خون
بار ایستد اینست شام هام کام سام در بیان بزرگان عمل فرموده اند که هر آینه دعائی که شخص میخواند
بعد ختم بخواند که فایده کلی بیند ایضاً در خواص کلمه ابجد استادان چنین گفته اند اگر کسی در حبس بوده باشد
در روز سه شنبه کلمه ابجد را بنوعی که نموده شده باسم محبوس نویسد و با و دهد که بخود نگاهدارد از حبس خلاص
شود و اگر همین شکل را باسم شخص محبوس نویسد و در آستانه محبس یا درون او دفن کند خلاص شود ان شاء الله
نوع دیگر در باب این کلمه گفته اند بجهه الفت میان شخصین در روز قمر و در
ساعت قمر بنویسد بدین نوع که نموده شده و طالب بخود دارد مراد حاصل است
ونقش الفت اینست
و ایضاً در ماده همین کلمه گفته اند بجهه اظهار سارق
بنوعی که نموده میشود در روز مریخ و در ساعت او بنویسد و در میان مصحف
گذارند و در پشت شکل ظهور سارق و متاع فلان ابن فلان بنویسد و سارق
بزودی برگردد و ظاهر شود بامر الله تعالی اینست
ایضاً در بیان آداب و قواعد و خواص کلمات منقوط ترک چنین بیان کرده اند
که تبث کلمه ثریا نادا حق است این کلمه را در روز زهره و ساعت او بنوعی
که مسطور شد بنویسد و در زیر نگین انگشتر نهد جذب قلوب کند و اگر نقش خاتم
کند اولی است دیگر تشخص کلمه یونانی است و این کلمه برای قطع خون دم که از هر عضو جاری شده مفید است

ایضاً ضعف کلمه ترکی است بمعنی او بکلام عربی باغذ است و این کلمه برای برکت در طعام مفید است که بخوانند
و بدمند یا بنویسند و در میان اجناس خوردنی نهند بجهت دولت بر لوح ارزیز نقش کنند در ساعت سعد
و با خود دارند باعث غنا خواهد بود ایضاً فنی و معنی این کلمه بزبان عربی کفیل است و این کلمه در
اصل عربی است این کلمه را در وقت طلوع شمس کمال باول درجه با آینه زجاجی نویسند و نظر در آن اندازد
تا چشم بد از آنکه چشم بکسی [illegible] کند در امان از آفت درد چشم محفوظ باشد ایضاً اگر کسی مجموع ح
روف منقوط را بنویسد در روز عطارد بساعت قمر و در سفینه با نام نهند و موکل حروفات را عزیمه کنند و بخور
در آتش کنند تا نام بسمع آید و اسرار درون خود را بگوید ایضاً گفته که این کلمات را نیز با حروف باید
نوشت ایضاً یا علیم یا متکلم یا الجا یا معجله یا مستجیر یا آدم یا به یا له یا لا به یا
جابه دمابه وهابه کلم کلم کلم بامر الله تعالی بیان در حروفات صامته و نور و ظلمت
و حرکت و سکون و موت و حیوة بدانکه استادان چنین گفته اند که اگر کلمه اول آنرا که احد است
در روز چهارشنبه در جلد نویسد بجز غراب و با خود دارد و اگر کسی در دشمنی و خصومت با او در مقام قتل
برآمده باشد بدوستی مبدل شود و از هر جهت در چشم مردم عزیز و مکرم گردد ایضاً کلمه دیگرش شی
که در سعد باشد این کلمه عراقی است و معنی آن بعربی قیوم است اگر کسی در ساعت سعد نوشته
با خود دارد از چشم زخم محفوظ باشد ایضاً کلمه دیگرش طعکل است بمعنی قل وسع است اگر
کسی بنویسد در ساعت خوب مناسب و در دست خود نگاه دارد و بمقابل کسی رود که از او حاجتی
داشته باشد روا شود ایضاً کلمه دیگرش موهلل است و بزبان قبطی است و معنی آن بعربی
مقتدر است و در پوست قطاس سیاه بمداد اخضر کسی نویسد و در میان اقمشه و امتعه نهد از شر
موش محفوظ باشد ایضاً اگر کسی حروف النور را در ساعت سعد بر طلا نقش کند چنین آن لوح را در گردن
کسی آویزد که صاحب امراض مزمنه باشد بامر الله تعالی شفا یابد ایضاً اگر کسی در آینه هندی نقش کند

چنین

چنین صاحب لقوه یکهفته متصل در آن آینه نظر کند لقوه اش برطرف شود حروف اینست ح ح
خ ل ل م م بجهت چشم حروف ظلمت اگر کسی این حروف را با آب جگر بلا نویسد در ظرف و با شربت انار با
شامد روشنی بصر بیفزاید حروف اینست ص ص ض ض ع ع ن ن ایضاً حروف الحرکة و این حروف
سردتر و گرم تر است و در طبیعت متفق بکار یکدیگر اگر کسی این حروفات را نوشته بر ران خود بندد در راه رفتن مانده
نشود حروف اینست ق ق ذ ذ ث ث بیان حروف السکون این حروف هم در
طبیعت متفق اند اگر کسی این حروفات را بر لوح نقره نقش کند در روز پنجشنبه و با خود دارد جهت وسعت رزق خوب
است حروف اینست ی ی ص ص ج ج ح فروشی اگر کسی در اول این حروف الفی زیاد کند
و بنویسد و در دکان خود در میان اجناس گذارد در زود فروش رود در بیان حروف الحیوة و حروف
الموت خواص این حروف بیان خواهد شد در جای خود ان شاء الله ایضاً حروف الحیوة والممات حروف
حیوة د د ح ح ح حروف الموة ا ا د د ت ت فصل چهل سیم در خواص ترکیب بعضی از
حروفات که با هم نویسند صاحب گنج حروف صلی اگر کسی این حروف را بر انگشت های راست خود نویسد در ساعت
مشتری بطالع برجی که خانه مشتری است و اگر صاحب طالع در خانه باشد بهتر آنکس از راه رفتن مانده نشود حروف
اینست یه لو کمریک بجهت زکام اگر کسی نقطه از این حروف کم کند بر کاغذی نویسد و انگاه دود آن بر کسی اندازد
که او را زکام یا فواق باشد به شود بامر الله تعالی و آن حروف این است نویسند به تمام شد مجملی از خواص و تراکیب و
نتایج حروفات والله اعلم بالصواب در قسمت حروفات بمنازل قمر اینست که نموده می شود

شرطین (ا) بطین (ب) ثریا (ج) دبران (د) هقعه (ه) هنعه (و) ذراع (ز) نثره (ح) طرفه (ط) جبهه (ی)
زبره (ک) صرفه (ل) عوا (م) سماک (ن) غفر (س) زبانا (ع) اکلیل (ف) قلب (ص) شوله (ق) نعایم (ر) بلده (ش)
ذابح (ت) بلع (ث) سعود (خ) اخبیه (ذ) مقدم (ض) ماخر (ظ) رشا (غ) پس چنین این حروف الثه

شد هرگاه که خواهند متوجه عمل شوند جهت محبت یا غیره آن اگر طالع شخص مدعا علیه معلوم باشد
و درجه طالع العشق معلوم باشد باید دید که بکدام از این منازل تعلق دارد و کدام حرف با و متعلق می‌شود
طالع شخص شود به دوازده درجه اصل طالع العشق در آن هست و حرف که با و متعلق است حرف دال است
دقس علی هذا ایضاً اگر طالع و درجه طالع معلوم نباشد بقواعد مختلف قرار داده اند که چه باید کرد اما
آنچه اندک صحیح‌تر یاد هست اینست که اسم الشخص با نام والده آن حرف بحساب جمل وسیط جمع کنند
و بعد از آن دوازده دوازده طرح کنند آنچه باقی ماند اگر یک است حمل است و اگر دوازده ماند است حوت
چون طالع شخص شد درجه طالع با چنان بدانند که نام شخص را با نام والده بحساب جمل وسیط
جمع کنند و سی سی طرح کنند آنچه باقی ماند آن درجه‌ها بر همان عدد نهاد الکون درجه طالع هم معلوم شد در روی
زایچه صحیح چنانچه حاجت باستخراج ندارد در بیان عمل محبت نسبت با شخص میکنیم که نام او حسین است
و طالع العشق ثور است و دوازده درجه معلوم ملاحظه کردیم هنگامیکه قمر منزل دبران رسید که عین درجه طالع حسین
بود از اول اسم حسین با حرف دال درجه‌ای وقت بر کاغذ سفید پاکیزه زعفران و گلاب نقش ساختیم چون
از برای محبت بجه گذاشتیم تا قمر به پنجم المنزل رسید در درجه اصل طالع بود حرف المنزل را با آن حرف ضم
کردیم و گذاشتیم وقتیکه قمر به پنجم همان منزل رسید آن حرف دیگر نوشتیم و با اسم ضم کردیم و ملاحظه
کردیم که حروف مذکوره به چه طبیعت غالب است حمل را بر آن طبیعت قرار دادیم گفتیم که در این عمل
مطلوب حسین و طالب مجاهد است اینجا طالع مطلوب منظور است و حمل طالع او هست و مطلوب طالب
انگاشته طالب مطلوب داشتیم فافهم که این نکته بسیار باریک است و عزیز دار که زیاده از این در این باب
افشا جایز نیست بالهای دستور العمل در حرکه طالع شخص شد برج دوم کبر و همچنین تا دوازده برج پس
آنچه نسبت با شخص خواهند از حروف آن برج مقصود است عمل باید کرد و شد آنکه برکت و جمعیت کسب منظور است

وطالع

وطالع ثور است و دوم آن جوزا است که تعلق بکسر دارد و هر گاه بجوزا متعلق است با حرف اسم
استخراج کرده باید داد که عمل کنند تسخیر قاعده دیگر آن است که مثلاً تسخیر شخصی اراده است باید دید
که حرف اول آن شخص چیست که گذارند تا آنکه قمر بمنزل آخر آن حرف رسد پس هنگام قمر بمنزل
حرف مذکور بعد از جدول کشیده ورق پاکیزه کتابت باید کرد که نگاه دارند تا وقتیکه قمر
دیگر باره حلول کند بمنزلی که حرف دوم اسم آن شخص متعلق است پس هنگام حلول قمر آن منزل
آن حرف را هم بحساب کبیر با حرف اول ضم کند و همچنین تا تمام حروف اسم شخص بوقت خود کتابت
کرده شود چون کتابت تمام شد از آن حروف اسم اسماء الهی مناسب حال پیدا باید کرد که بعدد
خودش بخواند و در همان دوره قمر که بهمان منزل رسیده باشد بخور بسوزاند و عدد مجموع حروف
را به بعد وفق نهاده به طبیعتی که بر او غالب باشد نقش آورند که نظیر ندارد تسخیر اگر اسم شخص
که اراده تسخیر او هست حسین است و عدد اسم حسین در جمل صغیر اینست ح س ی ن دا
۸ ۶ ۱ ۵
الهی بهمین عدد قرار باید داد و حرف به عنوان اینست حمید حکیم حبیب حلیم حامد
حفیظ حی حافظ سید سند سمیع سریع سلام سامع نور نون نا
فع ناصح نصیر ناصر و کلامش بدین طریق باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک بجاه حلمک یا حمید یا حکیم یا حبیب یا حلیم یا حامد یا حفیظ
یا حی یا حافظ ان تسخر لی قلب حسین ابن فلان بحق اسمائک و اسئلک
بسیف سلطنتک یا سید یا سند یا سمیع یا سریع یا سلام یا سامع ان
تسخر لی حسین ابن فلان بحق اسمائک و اسئلک بمائه قیومیتک یا نور
ان تسخر لی حسین فلان ابن فلان بحق اسمائک و اسئلک بنور نورک

یا نور یا نافع یا ناجم یا ناصر یا نصیر ان تسخر لی حین ابن فلان بحق اسمائك

یا مسخر و این کلام را بعد از اسم شخص باید خواند تا چهار روز زیرا که اسم شخص چهار حرف است
و بعد از هر فریضه باید خواند و بخور لایق باید سوخت و عدد اسما را در مربع دفق باید کذاشت
و با خود دارند که باندک زمانی ان شخص مطلوب مسخر شود و لیکن از نفایس اعمال و از تجارب
افعال است و این را استادان نفایس اعمال کویند والله اعلم بالصواب در بیان خطوط کوکب استادان
حکمت سر این علم را پنهان داشتند و شیخ ابو علی سینا میکوید که من این را فاش کردم تا هر که
این عمل را باید بمقصود رسد ایضا حکما از برای هر یک از کواکب سبعه سیاره خطی تعیین کرده
اند تا عمل کننده حروف رقم عمل را بنویسد و آن ذکر کرده شد تا عمل کننده حرف بمقصود رسد

خط زحل در محبت ▷ و در بغض ∧ مشتری در محبت △ و در بغض ▽ شمس
در محبت △ و در بغض ▽ مریخ در محبت ✕ و در بغض + عطارد زهره در
محبت ▽ و در بغض ▽ قمر در محبت △ و در بغض ▽ باید این خطوط کواکب در محبت
بسر کار بکشد تا کج نیاید و استادان عمل کفته اند که در عمل بغض بسرکه و نیل بنویسد و عمل محبت بزعفران
بنویسد و عمل بشنکرف بنویسد و عمل بشنکرف و کلاب بنویسد و عمل بغض و عداوه
را بمداد و در زعفران و کلاب بنویسد و عمل بغض
و عمل محبت و اتصال را بزعفران و کلاب بنویسد و عمل را
و عداوه و تخریب ملک و بنیوت را با سیاهی بنویسد و دیکر عامل باید بداند که در حب هرچه بنویسد
هیبت و آخر قوت بنویسد و جهد کند که نام مطلوب و نام مادر او را و نام طالب و نام مادر او و نام صاحب
خورشان باشد تا تاثیر قوی کند و اکر مطلوب یکی از کواکب سبعه منسوب باشد خط ان کواکب که مذکوره
آن رعایت کنند تا که تاثیر او بظهور رسد محبت اکر خواهی که عمل دوستی طالب غالب سازی و مطلوب را مغلوب

ونام

ونام آن کوکب که منسوب است ترکیب سازی و این بخورات که کفته شد در آتش نهی و ترکیب کنی
در عمل دوستی کردن جامه سفید یا سبز بپوشی و بنشینی خندان عداوة در عمل دشمنی کردن جامه سیاه
یا سرخ یا کبود بپوشی و غضبناک بنشینی تا مراد حاصل آید ایضا اکر خواهی که ترکیب سازی ادای ترکیب
بدین نوع است بیان در عمل حب اول محمود را که طالب است غالب و فاطمه را که مطلوب است مغلوب سازی
ترکیب که نام شخص را از اعداد ترکیب که نام شخص معرب و معجم شد که اعراب و نقطه مانده شد
اکر تواند که ورد سازی و بخواند خوب است و اکر نتواند خواندن بمشک و زعفران و کلاب فتیله
سازی و در چراغ اعداد ان نو بنهی و روغن کنجد پر سازی و روی چراغ را بطرف خانه مطلوب کنی و در
عمل سوختن سخن نکوئی و لی خاطر خود را جمع داری که مطلوب از خانه در آید و اکر خود را باز نمائی
بهتر باشد و در حقیقت عمل تحبیب همین است عداوة در عمل بغض که خواهی میان دو کس دشمنی ظاهر
سازی بهر حروف اول نام انکس را و حروف زحل معرب و معجم سازد و در وقت نوشتن سیاه یا کبود
یا سرخ در پوشی بر مثال جلادان غضبناک بنشینی اما بخور مریخ بسوزان تا مقصود حاصل
شود و بعد از اتمام آن را در آتش دفن کن یا در باد دهی یا در زمین انکه این تعویذ را در خانه فاطمه
کن که دشمن شخص بمجود و باید که در این اعمال اجازه استاد داشته باشد و الا باز کشت بجد کس خواهد
کرد و لیکن در کار و برکشتن در احوال او بهر سد زینهار بدون اجازه پیرامون این عمل نکردد

باب دیکر انکه در خواص الواح که در هنکام عمل باید کاتب بداند که شرایط واجب در عمل الواح ان است
که مجموع این اعمال بی سوختن بخور فایده ندارد و عزیمت که اکثر علما و مشایخ قرائت کرده اند عزیمه بر اهل تیت
در الفاظ این عزیمه در هر نسخه مختلف و تفاوت بسیاری هست و اعتبار این عزیمه بنوعی که صحیح بهم باشد
و اعتبار داشته باشد چنان است که حضرت قدوة المشایخ محیی الدین اعرابی در کتاب عجایب بیان

قربوه ندرات ببیسته کلمه ب موافق حروف ابجد اکه بوف اسمه بحرابمه آپ بسم الله الرحمن الرحيم
بن هيثهٍ كرنيٍ تتليثهٍ طوراقٍ زجلٍ بن جلٍ ترقبٍ بن هشٍ قيشٍ خطيبٍ ::
قطيهوٍ بن شانتهٍ نموشيلخٍ بن صنولاءٍ لشطخٍ فرفرٍ مزمزٍ ابعجٍ لنسطٍ فيرانٍ
عياهاءٍ كيدهولاءٍ شميساءٍ كفيثاءٍ طوليثاءٍ سيراثاءٍ طفيثاءٍ شمخاهصٍ :
سبحان الواحد الاحد سبحان الفرد الصمد سبحان لم من يتخذ صاحبة
ولا ولدا سبحان الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد اجیبونی و
اطيعوني يا معاشر الارواح الكرام بحق هذه الاسماء العظام وبحق هذه
العهد الماخوذ عليكم الانقياد فيما امرتكم به بعزة العزيز في عز عزة اوفوا بعهد الله
اذا عاهدتم ولا تنقضوا الايمان بعد تاكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلا اجيبوا
واطيعوني يا معشر الارواح بارك الله فيكم و عليكم ونیز که تمام السلاان در لوح مثلث
بکار میدارند اینست اقسمت علیکم ایتها الارواح الطاهرة بسر هذه الاسماء المکتوبة
على هذه الاسماء المكتوبة على هذا اللوح الشريف يا جبرائيل يا ميكائيل
يا اسرافيل يا عزرائيل يا شمكائيل يا شرطائيل يا نوائيل يا صيططرون اجيبوا
يا مذهب و يا ابيض و يا احمر و يا برقان المتوج و يا شمهورش و يا ذو بعة و يا
صاحب الترمن الاربعة و يا ميمون ابا نوح اجيبوا داعي الله فليس بمعجز في الا
رض اقسمت عليكم يا ملائكة الله الكرام و اسماء العظام و بسورة الانعام
وبتكالف الغمام اجيبوا ايتها الخدام في الليالي والايام بحق كما انزلناه تا آخر
آیه پنجم که تنقاق هست چنانچه مذکور شد بخواند الانقیاد فیما امرتکم یا خدام هذه الا

سماء

سماء المطيعون بها ان تفعلوا كذا و كذا بحق العزيز المعتز في عز عزة عزيز
فاوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الايمان بعد توكيدها فقد جعلتم
الله عليكم كفيلا بحق الايات العزيز بسورة النمل قال عفريت من الجن انا آتيك
به قبل ان تقوم من مقامك واني عليه لقوي امين قال الذي عنده علم
من الكتاب انا آتيك به قبل ان يرتد اليك طرفك فلما راه مستقرا
عنده قال هذا من فضل ربي ليبلوني ءاشكر ام اكفر ومن شكر فانما
يشكر لنفسه ومن كفر فان ربي غني كريم واذ قال ابراهيم رب ارني كيف
تحيي الموتى قال اولم تؤمن قال بلى ولكن ليطمئن قلبي قال فخذ اربعة
من الطير فصرهن اليك ثم اجعل على كل جبل منهن جزءا ثم ادعهن ياتينك
سعيا واعلم ان الله عزيز حكيم دربیان عزیمه که در هنگام جمیع الواح از لوح مثلث تا لوح صد
درصد و لوح هزار در هزار بقول جمیع عاملان کار باید بخواند اینست بسم الله الرحمن الرحيم
اقسمت عليكم ايتها الملائكة الطيبة المباركة المائية والناريه والهوائية و
الارضية والعلوية والسفلية فمن يطلع منكم يسترق السمع من الارض
الى السماء ومن يوافق الكواكب في الامور الحقيقة والمختلفة ومن يسير بسير النجوم
والكواكب ومن يستضيء بنور الشمس والقمر ومن هو مخلوق تحت الارض ومن
يطير مع الطير الهواء ومن من ياوي في السحاب والبراري والصحاري والقفار و
الطرق والجبال والاجام والمغارات والسهل والوعر والاماكن والمواضع المظلمة و
المضيئة وعلى من خلقه الله تعالى من نار السموم وعلى من هو سامع مطيع لاسماء

الله تعالی و بکلمات التامة والبعث والنشور و بالملائکة الذین لا یاکلون و
لا یشربون طعامه التسبیح و شرابهم التقدیس باهیا شراهیا ادونای اصباوث
ال شدای اقسمت علیکم بالحی القیوم خالق الارض والسماء الذی قال للسموات و
ائتیا طوعا او کرها اتینا طائعین اقسمت علیکم بمیکائیل و اسرافیل و جبرائیل و عزرائیل و
بالملائکة اجمعین الا ما اجبتم و حضرتم الی مجلسی هذا و جعلتم من سمیت لکم و لکم لی
عونا علی قضاء حاجتی فی اسرع وقت و ابلغ ساعة فان فعلتم ذلک فلکم الکرامة
والسلامة و ابیتم فعلیکم غضب من الله تعالی و ملائکته و رسله یرسل علیکما
شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران العجل ۳ الساعة ۳ الوحا ۳ نوع دیگر بعضی دیگر از
استادان در آیه بجگانه کهیعص و حمعسق که عمل سکنندر بمنش و این قسم میخوانند اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بکاف کرمک و بجاء حلمک ان تکوم و تحکم بین فلان
ابن فلان و بی بی فلان هر اراده که داشته باشد بگوید مثل انکه اللهم بکاف کرمک و بجاء حلمک
ان تکوم علی او علی فلان ابن فلان بحق ک کما انزلناه من السماء فاختلط به نبات
الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح اللهم بهاء هویتک بمیم مجدک ان تقضی حاجتی
بحق هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم اللهم انی ا
سئلک بیاء یمینک و عین علوک ان تقضی حاجتی بحق ی یوم الازفة اذ القلوب
لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع اللهم بعین عظمتک و بسین
سرک ان تقضی حاجتی بحق ع عملک نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس و اللیل
اذا عسعس والصبح اذا تنفس س اللهم بصاد صمد انیتک و بقاف قدرتک ان

تقضی

تقضی حاجتی بحق ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة و شقاق ایضا بدانکه حروف
قسعه و احاد از حروف کهیعص و حمعسق استخراج میشود بدین تفصیل است ک ه ی ع
ص ح م ع س ق و آنها که از افتتاح و اختتام آن اسماء کهیعص و حمعسق
ظاهر میشود نوع دیگر اکثر علما و عاملان لوح ۳ در ۳ این قسم العزیمه دانسته اند و در هر روز و هر شب
در تسخیر و مدعائی داشته اند باین قسم العزیمه ملائکه علوی و روحانیه سفلی ان روز یا ان شب قسم داده اند
و بمقصود رسیده اند و تفصیل ملائکه روحانیات هر روز و هر شب با اسامی کواکب متعلقه آن اینست
و این تفصیل در جمیع قواعد تخلف ندارد دیگر بعضی از اسماء ملائکه و روحانی و موکلان علوی و سفلی
یوم شنبه و شب چهارشنبه بزحل تعلق دارد ملک علوی کسفائیل روحانیه سفلی ابوالنوح ملک
میمون یوم یکشنبه و شب پنجشنبه ملک علوی روقیائیل روحانیه سفلی ابو عبد الله ملک مذهب
و بشمس تعلق دارد یوم دوشنبه و شب جمعه بقمر متعلق است ملک علوی جبرائیل روحانیه سفلی ابوالنور
ملک ابیض یوم سه شنبه و شب شنبه بمریخ متعلق است ملک علوی سمسائیل و روحانیه سفلی ابوالعجائب
ملک یرقان یوم چهارشنبه و شب یکشنبه بمشتری متعلق است ملک علوی اسرافیل روحانیه سفلی ابوالولید
ملک شمهورش یوم جمعه شب سه شنبه بزهره متعلق است ملک علوی عنیائیل روحانیه سفلی
ابولیس ملک زوبعه پس در هر شب یا در هر روز که عامل عمل در لوح ۳ در ۳ عزیمه بملک و رو
حانیه آن روز یا آن شب باید بخش کرد یوم چهارشنبه و شب یکشنبه بعطارد متعلق است

سیاه

عظام الأرواح فى البضة

بالله عليكم يا اقسام الجلال فتوعزروه فتجلوه فله الاعظام

ه وآياته يدرك ولايدرك أحضروه بالله عليكم

ايها الروحانيون أحضروه — بايد بخوانند و بخور بسوزانند

ایضا در قواعد بخورات در بیان ساختن اجزاء و عمل مفردات از بخورات عمل محبت و دخنه آن اجزا بگیرند نیم
درم افیون و دو درم برگ زیتون و نیم درم تخم بونجه و اقند درم اوشق و سه درم کندر و دو درم جو و نیم درم سنبل
و نیم درم جوره صباغان باهم آمیخته و کوفته و بیخته دخنه کند در ساعت مشتری که آن شخص در محبت بیقرار گردد
و اگر از برای غم کسی این عمل کنند شاد شود بخور دیگر از جهت محبت بگیرد برگ ترنج و جو و سنبل و نوشادر و بید
و جوره صباغان مساوی یکدیگر دخنه کند بنام آنکه خواهد که در محبت بیقرار گردد ایضا از جهت محبت بگیرد عود
یکدرم و سیاه دانه یکدرم و بید انجیر سه درم و صندل نیم درم باهم آمیخته دخنه کند بساعت عطارد در یوم پنجشنبه
بیقرار گردد بخور دیگر از جهت آوردن غایب از مقام دور بگیرد ریوند نیم درم و خشخاش مع پوست آن ٣ درم
و تخم تره بوستانی نیم درم فلفل یکدرم شکر پنجدرم جلبه دخنه کند در ساعت قمر در روز چهارشنبه و نام غایب ببرد که
بیقرار شود و بیاید بخور ایضا بجهت آوردن غایب از سفر بگیرد کندر ٣ درم اشق ٣ درم جو پنجدرم دخنه کند بساعت
قمر روز شنبه که غایب زود برسد بخور عداوة بجهت دشمن بگیرد نمک سرخ و قلیا ٣ درم جو پنجدرم دخنه کند بساعت

قمر

قمر روز شنبه که زود برسد بخور عداوة از جهت دشمن بگیرد نمک سرخ و قلیا ٣ درم و پیاز ٣ درم و خردل ٣ درم
دخنه کند بساعت زحل بنام هرکه خواهد بخور عداوة بجهت دشمن بگیرد پوست گردکان و پیاز و نمک سفید و قلیا
مساوی دخنه کند در ساعت مریخ بنام هرکه باشد میان ایشان تفرقه افتد ایضا بجهت دشمن مغز زردآلو و مغز
بادام تلخ از هریک یکدانه و حصه انگور نیم دانگ دخنه کند در ساعت مریخ که تفرقه حاصل شود بزودی زود
بجهت تفریق بگیرد بول او یا وگل کند و صورت بسازد و آن صورت را در پارچه کرباس آب ندیده بپیچ و هفت مرتبه
این دعا را بر آن صورت بخواند و در قبرستان یهودان دفن کند که تا زنده است در میان ایشان جدائی باشد
بجهت عقیمه اگر کسی را فرزند نشود و اگر بشود نماند این دعا را در طبق چینی بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بگلاب
بشوید و بخورد فرزند شایسته و طویل العمر روزی شود بجهت عقد الرجال اگر کسی را ببندی که هیچکار نتواند کرد این
دعا و ببندد از جمعه هفت مرتبه بخواند و در هر مرتبه که میخواند یکگره بزند و بگوید بستم فلان ابن فلان را و بدیوار
رو بقبله بیاویزد آنکس بسته گردد بجهت محبت اگر طالب کسی را از عشق خود بیقرار و آرام گرداند چنانچه اگر لحظه او را
نه بیند دیوانه شود بیاورد چهار هفت دانه گردکان و بشکند و این دعا را بر هر یک از آن مغزها یکبار بخواند که چهل
هفت مرتبه خوانده شود بعد از آن دو رکعت نماز محبت گزارد و در هر رکعت فاتحه یکبار و این آیه را یکبار بخواند
آیه اینست انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا على واتونى مسلمين واما
بعد از آن این دعا را بر ظرف چینی بنویسد و بگلاب بشوید و آن مغزها را روغن سازد و آب دعا را داخل
کند و با قدری آب و انگبین حلوا سازد چون مطلوب آن بخورد دیگر او را آرام نباشد و شیدای او
گردد و هفت شاخ دو سر در دل او پیدا شود عقد النوم اگر خواهی خواب کسی را ببندی که هیچ او را خواب نباشد
بنویسد این دعا را بسبب عقد النوم فلان ابن فلان و در بازو خود ببندی دیگر او را هیچ خواب نباشد
بدانکه شرح و خواص این دعا بسیار است ولی مختصر معلوم کردیم اینست بسم الله الرحمن الرحيم ما من نجم الجن

بکلماته واطفالنار علی ابراهیم بقدرته وذللت الجبابرة بعزته وبرق النور علی
جبل فدککت من خشیته وعنت الوجوه للحی القیوم بعظمته وقدر الفلک
وسیر الشمس بقدرته اسئلک اللهم یا رب العالمین سبحان من رایه دائم وملکه
منیع وصنعه بدیع وامره غالب وسلطانه قاهر فسیکفیکهم الله وهو السمیع
العلیم احفظ حامل کتاب فلان ابن فلان یا واحد القهار تحصنت بذی الملک والملکوت
واعتصمت بذی العزة والعظمة والجبروت وتوکلت علی الحی الذی لا ینام ولا یموت
ابدا وصلی الله علی محمد واله اجمعین وبحرمة هذا الکلام وبحرمة سلیمان ابن داود
علیه السلام واصف ابن برخیا والله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین در بیان فواید
در عزیمت احضار وگیرا شدن دم اگر عمل کردم توگیرا شود روز پنجشنبه بجای خلوت برود وکار فرو له دی کاغذ
گیرد این دعا را پانصد مرتبه بخواند احضار بهمه احضار بخوان بنام اربعه بر فلفل ودر آتش انداز دکه حاضر بشود
در هنگام هر عملی که خواهند زود تاثیر واجابت شود این عزیمه را بخواند وطلب استمداد کنند وبار طلبید که بعون
الله تعالی باجابت مقرون است واین دعا را عزیمه الاعظم نامند وقسم الاعظم هم گویند بغایت عظیم است
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله ومن الله والی الله ومن رسول الله توکلت
علی الله وهو حسبه ان الله یحب القائمین ویحب المتوکلین وتوکلت علی الملک الحی الذی
لا یموت قد عزمت علیکم یا جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ومهرائیل
ودردائیل وشمخائیل ودرقائیل وهاروت وماروت وبحق اسمائک المکتوبات
علی جبهة جبرئیل وبحق اسمائک المکتوبات علی جبهة میکائیل وبحق اسمائک المکتوبات
علی جبهة اسرافیل وبحق اسمائک المکتوبات علی جبهة عزرائیل وبحق اسمائک المکتوبات

علی

علی جبهة مهرائیل وبحق اسمائک المکتوبات علی جبهة دردائیل وبحق اسمائک
المکتوبات علی جبهة شمخائیل وبحق اسمائک المکتوبات علی جبهة درقائیل وبحق اسمائک
المکتوبات علی جبهة هاروت وماروت وبحق اسمائک المکتوبات علی جبهة کل
مسبح ومستمع وبحق ادم ابو البشر وشیث وهابیل وادریس ودانیال وخضر
ونوح وابراهیم واسماعیل واسحق ویعقوب ویوسف ویونس وموسی وهارون
وداود وبحق انجیل عیسی وبحق توراة موسی وبحق زبور داود وبحق
فرقان محمد صلعم اجیبونی واطیعونی واحضروا لی فی طرفة العین یا قرنا سلک مع ابنا
علک واشجاعک واشیاعک وجودک وخیلک بحق هذه الاسماء علیک فتحنا
ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر اجیبوا
واحضروا لی فی طرفة العین بامرک بارک الله فیکم العجل العجل العجل الوحا الوحا
الساعه الساعه اهیا شراهیا ادونی اصباوت وبحق اسمائک المبارکة
وبحق نقش خاتم سلیمان ابن داود علیه السلام در بیان عزیمت میمون زنگی اگر خواهی
مطلوب را قلاده کند چنین سگ در قفا بیاید بیاور سفال آب ندیده داین عزیمه را با اسم مطلوب بر او بنویسد
ودر تنور تافته انداز د وبیقرار گردد واگر تو را ملاقات نکند مصروع شود احضار اگر خواهی که غایب را
از راه دور بیاوری از موم صورت بر نام انکه خواهی اگر مونث بصورت مونث واگر مذکر بصورت
مذکر وباید که همه اندامهای وی را قرار دهد تحت مقعد وخصیتین او را هم ساخته باشد واین عزیمت را با مشک وزعفران
بر کاغذ بنویسد ودر شکم صورت نهد انگاه در محل خلوت رود وان صورت را سرنگون در چوب انار بیاویزد
درون صورت را بمحبت مطلوب نامه وعزیمت یکم تربه این عزیمه را بخواند واز رد اوملک وساوج وسندروس دود

و سید الاشرف یا باطش یا حکیم یا حارس اهلک بالحق الناطق الانور و الشخص
الاطهر اجب دعائی و اقض حاجتی بحق قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و
لم یکن له کفوا احد زهره یا زکی یا هادی یا رقیب یا هو و قضی بینهم بالحق و قیل الحمد
لله رب العالمین یا عزیز یا الله یا قادر یا رباه علیک التحیة و السلام ایها السیدة
الشریفة العالیة الفاضلة العاقلة ناهید الکریمة استجب دعائی بحق محمد صلی الله
علیه و آله عطارد یا صاحب النون و القلم یا عظیم یا طاهر یا اول یا رحیم یا دائم و الهکم
الله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم یا واسع یا محیط یا حی یا قدیر یا ودود علیک
سلام الله ایها السید الکبیر الفاضل اجب دعائی و اجلب الی فلان ابن فلان بحق
من له الامر و الحکم علیک یا قوی یا ملیک قمر یا رحیم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده و
علی الله فلیتوکل المؤمنون در بیان حروف کواکب بدانکه هر کوکبی را چهار حرف هست هر حرفی مفتاح
اسمی از اسماء الهی است هرگاه در ساعت یکی از کواکب سبعه بشرط خوشحالی آن کوکب اسمایی که متعلق
با وست ذکر کند بعد دعا باعث نتیجه‌های نیکو است بجهة هر مطلب اسماء کوکبی را ذکر باید کرد که سبب آن
مطلب باشد چنانچه بجهة تزاید علم مشتری را ذکر باید کرد و بجهة سرور و انصاف دوستان اسماء زهره ایضا
بجهة برکت زراعت و امثال آن اسماء زحل ایضا بجهة موسیقی و طبع و نظم و نقاشی اسماء عطارد
ایضا بجهة تردد و اسپ و سفر طریق اسماء قمر ایضا و بجهة غلبه و انتقام از خصم اسماء مریخ و شرط فی
آنست که وقت طلوع آفتاب سرخ باشد که فانه کوکب غیور راجع و منحوس نباشد بلکه در مثلثه
یا شرف یا حظ خود باشد اسماء متعلقه را بعد دعا ذکر باید کرد فرضا کسی اراده دعا کند که
بر شخص آورد که تعلق بکوکب شمس دارد در روز یکشنبه پس ذکر بعد دعا اسماء باید خواند هنگامی

که آفتاب

که آفتاب در برج شرف باشد در ساعت شمس باید خواند و بخوری که تعلق بشمس دارد باید سوخت الیت
اهلک بالحق الناطق الانور و الشخص الاظهر الکواکب الاطهر السید الاشرف
یا شافی یا مهیمن یا سلام سبحانه اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون یا باطش یا
حکیم یا حادث سلام علیک و رحمة الله و برکاته ایها النیر الاعظم و السیار الاشرف
ابلغنی بنورک و قونی بقوتک و اجلب الی المال بحق من له الامر و الحکم علیک الشمس
تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم فصل دیگر در طالع ولادت چون طالع ولادت
معلوم باشد و الا صفت او منظور باشد و نام او و مادر او جمع باید کرد و دوازده دوازده طرح باید کرد هر
برجی که منتهی شود صاحب آن برج را دعوت کند در وقتیکه آن کوکب خوشحال باشد و منحوس نباشد
فرضا مدعی الیه عمر نام است و مادرش زبیده و عدد هر دو ۳۴۲۳ میشود بعد از طرح کردن دوازده دوازده
شش عدد باقی میماند و سنبله میرسد صاحبش عطارد است و چهار اسمیکه بعطارد تعلق دارد در بیت
مداومت باید بعد دالف ۱۱۵ و ذکر عطارد را هفته متعاقب باید خواند و چهار اسم عطارد اینست
یا صاحب النون و القلم یا طاهر یا اول یا رحیم یا دائم و الهکم اله واحد لا اله الا هو الر
حمن الرحیم یا واسع یا محیط یا احد یا قدیر یا ودود علیک سلام الله و برکاته
ایها السید الکبیر الفاضل اجب دعائی و اجلب الی عمر ابن زبیده جلبا سریعا سا
معا مطیعا بحق من له الامر و الحکم الیک ایضا باب دوم در تکسیر جهة مقصود و شروع حروف
برج طالع و غیره بدین نحو است   طالع ثور حرف ج ش   کوکب زهره حروف
ش ظ و ن   مشتری حروف ط ق ل ض   روز جمعه بقمر منسوب است حروف
ج ل س ف   متعلقات سنبله حروف ف ص ث   جدی حروف م خ

مجموع این حروفات را از مکررات خالی باید کرد که تکسیر صدر و مؤخر کنند و مخارج اسمائی را در آن حروفات
تکسیر ملاحظه کرده هر اسمی از اسمای اعظم ملائکه و روحانیات و جن رخ نماید بیرون نویسند و اگر
از استخراج عاجز باشند بدین دستور که ذکر نوشته میشود بخوانند که مفید است انشاء الله صورت ذکر اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك یا جمیل و یا فارج یا شکور یا باطش
یا ظاهر یا حفیظ یا وهاب یا غفور یا زاکی یا عزیز یا طاهر یا محیط و یا قیوم یا خالق
یا کبیر یا ملیك یا ضیاء یا مفیض یا لطیف یا وکیل یا سلام یا حنان یا فتاح
یا عطوف یا صادق یا مخلص یا ثابت یا مجید یا مکرم یا خالق یا شامخ اقض
حاجتی کذا و کذا و انصرنی علی اعدائی و الف بینی و بین فلان ابن فلان کما الفت
بین الجسم و الروح یا سبوح اجب دعائی و لا تخیب رجائی بحق اسمائك العظام
و صلی الله علی محمد و آل محمد نوع دیگر در استخراج حروف اگر نیک فهم کنی و فیض یابی بدانکه
محمود را رضا هیبت منظور است حروف اسم او را با بینات تفصیل بنویسیم چنین شد م ی م ح ا م ی م
واو دال وحروف مطلوبش مع بینات اینست را الف ال ف ه ا ی ا ت الف مجموع
حروف طالب و مطلوب بلا تکرار اینست طالب م ی ح ا و د ل مطلوب ر ا ف ل ه
ی ت و استخراج حروفات طالب و مطلوب اینست م ر ی ا ح ف ت ا ل و ه ل د ی ل ت
و این چهار حرف است بعدد ملفوظی اسم طالب و مطلوب و اسمای مستخرجه من حیث التطابق روی
فی الاعداد و حروف این است اله فتاح مرید ولی این چهارده حرف مذکور را تکسیر باید کرد که
اسمای ملائکه و اسمای روحانیات از او ظاهر شود و استخراج کنند و عزیمتش اینست که ظاهر شود
عزمت علیکم و اقسمت علیکم یا معشر روحانیات العظام الکرام بحق ما فی اسمائکم

من

من اسمای العظام الاله الفتاح المرید الولی الا ما جعلتم المحمود ابن فلان القبول
و الرحمة و الرفاهیة یا الهائیل یا فتحائیل یا مرید ائیل یا ولیائیل اجیبونی و
اطیعونی بارك الله فیکم و علیکم اجیبوا ایها الاعوان یا جلاهیوش و یا حتفایوش
و یا دیومیوش و یا یلویوش عجلوا بقضاء حوائجی من لدا الامر و الحکم علیکم و بشرکم الله
بالجنة یوم الحساب و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین بعد از آن الله بطریق ندا باید خواند یا
چهار مرتبه عدد حروف با لنش مرتبه بر تبه عدد یا شصت شش روز هر روز شصت شش مرتبه بخواند یا
شصت شش را در شصت شش باید ضرب کرد و شصت شش روز باید خواند پس اگر خواهد که محمود
میخواهد که عزایم فوق را ورد خود سازد تا بمطلب رسد اول پیشتر از عزایم خواندن ۳ مرتبه سوره جن
را بر ۳ دانه فلفل بخواند و در آتش اندازد و شروع در عزایم کند تا مراد حاصل شود و اگر دیر بعمل آمده
بعد از مدت ۳ جمعه متواتر سوره جن را بر چهل دانه فلفل چهل بار بخواند و در آتش اندازد و قبل از
طلوع آفتاب بخواند که ان الله تعالی مجرب است و این عمل را استادان اسرار العمل گفته اند و از اهلان
مخفی داشته اند ایضا در اسمای متعلقه بایام هفته و اسمای متعلقه بکواکب سبعه اینست

سهصف	حن رش	عو تث	یل طظ	قنظم	ایلج
۲۳۵	۱۲۰۸	۸۷۶	۹۲۳	۱۱۹۰	۳۰۴

کغشخ
۱۶۲۷

فصل دیگر در بیان اسرار رموز که مرقوم در این مرموز ذکر نمودیم

زبده بها از رموز کنوز اینست یک اندیشه کن در این اسرار چنین باید زهر مخفی دار ۞ اگر داری
در این حقایق فکر ۞ از خیال مشو خلاصه ذکر زحل روز شنبه و شب چهار شنبه
شمس روز یکشنبه و شب پنجشنبه اسماء الله شمس در زیر است یا الله یا بدیع یا لطیف یا جلیل
یا علیم یا وهاب یا تام یا ثابت عدد [illegible]
[illegible]

اگر طالع مطلوب آتشی باشد بنویسد و در آتش اندازد اینست ۹ ۷ ۱ ۲ ۱ ۶ ۱۱ ۶ ۱۱ الوحا الوحا

الوحا الساعة الساعة عسم عسم قل تعل ۹ اگر طالع بادی بنویسد و در باد بیاویزد

اینست یفعل الله ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید بعزته اگر طالع شخص آبی باشد بنویسد و در

آب اندازد مجرب است

۶۱ الوحا ۳ ۱ ۹۹ اگر طالع شخص خاکی باشد در زیر خاک دفن کند بدین صورت ۱۹

نقش بلکه اینست ۸۸ ۲۳۸ فصل دیگر در بیان دفق و طرح الواح از مثلث

و تا معشر اینست که نقش میشود در فرح و رقه

دفق مثلث	طرح مثلث	دفق مربع	طرح مربع
۱۰۵	۱۲	۳۴	۳۰

دفق مخمس	طرح مخمس	دفق مسدس	طرح مسدس	دفق مسبع	طرح مسبع	دفق مثمن
۶۵	۲	۱۱۱	۱۰۵	۱۷۵	۱۶۸	۱۶۲

طرح مثمن	دفق متسع	طرح متسع	دفق معشر	طرح معشر
۱۵۲	۳۶۹	۳۶	۵۰۵	۴۹۵

و در بیان اعمال از شرف کواکب هر لوح را در

شرف کدام کواکب عمل باید کرد شرف قمر مثلث ۳ در ۳ شرف شمس مربع ۴ در ۴ شرف زحل مسدس ۶ در ۶ شرف مشتری مثمن ۸ در ۸

شرف مریخ متسع ۹ در ۹ شرف عطارد مسبع ۷ در ۷ شرف زهره مخمس ۵ در ۵ در تعیین شرف کواکب شمس

در نوزدهم درجه برج حمل است قمر در سیم درجه برج ثور است مشتری در پانزدهم درجه برج

سرطان است عطارد در پانزدهم درجه برج سنبله است زحل در بیست و یکم درجه میزان است

مریخ در بیست و هشتم درجه جدی است زهره در بیست و هفتم درجه حوت است راس در سیم درجه برج

جوزا است ذنب در سیم درجه قوس است و این شرف در درجات بروج است در بیان شرف کواکب

اگر کسی خواهد بشرف کواکب مشرف شود و توفیق عمل آن را بیابد باید که در ایام هفته هر روزی

که تعلق

که تعلق بکوکبی دارد سوره های منسوب بآن روز را بخواند که انشاء الله بشرف آن روز مشرف شود اینست

شنبه زحل	یکشنبه شمس	دوشنبه قمر	سه شنبه مریخ	چهارشنبه عطارد	پنجشنبه مشتری
سوره انعام	سوره والشمس	سوره ضحی	سوره انا فتحنا	سوره والفتح	سوره کهف

جمعه زهره

سوره یس شعری که در تعیین درجات موسی حکیم گفته است باید هر روز در ماه سیزده تعیین کن

بس ثابت است اضافه تخمین کن ۞ هر برجی را موضع خود بسر گیر ۞ میدان درجات همه را کاین کن ۞

ابو نصر گفته هر چه از ماه شد متفاوت کن ۞ پنج دیگر فزای بر سر آن ۞ بس هر پنج از آن زمانه شمس خانه

کبر جای ماه بدان ۲ فصل دیگر در بیان قواعد شروع بعمل الواح مربع و مثلث پس بدانکه در بیان

قواعد عمل لوح مربع که قبل از شروع در اعمال ضرور است چون خواهد از برای شخصی عمل کند اول

باید عدد نام مطلوب را با عدد نام مطلوب درش بحساب ابجد کبیر عدد بگیرد و دوازده دوازده

طرح کند انگاه به بیند بکدام برج تعلق دارد و بعد از آن بار دیگر همان اعداد را هفت هفت طرح کند

و به بیند بکدام کوکب تعلق دارد و بعد از آن ملاحظه حال قمر را بکند و به بیند قمر در چه برج است و از نظرات

خمسه چه در نظر دارد مثلا اگر طالع مطلوب برج ناری باشد باید عامل ناری کند یا بادی و بعد از

آن منازل قمر را ملاحظه کند که از بیست و هشت منزل در کدام منزل است و آن منزل سعد است یا نحس

و بعد از آن ملاحظه روز عمل کند که ایام منحوسه نباشند زیرا که ایام منحوسه تعلق بمریخ و زحل دارد

و مخصوص عمل نحس است عمل نجیب را نشاید و بعد از ملاحظه قواعدات مذکوره با وضو

رو بقبله نشیند و بعضی گفته اند که اگر عمل کند به نیت مطلبی که خواهد بهتر خواهد بود و بقصد مطلب

قلم برداشته و نیت کند که این قلم را بر میدارم بجهة عمل و تسخیر فلان بن فلان قربة الی الله تعالی

بجهة آنکه مناسب برج طالع مطلوب باشند و بجهة ایام عمل که مناسب کوکب مطلوب باشند

در آتش کند انگاه عدد نام طالب ومطلوب وامه ها ۴ گرفته با عدد آیه مناسب هر مطلب که خواهد

فهم نمود وسپس عدد طرح نمود وتتمه به مربع گرفته در ساعت سعد مخصوص آن عدد در مربع بنگارد و

بعد از آن که مربع را تمام کند مربع اسامی موکلان علوی وسفلی واسماء الله را با عدد شش که نموده شده

از لوح مربع استخراج باید وعزیمه به بندد وآن عزیمه را بعد نام مطلوب بخواند باین قاعده که

دفق کل اعداد مذکوره را هفت هفت طرح کند چنانچه اگر شش ها ۲ باید روز سه شنبه ساعت

بنویسد وچون شانزده طرح کند اگر ده باشد تا پنجاه یوم مداومت باید بعد نام مطلوب که

ان شاء الله نتیجه بخشد وعدد در بنده مذکوره ظاهر شود در مربع مذکوره ۴ در ایشان ساعت مذکوره با وجود

دارد تا عملیات ببیند واین قاعده را اشتمال نجوم تا ببینند شادی باشد ونیکو فهم کنند تا در خطا

نیفتند وبعض فواید اعمال رسید واین از واجبات شرایط اعمال است **فصل** در بیان ا

استخراج اسم موکل لوح مربع وطریقه عزیمت لستی آن وقاعده دعوة عزیمه آن بدانکه الواح را

اعوان وموکلیت که باید بعد از اتمام عمل استخراج اعوان وموکل باید وعزیمه به بندد وعزیمه

بعد نام مطلوب بخواند وقاعده چنانست که از چهار زاویه دو زاویه فوقانی ودو زاویه تحتانی

نام ملک علوی بیرون آورد واز خانه میان که یازدهم وچهاردهم باشد نام ملک سفلی بیرون

آورد واز دو خانه طرف راست نام دیگر واز دو خانه طرف چپ نام ملک سفلی واز دو خانه تحتانی

که چهارم وپنجم باشد نام دیگر انگاه نامهای عزیمت بسته وبعد نام مطلوب بخواند باین قسم

عزمت علیکم واقسمت علیکم یا ملائکة رب العزة فلان تیل وفلان تیل بحق

الملک الاعظم فلان تیل ان تقضی حاجتی نام حاجتیکه دارد ببرد بحق هفده الاسماء

فلان یوش وفلان یوش بحق اسماء الله الاعظم فلان وفلان فعال لما یرید بحق

الف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم العجل ۳ الساعة بارک الله فیکم وعلیکم

وعزیمت را بر چهار طرف لوح بنویسد وبعنصر برساند وهر یک از این اسماء الله باید موافق اسم

مطلب طالب مطلوب او رست باشد بعدد کبیر یا وسیط یا صغیر باشد در بیان استخراج

اعوان وموکل لوح بدانکه از چهار گوشه چهار ملک بعده اول وشانزدهم وبعده [illegible]

لوح واین ملک اعظم است واسم اعوان از دوم وسیم اما غیر رفتار بنهم وهشتم ودوازدهم

وچهاردهم وپانزدهم وپنجم ونهم وچهار خانه میان باید اسماء الله موافق نمود تا هر خانه اسم

حاصل شود انگاه عزیمه ببندد وعزیمه را بعد نام مطلوب خود بخواند که انشاء الله مراد حاصل

خواهد شد **نوع دیگر** اما بدانکه هر استاد در باب استخراج موکل لوح قواعد بیان کرده ولیکن علم

الظاهر آنچه اصح میباشد آنست که عالیجناب استاد میر محمد علی منجم خود چنین قواعد حاصل

ترتیب فرموده چنین است که چون خواهد اسامی موکلان را از لوح مربع عمل حب استخراج نماید

باید اول اسامی موکلان علوی را بیرون آورد وبعد از آن اسماء الله را بیرون آوری

وعزیمه ببندد باین قاعده عزمت علیکم واقسمت علیکم یا ملائکة رب العزة فلان

تیل وفلان تیل ان تقضی حاجتی انگاه نام مطلوب ببرد وبگوید بحق اسماء الله

الاعظم الاکرم فلان وفلان بارک الله فیکم وعلیکم واسامی موکلان سفلی که یوش

باشد نباید که در مربع عمل حب بر آورد که میمون ومبارک نباشد زیرا که عمل حب خاص

علوی میباشد ودیوش که اعوان سفلی میباشند کثیف وبحث فطرت است ومناسب عمل شریف

نمیباشد لهذا باید اعوان سفلی را ترک نماید وعامل مختار است **نوع دیگر** در بیان قواعد لوح مربع

مربع را خواص شانزده دانه که هر یک را یک خانه تو میدانی ۵ برای حب از اول ابتدا کنی

دوم خانه برای بغض میدان ۵ سیم فتح رجل باشد معنی ۵ چهارم عرشه باشد بارقی ۵
به پنجم عقد نوم بول باشد ۵ ششم در فتح کار شرکت باید ۵ به هفتم بغض میدان مردزنرا ۵
بهشتم دفع دشمن با اعیان دان ۵ نهم عقد طریق کسی باید است ۵ دهم انکه آن حب شدید است ۵
یکوده با محبت بیی روحانی ۵ دوازده عقد نوم است اینه عایی ۵ سیزده دان توان آن حب است
بچارده عقد مردکی جان ۵ به پانزده عقد نظردان ۵ شش ده را بر اخراج میدان ۵
که در بیان نکار شش اگر یک کسر باشد یا دو یا سه بایی نظم رفتار کنند تا بر او شکل با باشد
سه در پنج یک در سیزده دو در نهم ۵ اگر این ندانی کنی با و کم **ایضاً** در بیان لوح ۱۰۶ در ۱۰۶
بلوح ۱۰۶ در ۱۰۶ اسبع المثانی با ۵ رقم کن کشی توانی خاندار هر سو که بتوانی ۵ چه لوح اینچنین کرد
رقم با خویشتن دارش ۵ اگر در سر هوای سروری و سلطنت داری ۵ بیا در سنگ زرین معنی
که از تا شش ار خواهی روان چون کاه کوه به ستون از جای بر داری **فصل دیگر** در بیان لوح
۱۰۵ در ۱۰۵ **انظم** رقم کن ۱۰۵ در پانزده سبع المثانی راه به تثلیث قمر با مشتری یا زهره یا خورشید ۵
چه کردی این رقم چون تاج بر فرق سر شاه ده ۵ که آید زیر پا دولت از چرخ سیم نا امیده **ایضاً**
در بیان تاثیر دوازده برج که چه عناصر هستند و فایده میبخشند حمل اسد قوس آتشی اند
ثور سنبله جدی خاکی اند جوزا میزان دلو بادی اند سرطان عقرب حوت
آبی اند **ایضاً** بر جهای آتشی و بادی مذکر و عمل روز زنند ۵ و برجهای آبی و خاکی مونث و عمل
شب بند بیان دیگر حمل قوس میزان جدی منقلبند ثور اسد عقرب دلو
ثابتند جوزا سنبله سرطان حوت ذوجدین است **فصل دیگر** در بیان قواعد لوح مربع
و بیوتات آن و کسر آن بدانکه نظم طبیعی لوح مربع این است که نموده می شود

اینست

اینست

٨	١١	١۴	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١۶	٩	۶
١٠	۵	۴	١۵

باین صورت بنکارد بترتیب بیوتات چون عامل خواهد که اسم
طالب و مطلوب را با آیه مناسب مطلب عدد بگیرد و در مربع نکا
رد قاعده چنان است که اسمی را با آیه عدد بگیرد سی عدد
۱۶ از جمله طرح کند و ما بقی را چهار قسمت کند قسمت از طرح
و بیفکند و یک قسمت را که یک ربع اعداد باشد در خانه اول
مربع بنگارد و در هر خانه یکعدد اضافه کند و بترتیب بیوتات را تمام کند و مربع را با خود دارد اگر مطلب
ادای دین و وسعت رزق باشد یا از این قبیل باشد استخراج موکل و ستن عزیمه احتیاج
نیست آن آیه را بعدد یکه مقرر شد ختم بگیرد و تمام و اگر سایر اعمال است محتاج موکل و عزیمه
خواهد بود **نوع دیگر** در بیان قواعد کسر لوح مربع بایمعنی اگر بعد از چهار قسمت اعداد اگر یکعدد باقی
در خانه سیزدهم مربع یکعدد اضافه بر اعداد یکه دارد بنگارد و اگر دو عدد مانده باشد در خانه نهم
یکعدد اضافه کند و اگر سه عدد مانده باشد در خانه پنجم یکعدد اضافه بنگارد زیرا که عدد کلی
چهار قسمت میشود از چهار بهر قسمت یکعدد میرسد و موافق میشود و اگر سه عدد یا دو عدد یا یکعدد باشد
ممنوع است از تقسیم بر زیادی باید بقواعد یکه مذکور شد عمل و بعد از انکه مربع تمام شد از چهار طرف
جمع زند و باید که جمع از هر طرف که ضلع اربعه باشد موافق با عدد کلی قبل از طرح و قسمت جمع
که گردد و با آن عدد کل وفق دهد و اگر موافق نباشد وفق
ندهد ناقص است و عبر کرده رفع او را بکند **فصل دیگر** در بیان عناصر
لوح مربع بدانکه لوح مربع شانزده خانه دارد چهار خانه آتش
آتشی و چهار خانه آتش بادی و چهار خانه آتش آبی و چهار خانه بادی اینست

خاک دوم	آب سیم	باد چهارم	آتش اول
آتش چهارم	باد اول	آب دوم	خاک سیم
آب اول	خاک چهارم	آتش سیم	باد دوم
باد سیم	آتش دوم	خاک اول	آب چهارم

چون خواهند بجهت محبت و احضار لوحی بنگارند بطریق مربعات از خانه آتش هم ابتدا کنند باین صورت

که در طرف دست راست صفحه نوشته شده است

۱۳	۱۰	۷	۴
۳	۸	۹	۱۴
۱۲	۱۵	۲	۵
۶	۱		۱۱

۱۶

وایضاً دلوح طرف دست چپ مربع نظم طبیعی است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۱۶

ایضاً در بیان ۴ مربع

صورت چهار عناصر است که مربع آتشی و بادی و آبی و خاکی است نه نوشته میشود این است اول آتشی

آتشی

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۱۶

بادی

۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
[illegible]	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

۱۶

آبی

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	[illegible]
۴	۱۵	۱۰	۵

خاکی

۱	۱۱	۱۴	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰

۱۶

بدانکه دانستن این قواعدات از جمله شرایط واجبه اعمال اعداد است
نیکو فهم کن والله اعلم بالصواب وایضاً در بیان خواص شانزده
خانه مربع که هر خانه چه خوصی دارد وایضاً خانه اول بجهت صحت
و تندرستی خانه دوم بجهت دوستی و احضار مطلوب خانه سیوم
بجهت دولت و حصول مرادات خانه چهارم بجهت امان یافتن از شمشیر
خانه پنجم بجهت برطرف سحر باد خانه ششم زبان بندی خیر برکت خانه هفتم بجهت تفریق ز زراع خانه هشتم بجهت فتح در جنگ

در دفع امراض

در دفع امراض خانه نهم بجهت فهم کردن علوم و سخن طیور خانه دهم بجهت مستجاب کردن روحانیات
خانه یازدهم بجهت اصلاح میان برادران و عزیزان خانه دوازدهم بجهت دفع آفت از کشت و زرع
خانه سیزدهم بجهت برکت و افزونی املاک و باغ و خانه چهاردهم بجهت دوستی و احضار مطلوب خانه
پانزدهم بجهت زیاده شدن رتبه و عزت و رفعت و منصب که بجهت هر مطلبی آیه مناسبی در خانه مربع بنگارد
تا فایده تمام ببیند خانه شانزدهم بجهت جمیع امورات و هر مطلبی که خواهد آیه مناسب آن مطلب در آن مربع بنگارد
تا فایده کلی دهد وایضاً در بیان قواعده رقم مربعات شانزده خانه که هر یکی خواص جداگانه
منشعب است و صورتش این است

مطلوب راغب

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

محبت

۱۶	۶	۱	
۱۳	۴	۷	۱۰
۸	۹	۱۴	۳
۲	۱۵	۱۲	۵

۱۶ تفریق

۶	۱		۱۱
۱۲	۱۵	۲	۵
۳	۸	۹	۱۴
۱۳	۱۰	۷	۴

عقد اللسان ۱۶

۱		۱۱	۶
۷	۱۰	۱۳	۴
۱۴	۳	۸	۹
۱۲	۵	۲	۱۵

دفع سحر

۴	۵	۱۰	۱۵
۱۴	۱۱	۸	۱
۷	۲	۱۳	۱۲
۹		۳	۶

عقد النوم

۵	۴	۱۵	۱۰
۱۱	۱۴	۱	۸
۲	۷	۱۲	۱۳
	۹	۶	۳

حب القلوب

۱۰	۷	۴	۱۳
	۱	۶	۱۱
۵	۱۲	۱۵	۲
۳	۱۴	۹	۸

دفع امراض ۱۶

۱۵	۱۰	۵	۴
۱	۸	۱۱	۱۴
۱۲	۱۳	۲	۷
۶	۳		۹

۱۶ [illegible]

۹	۷	۴	۱۴
	۲	۵	۱۱
۶	۱۲	۱۵	۱
۳	۱۳	۱۰	۵

دفع جنگ

۶	۳		۹
۱۲	۱۳	۲	۷
۱	۸	۱۱	۱۴
۱۵	۱۰	۵	۴

۱۶

احضار جن

۳	۱۴	۹	۸
۵	۱۲	۱۵	۲
	۱	۶	۱۱
۱۰	۷	۴	۱۳

۱۶

جلب رحم

۱۴	۹	۸	۳
۴	۷	۱۰	۱۳
۱۱		۱	۶
۵	۳	۵	۱۲

۱۶

جمیع امورات

۱۰	۵	۴	۱۵
	۳	۶	۹
۷	۱۲	۱۳	۲
۱	۱۴	۱۱	۸

۱۶

رفتن پیش ملوک

۱۳	۱۱	۸	۲
۴	۶	۹	۱۵
۱۰		۳	۵
۷	۱	۱۴	۱۲

۱۶

دفع کفار جن

۲	۱۵	۱۲	۵
۸	۹	۱۴	۳
۱۳	۴	۷	۱۰
۱۱	۶	۱	۰

۱۶

هلاک اعدا

۷	۲	۱۳	۱۲
۹		۳	۶
۴	۵	۱۰	۱۵
۱۴	۱۱	۸	۱

۱۶

دعا ایمن که هنگام نگاشتن لوح مربع باید بخواند در پیش ذکر شده و باید درست دید کم و زیاد باشد
و سطورات و بیوتات آن متساوی الاضلاع باشد و از چهار ضلع که چهار طرف باشد باید
عدد نقش وفق دهد و متساوی باشد جمع آن و اعداد در بیوتات باید که بیکدیگر نچسپید باشد
و خطوط بیوت بهم رسید تا فایده بخشد و کامل باشد **ایضا نوع دیگر** در بیان رفتار نگاشتن
لوح مثلث و خواص و استخراج اسم اعوان و موکلان و بستن عزیمه و مداومت کردن آن بدانکه
لوح مثلث بیشتر از برای بغض و تفریق بکار آید و هرگاه که خواهی بغض و عداوت و تفریق
نماید عدد نام انکس را که خواهی عدد کرده عدد آنرا مناسب مطلب جمع کند و دوازده عدد از جمله
طرح کند و باقی را ثلث کند یعنی سه قسمت کند و یک قسمت آنرا که ثلث میشود در مثلث بکار
در برد انکس که خواهد دفع کند که بغض و عداوت و تفریق پیدا شود **ایضا** طریقه

نگاشتن

نگاشتن عدد در مثلث چنان است که ثلث عدد در خانه اول بگذارد و در هر خانه یکی زیاد
کند تا تمام شود انگاه از چهار طرف جمع بزند و باید که جمع آن موافق با عدد کل باشد و مثلث
کسر بر نمیدارد یعنی اگر از ثلث یکی یا دو زیاد باید نمیتوان در مثلث نگاشت باید آنرا بعدد پیدا کرد
که عدد آن تمام ثلث شود نظم طبیعی مثلث این است

۹	۵	۱
۲	۷	۶
۴	۳	۸

ایضا در بیان و
اعمال قبل از نگاشتن لوح مثلث مشایخ مغرب چنین گفته اند که باید عامل عمل
تفریقات را در ساعت نحس و قمر در عقرب و ساعت زحل یا مریخ باید و در جای عمل باید بغضبناک[?]
پشت بقبله نشیند و لباس سیاه یا سرخ بپوشد و بخور از پوست سیر و پیاز و کندناد[?] علف و
سندروس و چیزهائی که بوی بد دارند بخور کند و در وقت تراشیدن قلم بغض قل یا ایها
الکافرون بخواند و نرخ بلکه نخی در دهان بگیرد و بر که و زنگار و شنجرف و نیل بنویسد
و باید بر کاغذ کبود کتابت کند و آنچه در اول در باب عمل حب ذکر نمودیم برخلاف آن باید کرد که
جمیع شرایط و آداب مذکوره در عمل بغض بر عکس و برخلاف باشد تا آنکه آثار اعمال آن زود
بظهور رسد و اگر غیر آنچه ذکر کردیم کنند فایده نخواهد دید **ایضا** بیان استخراج اعوان و
موکلان از لوح مثلث و بستن عزیمه بدان ایها العزیز که از مثلث اسم ملک و اسم اعوان جن
و اسم رئیس و اسم الله باید بیرون بیاورد و عزیمه ببندد و عزیمه هر روزه بعد از اسم مطلوب
بخواند تا زمانیکه مرادات حاصل آید و از مثلث نام ملک بیرون آوردن قاعده چنان است
که چهار ضلع که خانهای چهار گوشه باشد اسم ملک بیرون آورد باین طریق که عدد چهار خانه
را جمع کند اگر عدد بسیار است و قابل طرح است که بنجاه عدد کم کند و عوض آن یائیل داخل

وران اسم ملک کند که کم و زیادی در اعداد بهم نرسد و اگر عدد کم است و قابل طرح مثبت طرح نکند و از
تمام عدد اسم ملک بیرون آورد و از چهار خانه دیگر اسم اعوان جن بیرون آورد باین طریق که
اعداد چهار خانه را جمع کند اگر قابل طرح باشد که سیصد و شانزده عدد طرح کند یعنی بیفکند و در
عوض آن یوشش را زیاد کند و داخل اعوان اسم جن نماید که کم و زیادی در اعداد بهم نرسد و اگر اعداد
کمتر و قابل طرح مثبت ضرور بطرح نباشد و یوشش را از خارج زیاد کند عیب ندارد و از خانه
میان اسم الٰهیه بیرون آورد در ساحت مثلث که سه خانه از یکسمت باشد عددش را جمع کند
و اسم ملک اعظم بیرون آورد و اگر قابل طرح است باز عدد یا ثیل را طرح کند و اگر قابل طرح
مثبت نکند و بعد از آن تمام اعداد خانه را جمع کند و اسم رئیس بیرون آورد باز اگر قابل
طرح است که عدد یا ثیل را طرح کند و الا فلا انگاه عزیمه را ببندد و آن عزیمه را هر روز بعدد
اسم مطلوب خود بخواند و عزیمه را در حوز مثلث بگذارد و تمام و مراد از طرح عدد یا ثیل و
طرح عدد یوشش آن است که چون عدد یا ثیل و یوشش زیاد میشود عدد شان کم شود که اصل
عدد تغییر و تبدیل نیابد و کم و زیاد نشود و اگر در انگاه قابل طرح نباشد طرح نخواهد مثلا اگر
که عدد اینقدر نباشد که قابل طرح شود که اگر طرح کنند قدری باقی ماند در این صورت
احتیاج بطرح نخواهد بود و چون اسامی را استخراج کند عزیمه باین طریق ببندد و بخواند و
عدد عزیمه بستن چنان است که اول ارواح سفلیه که فلان یوشش باشد قسم دهد بارواح
علویه که فلان ثیل باشند و بعد از آن ارواح علویه را که فلان ثیل باشند قسم دهد باسم
خدا باین طریق که عزمت علیکم و اقسمت علیکم ایها الارواح سفلیه فلان یوشش
و فلان یوشش بحق الارواح العلویه فلان ثیل و فلان ثیل بحق الاسم الاعظم فلان

ان یطرح عداوة فلان فی قلب فلان العجل الساعة من طرفة العین
نوع دیگر بدان ایعزیز که در باب استخراج اسم اعوان و ملک و اسماء الٰهیه استادان و قواعد
بسیار ذکر نموده اند ولیکن قواعد خاصی و معتبر جناب استادی میرزا محمد علی منجم کمترین
ارشاد فرموده که چون خواهد استخراج اسامی از مثلث نماید اول اسم اعوان جن را بیرون
بیاورد و بعد از آن اسم ملک موکل را بیرون بیاورد و اعوان جن را که فلان یوشش باشد
ملک موکل قسم بدهد و عزیمه را به همین قاعده ببندد و بخواند و جایز نیست که اسم الٰهیه را از
مثلث بیرون آورد زیرا که عمل مثلث عمل بغض و قهر است و خداوند عالم الرحم الراحمین است
در اضر بغض و تفریق عباد خود نیست بنابراین حرمت اسماء الٰهیه باید بیرون نیاورد که
عمل بخود کامل و عامل را جمع میشود ایضاً در بیان اعمال استکام تکانشی لوح مثلث از قول
مشایخان کبار مغربی و ابو علی سینا در تاثیر لوح مثلث و آن پنج است اول آنکه هرچه
میکنی به نظر کواکب کند دوم آنکه ملاحظه نحوسات آن کوکب کند و بعد آن کوکب را بسوزاند سیم آنکه
در استکام تکانشی اسم موکل هر خانه ببر چنانکه اول بگوید اططهیال و خانه دوم بططهیا
ل و خانه سیم جططهیال و خانه چهارم دططهیال و خانه پنجم هططهیال و خانه ششم
وططهیال و خانه هفتم زططهیال و خانه هشتم حططهیال و خانه نهم ططهیال و
قسم بده باین طریق که اقسمت علیکم یا اططهیال و بططهیال و همچنین تا آخر بگوید
بحق الحق و بحق خالق الخلق ان تفعلوا کذا و کذا العجل العجل العجل الساعة الساعة
الساعة و شرط چهارم آنکه عزیمه برجسته که در سابق ذکر شد بخواند یا دو مرتبه یا چهار مرتبه یا بیشتر
عوض آنکه هفت خوانده باشد و شرط پنجم آنکه در اثبات مثلث بغض و عداوه و تفریق و امثال

۲ اگر دختری را خواهی بعقد خود
در آوری که ان او را مخفی بیاشند
این دعا نوشته به آب بشوید
در مکان یا رهگذر او بریزد
یا دخیلا یا بخ خیلا یا
شنلسا یا مجرشا یا
طمخنشا یا محها یا
حیطا یا اکه یا کیشا
(یا رب العالمین) ۲
یا رب الامین ۲
من این فن

آن بنویس یا کون فنوتا و در بیت مثلث حب بنویسد یا مستغفیها و در بیت اخراج بنویسد
یا مسطلهوا و در بیت مثلث ها بنویسد یا مالسوما و در اول و آخر هر بیت ... جهت
طاق بخواند و جهت بغض حب بخواند و جهت بغض و دو دشمن از خانه ششم شروع کند و جهت دوستی از خانه
چهارم ابتدا کند و جهت ما از خانه دوم ابتدا کند و جهت دشمن رو بجانب شمال و از برای محبت رو بجانب
مشرق و عقد اللسان بجانب جنوب و عمل دشمنی در روز سه شنبه و چهارشنبه باشد ایضاً در بیان
دفع شر و نحوست عمل مثلث و دفع رجعت آن چون خواهی عمل مثلث کنی قبل از شروع این
دعا بخواند یا حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه یا حمید انا جعلنا فی اعنا
قهم اغلالاً فهی الی الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم سداً و
من خلفهم سداً فاغشیناهم فهم لا یبصرون ایضاً هر جهت بطلان سحر چون در
روز هشت مرتبه بخواند سحر باطل شود و بعد از آن این هر دو لوح را بنگارد و در آب روان اندازد
تا عمل رجعت نکند آنگاه مشغول عمل شود چون چنین کند عمل رجعت نکند و تأثیر بخشد لوح این است

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

از قول عمل یونانی در دفع تأثیر و نحوست عمل مثلث و دفع رجعت آن بعامل و تأثیر بخشیدن آن
الحال چنین گفته اند که در اول عمل یکبار و در آخر عمل یکبار این عزیمه را بخواند و بر خود دمد

چون

چون مشغول نگاشتن بیوتات شود در هر خانه یک کلمه از این عزیمه بگوید چنان در خانه اول
یکمرتبه بگوید آه آه و در دوم دو مرتبه بگوید بقطریال و در خانه سیم ۳ مرتبه طلیش و در خانه چهارم
چهار مرتبه بگوید دمیال و در خانه پنجم پنج مرتبه بگوید ططمیش و در خانه ششم شش مرتبه
بگوید و کلو هیهیم و در خانه هفتم هفت بار بگوید فقطایل و در خانه هشت مرتبه بگوید
خوابیت و در خانه نهم نه مرتبه بگوید طمیال و بعضی گفته اند که در خانه اول الله و در خانه
دوم یا رحی و در خانه سیم جبار و در خانه چهارم دیان و در خانه پنجم هو و در خانه ششم
قهار و در خانه هفتم ذکی و در خانه هشتم حفیظ و در خانه نهم طبیب بگوید تا رجعت
عمل نشود ایضاً در بیان قواعد مثال عمل تفریق صحیح مجرب در مثلث در قواعد هندسی نمود شده
کل رموزات عمل ذکر میکرد چون خواهند میان دو کس عداوت و قهر و تفریق اندازند که
الات حرب بر داشته باهم جنگ کنند باید هم آن کس را با اسم یا قهار یا جبار عدد
گرفته تمام اعداد را جمع کند و دوازده عدد از او طرح کند و باقی را مثلث کند و در مثلث
بنگارد باین قاعده که مثال بینها هم مثلاً چون خواهد که در میان دو کس عداوت
اندازد اسم محمد که عدد آن ۹۲ است و عدد اسم نقره که ۱۰۰ است و عدد اسم جبار که
۲۰۶ است و عدد اسم قهار که سیصد و شش است جمله را جمع کرده ۱۱۱۴ شد پس از او
دوازده طرح کند و باقی ۱۱۰۲ میباشد ثلثش که ۳۶۷ میباشد آنگاه در مثلث
بنگارد بدین مثال از خانه هشتم ابتدا کند پس عدد را در مثلث برده ایم وفق ... آید
پس استخراج اسما را تا عدد اسم از او وفق این مثلث استخراج شود هر ملک ... و
اسمای الله نباید چرا که هر شکل مخصوص است تعلق به برج دارد و شخص اگر ... دارد و آن

نظم طبیعی قرقانی

٨	١	٦
٣	٥	٧
٤	٩	٢

٨	٣	٤
١	٥	٩
٦	٧	٢

٤	٣	٨
٩	٥	١
٢	٧	٦

٢	٩	٤
٧	٥	٣
٦	١	٨

اسم ملک بیرون آورد از زاویهٔ آخر اسم حق که اول ۳۶۸ است ۱۴۱ که عدد ثبات است
از او طرح کنیم باقی میماند ۳۲۷ است نطاقش شکنائیل در زاویهٔ دیگر که با ۳ است
از او ۱۲ طرح کردیم باقی مانده ۳۲۹ نطاق آن شکطائیل پس استخراج کنیم اسم حق
که اعوان عملند که اسماء ایشان اینست که زاویهٔ اول از موکل مقدم ۳۷۳ است نطاقش
شیحع شد پس یوش ملحق او معظم شیحعیوش شد و از زاویهٔ دیگر که ۲۴ با ۳۲ شد پس شعدیوش
اعوان را در عزیمت کشیدیم بدین نوع که اقسمت علیکم یا ایها الارواح السفلیة
شیحیوش شعدیوش بحق الارواح العلویة النورانیة شکنائیل
و شکطائیل ان یطرح عداوة محمد فی قلب تقی ۳ تا العجل ۳ تا الساعة
عمر مین طرقة العین و باید که عزیمت را اعاده کند تا سیزده مرتبه بخواند و بخورات
بدبو بسوزاند و در اثنای خواندن و بخور آتش این است حلبت کبریت پوست انار زرشک و
شنبلیه و هر چه بدبو باشد و چون عزیمه تمام کند مثلث بر دو پاره مطروح بپیچیده و نخی
آدمی و تخم سفید و سیاه دانه از هر یک قدری در کهنه مطروح بپیچیده و در قبرستان کهنه دفن
کند و در اندک زمانی مطلب حاصل است و این را اصحاب معراج العداوة نامیده زنهار
نباید که بکنند ایضا در بیان عمل تفریق و قهریات و خصومت و جنگ و بغضیات و تفریق
و عقد اللسان و امثال آن در حل مشکلات مولانا شیخ بهاء الدین محمد عاملی مخصوص مثلث
میباشد بجهة عداوة و تفریق این عدد ۵۸۶۶ میباشد با عدد نام شخص ضم کرده در
مثلث هندی ثبت کند و در دهن وزغ نهد و در آب روان رها کند و صورت مثلث

هندی

هندی اینست بهای رفتار ثبت کند ایضا نوع دیگر در عمل عداوة و تفریق این عدد را که
۳۴۱۹ میباشد با عدد اسم آنکس و در مثلث ثبت کند ۳ عدد مثلث
و یکی را در قبرستان یهودان و دیگری را در قبرستان نصارا و یکی
را در قبرستان مقتول دفن کند چنانچه تفریق پیدا شود که بهم
نرسند و جنگ افتد و تفریق شوند ایضا نوع دیگر بجهة دشمنی و عداوة افکندن
در میان دو نفر این عدد را در مثلث درج کند اسم طالب و مطلوب ۳ تا و یکی را در مکان طالب
و دیگر را در مکان مطلوب دفن کند عداوة در میان ایشان پیدا شود و عدد مذکور اینست ۵۳۳
ایضا بجهة جنگ و جدال افکندن میان دو نفر با جمع نام ایشان را عدد گرفته با این عدد
ضم کند و در مثلث درج کند ۳ تا و یکی را در مکان ایشان دفن کند و دیگر را در دار
السلح و دیگر را در قبر مقتول دفن کند عدد اینست ۳۷۹۳ ایضا بجهة بغض و عداوة
افکندن در میان جمعی این عدد را ۳۴۴۶ با عدد نام ایشان درج کرده در مثلث بگذارد
در قبر کهنه دفن کند که در میان ایشان بغض و عداوة و کینه پیدا شود که هرگز اصلاح نشود
ایضا بجهة اخراج کردن کسی را از مکانی این عدد را با نام او ثبت کرده در مثلث درج
کرده در مقام او دفن کرده از آن مکان خارج شود عدد مذکور اینست ۲۹۵۲ ایضا
نوع دیگر بجهة بغض این عدد را ۳۸۳۲ با نام آنکه خواهد در مثلث درج کند در مقام
آن دفن کند مجرب است ایضا بجهة جنگ و نزاع افکندن در میان دو نفر با جمع این عدد
۲۳۸۶ با نام ایشان عدد گرفته در مثلث بگذارد پنج مثلث و دیگر را در مقام ایشان

دفن کند و دیگری را در قبر کهنه و دیگری را در قبر یهودان و دیگری را در قبر نصارا و دیگری را در پای دار که خون ناحق
کرده باشند دفن کند قدری از طرفی زنهار که نکند که باعث قتل ناحق شود ایضاً ۸ بجهة جنگ و
جدال میان عدد ۴۳۲۸۷۱ با نام آنکه خواهد مثلث کرده و در مثلث درج کند و در مقام ایشان دفن
کند فتنه در میان ایشان افتد ایضاً ۹ بجهة ذلت و معزولی و خواری هر که را که خواهد این عدد را که
۴۲۸۱۲ با عدد شقت شمهم که ۹۸۶۵۱ با نام آنکس که خواهد در مثلث نهد
سه مثلث بکار دیگری را در کهنه حیض زنان پیچیده در قبر کهنه دفن کند دیگری را در پوست حمار
درج کرده در قبرستان یهودان در قبر اعلم یهودان باشد دفن کند که اگر آن شخص صاحب
منصب باشد معزول گردد اگر عزیز باشد ذلیل و خوار شود و اگر غنی باشد فقیر شود و اگر
صحیح باشد مریض شود بعد از ذلت و خواری بسیار تلف شود ایضاً ۱۰ اگر خواهد کسی را از مقام خود
آواره و اخراج سازد این عدد را ۳۳۴۵۲ با نام آنکس ثبت کرده در مثلث درج کرده
در مقام او دفن کند آواره شود ایضاً ۱۱ بجهة تهلیک عدد آیه الم تر الی الذین خرجوا
من دیارهم وهم حذر الموت فقال لهم الله موتوا فما کف الله ممیت
فلان باذن الله المنیف المهیب القهار ۹ با اسم آنکس ثبت کرده در مثلث درج
و صورتی از قبر سیاه بسازد شبیه آن شخص و این مثلث را در شکم آن صورت نهد و در قبرستان
برده بعدد نام آنکس آیه مذکور را بخواند و بدان صورت دمد آن صورت را در قبر کهنه که خراب
شده باشد دفن کند که آن ظالم مریض شود و اگر در هنگام مرض توبه کند از کردار خود اگر
خواهی که او را از مرض آزاد گردانی و دفع شر آن ظالم از او بکنی باید آن صورت را از قبر بیرون آرد

و آن

و آن مثلث را از شکم صورت بر آورد و در جوی آب بشوید و صورت را خراب کند
و اگر در هنگام مرض اگر از کردار خود توبه نکند یقین بدان که بزودی از سبب جرم از دنیا
سفر خواهد کرد دوازدهم بجهة علت مریض بسیار مجرب است که عدد نام آنکس را گرفته و این
عدد ۲۶۶۸۱۵ بر او اضافه کند و در مثلث بکار برد یعنی مثلث هندی و در زیر بوریا نهد
آنکس مریض شود و هر چه معالجه کند فایده نکند سیزدهم بجهة تهلیکت عدد سوره الم تر
کیف را گرفته با عدد نام هر که خواهد ثبت کند بر پوست حمار در مثلث درج کند و در
کهنه حیض زنان پیچیده در قبرستان برده بانیمشب قبر را حفر کند دفن کند آنکس تلف
شود و اگر مثلث را بیرون نیاورد و نشوید و عدد را باطل نکند آنکس هلاک خواهد شد
و همین سوره شهر لوط را خراب کرد چهاردهم بجهة خرابی دشمن عدد آیه فلما جاء امرنا جعلنا
عالیها سافلها و امطرنا علیها حجارة من سجیل منضود که عدد دشمن است
۳۱۷ چون این عدد را با عدد نام دشمن گرفته ثبت کرده در مثلث درج کند و در مکان
دشمن دفن کند آن دشمن ذلیل شود و مکانش خراب شود و ویران گردد پانزدهم
بجهة عداوت در میان دو کس نام عدد را مع نام آن دو کس در مثلث هندی در آورده
در دو حوزه نهد و در آب رها کند عدد مذکور اینست ۶۶۸۱۵ شانزدهم بجهة بغض و تفریق
در میان هجران عدد را ۴۴۴۶ با نام آنکس ثبت کند و در مثلث هندی بکار برد
سه مثلث و در آن مکان در سه جا دفن کند هفدهم در بیان بستن شهوة حرام کسی را
اگر خواهد شهوة حرام کسی را به بند بکند عدد اسم مذل و ممیت و شهوة فلان ابن

طالبان و ثلث نکند و در مثلث کنند و در جای نمناک دفن کنند و سنگ گران بالای
او نهند که نتواند او نشسته گردد ایضاً اگر خواهد میان دو کس تفریق افکند عدد آیه فالقینا
بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة را که عددش اینست ۷۲۳۲
عدد نام آن دو شخص ثبت نموده در مثلث نقش کنند و در خانه هر یک از آن دو شخص دفن
کنند و اگر هر دو در یکجا نه باشند بهتر است که جدا شوند در میان ایشان واقع شود ایضاً
اگر خواهد منصبی را از منصب انداز بگیرد عدد آیه فما رمیت اذ رمیت ولکن
الله رمی با عدد اسم آن شخص ثبت کرده در مثلث بگذارد و دلیل آیه را با عدد اسم
آن شخص بخواند و آن مثلث را در گورستان کهنه دفن کند آن شخص از آن منصب
معزول گردد و ذلیل و حقیر گردد ایضاً اگر خواهد کسی را از مقام خودش آواره کنی بگیرد عدد
سوره الم تر کیف و عدد اسم آن شخص را ثلث کند و در مثلث نهد و در مکان
آن کس دفن سازد آواره شود ایضاً اگر خواهد ظالمی را رسوا سازد عدد آیه فی
قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم را عدد کرده با نام
کسی را باهم ثبت کند و در مثلث نهد و آیه بعد مجموع بخواند و مثلث را در خانه ظالم یا در
گورستان دفن کند تا از ظلم خود توبه نکند صحت نیابد چون توبه کند آن مثلث را بیرون آورد
و در آب بشوید تا اعمال باطل شود و صحت یابد ایضاً اگر خواهد ظالمی را مغضوب حکام یا پادشاه گرداند
بگیرد عدد نام مغضوب را با این عدد ۱۲۶۱ ثبت کند در مثلث و در قبرستان یهودان دفن
کند که بادشاه بر او مغضوب گردد و در بند و زندان افتد ایضاً جهت هلاک دشمن

چون

چون قمر در عقرب باشد بگیرد عدد نام دشمن را با عدد نام هادی و [illegible] عدد برآورد بنفراید و
عدد اینست ۳۳۲ و ثلث کرده در مثلث درج کنند و در کرباس کبود پیچیده با قدری قلع
و نمک و نیل در میان بیمار گذاشته و در قبرستان یهودان دفن کنند که آن کس بجهنم واصل شود
ایضاً جهت ذلیل شدن اعدا بگیرد عدد نام او و مادرش را با عدد یا مذل [illegible] کل جبار
بقهر غیبی سلطانه که عددش ۱۵۸۲ است باشد ثلث نموده در مثلث درج کنند در ساعت
قمر در عقرب و بر پوست [illegible] در کهنه [illegible] پیچیده و این اسم که مذکور شد عدد نام آن کس
بخواند و بر آن مثلث دمد و آن مثلث را در مقام آن کس دفن کنند که هر روزه ذلت و حقارت
آن شخص زیاده شود تا که یکسان شود ایضاً جهت آواره شدن کسی را از مقام خود دال و
میم را بحساب جمل عدد بگیرد و بعدد اسم آن کس ضم کرده و ثلث کنند و در مثلث درج کنند در
ساعت نحس و در راه گذار آن کس دفن کنند البته آن کس معیوب گردد و از آن مقام بلکه از آن
بلد آواره گردد که دیگر امکان بازگشت او نباشد ایضاً جهت آواره گردد خواهد عدد نام ابلیس
۳ [illegible] باشد با عدد نام آن کس در مثلث بگذارد و در سقف خانه آن کس آویزد آن خانه
برافتد و صاحبش آواره شود ایضاً جهت جنگ و نزاع و خصومت میان دو کس عدد
نام ابلیس را با آدم ضم کنند بدین نحو ابلیس ۱۰۳ و آدم ۴۵ و در مثلث درج باید چنانکه وفق
دهد و در هر مثلث این دو اسما امتزاج دهد و بنویسد بدین نحو آدم اب ل ی س
امتزاج اینست ا ا د ب م ل ی س و در هر مثلث نویسد و آن مثلث را در کند
آب حمام اندازد هم آن باشد که آن دو کس یکدیگر را هلاک کنند و اگر در پاشنه کفش یکی

از آن جو نفر پنهان کنند بیم هلاک شدن ایشان است و این مجرب است ایضاً جهت
فساد و آواره بنویسد این شکل عقرب بالا بر پوست خر در روز شنبه در هنگامی که قمر در
عقرب باشد و عدد نام هر که خواهد گرفته با عدد نام قاهر یا نام مهلک در زیر مثلث
کنند ۳ تا و یکی را در قبرستان یهودان و دیگری را در
مکان آنکس و دیگری را در راه
گذار آنکس دفن کنند که البته
خراب شود
که او خواهد آواره و فنا شود ایضاً نقش عقرب دیگر
جهت پریشانی و آوارگی در روز ... عقرب بکارد ... که بکاغذ ... نام هر که خواهد با عدد آیه مذکور در شکم
حیوان ... در قبرستان یهودان دفن کند

فصل دیگر در بیان عمل تحبیب و احضار و عقد و فسخ و وصل و دولت و جمعیت و عزت و رفعت
و قوت و قدرت و هیبت و دعوت و منصب و علو رتبت و الفت و محافظت و نصرت و شوکت و تسخیر
قلوب حکام و سلاطین و جمیع حاجات و مهمات از روی قواعد اعداد آیات و الواح مربعات
و منتخبات ... مولانا شیخ بهاء الدین محمد عاملی رحمة الله علیه شمه از چند انواع
جهت علو رتبت دارد یا حرمت و جاه عدد آیه وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا
نَبِيًّا وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا عددش ۲۱۷۷۵ میباشد و اسم خود ... عدد گرفته
بعد از طرح ربع گرفته در مربع بنگارد در هنگامی که قمر از نحوست خالی بود و در برج با مشتری نظر مودت
باشد با خود نگاه دارد و آیه مذکور را مداومت نماید که صاحب عزت و مرتبه شود جهت محبت
و محبوب شدن در قلوب عدد آیه فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا
فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ عددش ۱۲۳۱۸ میباشد ربع
گرفته با اسم خود و مادر خود در مربع بنگارد و با خود نگاه دارد در نظر خواص و عام گرامی گردد باید که عدد آیه
دوباره ملاحظه نماید ایضاً جهت محبت و اصلاح میان دو نفر عدد آیه وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ
عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ
يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ
وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَزَكَرِيَّا وَ
يَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا

و کلا فضلنا على العالمين و من اباتهم و ذريتهم و اخوانهم و اجتبيناهم و
هديناهم الى صراط مستقيم که عددش ۱۳۹۵۵ میباشد ز مربع بنگارد و بکرار
ورنفر باخود نگاهدارند محبت پیدا شود ایضا جهة الفت میان دو خصم که در قصد هلاک یکدیگر باشند
عدد آیه گذشته را مع عدد این آیه و مصدقا لما بين يديه من التورية و لاحل
لكم بعض الذى حرم لكم و جئتكم باية من ربكم فاتقوا الله و اطيعون ان الله
ربى و ربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم فلما احس عيسى منهم الكفر
قال من انصارى الى الله قال الحواريون نحن انصار الله امنا بالله و اشهد
بانا مسلمون ربنا امنا بما انزلت و اتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشا
هدين و مكروا و مكر الله و الله خير الماكرين اذ قال الله يا عيسى
انى متوفيك و رافعك الى و مطهرك من الذين كفروا و جاعل الذين
اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيمة ثم الى مرجعكم فاحكم بينكم
فيما كنتم فيه تختلفون فاما الذين كفروا فاعذبهم عذابا شديدا فى
الدنيا و الاخرة و ما لهم من ناصرين و اما الذين امنوا و عملوا الصا
لحات فيوفيهم اجورهم و الله لا يحب الظالمين ذلك نتلوه عليك
من الايات و الذكر الحكيم ان مثل عيسى عند الله كمثل ادم خلقه من
تراب ثم قال له كن فيكون الحق من ربك فلا تكن من الممترين فمن
حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و
ابناءكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة

الله

الله على الكاذبين ان هذا لهو القصص الحق و ما من اله الا الله و ان
الله لهو العزيز الحكيم عددش ۱۳۰۷۲ میباشد در مربع بنگارد و هر که در میان
خصمین دفن کند با هم دوستی کنند ایضا جهة قبول افتادن سخن و ظفر یافتن بر دشمن
عدد آیه لن يضروكم الا اذى و ان يقاتلوكم يولوكم الادبار ثم لا ينصرون
ضربت عليهم الذلة اينما ثقفوا الا بحبل من الله و حبل من الناس و
غضب من الله و ضربت عليهم المسكنة ذلك بانهم كانوا يكفرون
بايات الله و يقتلون الانبياء بغير حق ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون
عددش ۱۱۳۴۳ میباشد در مربع بنگارد و با خود دارد که ان شاء الله مراد حاصل شود ایضا
جهة طلب مهمات از سلاطین و حکومت و منصب و امثال اینها عدد آیه المص كتاب
انزل اليك فلا يكن فى صدرك حرج منه لتنذر به و ذكرى للمؤمنين
اتبعوا ما انزل اليكم من ربكم و لا تتبعوا من دونه اولياء
قليلا ما تذكرون که عددش ۱۰۲۳ میباشد و عدد دیگر آیه را هم با و ملحق سازد
الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور
باذن ربهم الى صراط العزيز الحميد که عددش ۵۴۱۳ میباشد اگر آن
در مربع بنگارد و در ساعت و با خود نگاهدارد بنظر سلاطین و بادشاه و حکام رود
که هر مطلب و منصب طلب نماید بعون الله تعالی باجابت مقرون شود هفتم جهة رسیدن
بمرتبه عالی نزد ملوک و عوام الناس عدد آیه مذکور در کتاب شیخ که آیه اهم يقسمون
رحمة ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم فى الحيوة الدنيا و رفعنا بعضهم فوق

آیت ۴۲۵

بحروف ۵۸۵

بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا ورحمة ربک خیر مما یجمعون
عدد ش ۱۱۶۱۸ ولی هر باره باید ملاحظه شود آنگاه در مربع بنگارد و با خود نگاه دارد هشتم جهت
زیاد دولت و رفعت و آبرو زیاد شدن وجاه وجلال ومال ومنال عدد آیه ان یطفئوا نور الله
بافواههم ویأبی الله الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون هو الذی ارسل ر
سوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین ولو کره المشرکون عدد ش ۸۲۳۸
میباشد در مربع بنگارد و با خود نگاه دارد انشاء الله مراد حاصل است نهم جهت طلب تسخیر و حب
از حکام وسلاطین عدد آیه وهو الذی جعلکم خلائف فی الارض ورفع بعضکم فوق
بعض درجات لیبلوکم فیما آتاکم ان ربک سریع العقاب وانه لغفور
رحیم عدد ش ۱۲۸۱۲ میباشد در مربع بنگارد و با خود نگاه دارد با نیک ... صاحب
سعد و عمل شود دهم جهت رفتن نزد حکام وسلاطین و روا شدن حاجات عدد آیه
رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک
سلطانا نصیرا که عدد ش ۴۳۵۱۸ میباشد در مربع نگاشته با خود نگاه دارد حاجت
روا شود انشاء الله تعالی یازدهم جهت برآمدن حاجات و مهمات در نزد ظالمان عدد آیه
فستذکرون ما اقول لکم وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
عدد ش ۳۵۶۲ میباشد در مربع بنگارد و با خود نگاه دارد مهمات و برآید دوازدهم جهت
حصول مطلب و قبول افتادن سخن و مطیع و منقاد ساختن خلق عدد آیه ان الله وملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما عدد ش ۲۸۴۱۰
میباشد و برداشته ۴۰۵۱ میباشد باید درست برسد آنگاه در مربع نگاشته با خود نگاه دارد

انشاء الله

انشاء الله مراد حاصل است سیزدهم جهت شر ظالمان عدد آیه الذین قال لهم الناس ان
الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله
ذو فضل عظیم عدد ش ۷۸۵۶ میباشد در مربع بنگارد و با خود دارد چهاردهم جهت
خوف از پادشاه و محفوظ بودن از شر و عدد آیه الذین ینفقون فی السراء والضراء
والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین والذین
اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر
الذنوب الا الله ولم یصروا علی ما فعلوا وهم یعلمون اولئک جزاؤهم مغفرة
من ربهم وجنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر العاملین
عدد ش ۳۲۲۸۳ در مربع نگاشته با خود دارد پانزدهم جهت تسخیر عوام الناس و در شرف
الشمس خاصیت زیاده بر این است عدد آیه ان ربکم الله الذی خلق السموات و
الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه
حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله
رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا
فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمة الله قریب من المحسنین
عدد ش ۲۱۵۳۲ میباشد در مربع نگاشته با خود دارد جمیع خلایق مسخر او گردند و در ذخیره
اسکندر دیده شده است شانزدهم جهت تسخیر خلایق و کثرت درهم عوام الناس و بسیار منافع
ومنافع عدد آیه الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیه بامره ولتبتغوا من

فضله ولعلکم تشکرون وسخر لکم ما فی السموات وما فی الارض جمیعا منه ان فی
ذالک لایات لقوم یتفکرون عدد ش ۱۰۲۳۷۶ میباشد در مربع نگاشته با خود دارد مراد
ش حاصل شود هفدهم بجهت عزت و تقرب نزد حکام و سلاطین و اکابر و بزرگان و مشهور و معروف
گردیدن در نظر همه خلایق عدد آیه مبارکه امن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون
کل امن بالله وملائکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله وقالوا
سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها
ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا
اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف
عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین که عدد ش
۱۹۴۷۳ میباید هر مرتبه عدد ش ملاحظه شود با عدد اسم خود ضم کرده در مربع بنگارد در ساعت
که قمر با زهره یا مشتری نظر تثلیث باشد یا سدس باشد و قمر زاید النور باشد در میان مجلس آیه مذکوره را
صد مرتبه بخواند و بخواندن [illegible] آنگاه مربع را در بازو بندد و قدرت خدا را ملاحظه کند
هیجدهم بجهت محبت عدد آیه والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی
اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر عینها
ولا تحزن وقتلت نفسا فنجیناک من الغم وفتناک فتونا عدد ش ۲۴۵۵
میباشد عدد مذکور را با اسم طالب و مطلوب عدد گرفته در روز زهره در ساعت زهره در مربع بنهد
و در بازو بندد مجرب است نوزدهم بجهت توسعه رزق و ادای دین و برطرف شدن فقر عدد آیه ومن
یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو

حسبه

حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا که عدد ش ۱۰۱۳۰۶ میباشد با عدد
اسم خود در ساعت مشتری که قمر با او بنظر تثلیث یا تسدیس باشد در مربع بنگارد و با خود دارد و مداومت
بخواندن آیه مذکوره را و [illegible] باید بغایت مجرب است بیستم بجهت توسعه رزق عدد آیه مبارکه الله
لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز ۱۲۸۷۱ میباشد در ساعت زهره یا مشتری
در مربع نگاشته با خود دارد مجرب است بیست و یکم بجهت خلاصی زندانیان عدد آیه لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذالک ننجی
المؤمنین را عدد گرفته با عدد اسم زندانی ربع گرفته در مربع بنگارد و زندانی او را با خود دارد
و زیاد ملازمت خواندن آیه مذکوره نماید که زود از زندان خلاص شود بیست و دوم بجهت محبت عدد آیه قل ان
کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ویغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم عدد
آیه ۵۷۲۶ میباشد با عدد نام طالب و مطلوب جمع کرده ربع گرفته در ساعت زهره در مربع بنگارد
و دیگری را با خود دارد و دیگری را در آب بیاویزد بنام هر که خواهد در محبت بیقرار گردد [illegible] کردم
بسیار مجرب دیدم بیست و سیم بجهت افزون شدن محبت عدد آیه یحبونهم کحب الله والذین امنوا
اشد حبا لله که عدد ش ۱۴۱۳ میباشد با عدد نام طالب و مطلوب ربع گرفته در مربع نهد
در ساعت عدد و او را بر خود بیند که مطلوب بالخاصه آرام نباشد و مفارقت او را نکند بیست و
چهارم بجهت دانستن احوال و اطلاع یافتن از مطلوب خود را در خواب دیدن عدد آیه وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا
یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین عدد ش
۱۲۴۹ میباشد [illegible] امر طلبی باشد و خواهد که از کیفیت آن مطلع بشود عدد آیه مذکوره

با عدد نام خود ربع کرفته در مربع بنکارد و در شب یکشنبه یا چهارشنبه در وقت خواب وضو کرفته و رو بقبله
در جامهٔ خواب نشیند و هفت مرتبه سوره والشمس بخواند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و مربع مذکور
در زیر سر خود کذارد و رو بقبله بخواند در جامهٔ خواب پاکیزه و تنها چون بخواب رود بفرمان خدا تعالی
موکلان این آیه شریف در خواب او بیایند و او را اعلام نمایند و مطلب و حاجت او را باو بکویند و آکاه
سازند مجرب است بیت و پنجم بجهة تحبیب جلب بی نظیر عدد آیه والف بین قلوبهم تا انه عزیز
حکیم را عدد کرفته با عدد نام طالب و مطلوب سی عدد از آن طرح کند و باقی را ربع کرفته در مربع بنکارد
و با خود دارد و قدرت خدا را ملاحظه کند عدد آیه مذکور اینست ۳۲۳۳ بیت و ششم بجهة عزت
در نظر پادشاهان عدد آیه و من شر قضاء السوء و من شر کل دابة انت اخذ بنا
صیتها ان ربی علی صراط مستقیم را عدد کرفته با عدد نام خود سی عدد از او طرح کرده
و باقی را ربع کرفته در مربع بنکارد و با خود دارد مقصود حاصل است بیت و هفتم بجهة خلاص حبس و
کذشتن از تقصیرات هزار مرتبه آیه مذکور را بخواند خلاص شود و بتجربه رسیده است بیت و هشتم
بجهة احضار بدان ایعزیز من که اکر خواهی کسی را احضار کنی باید شرایط عمل و رعایت کنی تا احضار
شود شرایطش اینست از قول زبدة العلما آقا محمد نوراء عدد این آیه را با نام طالب و مطلوب
عدد کرفته و بعد عنصر که کوکب مطلوب بعد در همان روز ساعت زهره عمل باید آیه اینست و ان کل
لما جمیع لدینا محضرون یوم تأتی السماء بدخان مبین و هو علی جمعهم
اذا یشاء قدیر عدده ۲۸۱۵ میباشد عدده مطلب و رعایت عنصر کواکب مطلوب است بدان
تا احضار شود بیت و نهم بجهة مقبول القول شدن در نزد خلایق و مطیع و منقاد شدن ایشان
و تسخیر قلوب و فرمان بردار عدد آیه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین

امنو

آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما عددش ۲۸۵ میباشد و از کتاب کشکول شیخ بهاء
الدین محمد عاملی علیه الرحمه نقل شده که هر که این عدد را کرفته و عدد نام خود را برو افزوده چون قرنا ظر
بسعدین باشد سی عدد از آن باذکواة کرفته طرح کند و باقی را ربع کرده در مربع بنکارد و بخور لبسو بانند
و یکصد مرتبه در آن مجلس بخواند و این لوح را با خود نکاهدارد و قدرت خدا را ملاحظه کند و اکر نام خود
را با نام مطلوب عدد بکیرد و عدد آیه مذکور را برو بیفزاید و در مربع بنکارد و با خود نکاه دارد در محبت
تاثیر عظیم بخشد بنحویکه مطلوب بیقرار کردد مجربات شیخ فرموده عمل در محبت بهتر از این نیست عمل سی ام
در بیان و در تسخیر خلایق و تحصیل علوم غریبه عدد آیه مبارکه الله نور السموات والارض
انا بکل شیء علیم عددش ۱۱۷۱۱ با عدد نام خود در هنکام شرف الشمس در مربع بنکارد
و با خود نکاهدارد در تحصیل علوم غریبه و تسخیر عوام الناس اثر است و در امان خدا ایمن باشند
سی و یکم خواص در حرف اعظم که خواهش از حساب بیرون است باید که در شرف الشمس این آیات را
بنویسد و با خود دارد اینست بسم الله الرحمن الرحیم یس والقرآن الحکیم تا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون و از جمله اسرار است سی و دوم بجهة دوستی میان زن و شوهر باید نام هر دو
را با عدد این آیه در مربع بنکارد یکی از آنها با خود نکاهدارند آیه اینست قال نسوة فی المدینة
تا فی ضلال مبین که عددش ۱۲۸۱۷ میباشد بسیار بسیار با تاثیر است مجرب و آزموده است
سی و سیم بجهة ترقی و علو مراتب اکر خواهد طالع شخصی را ترقی دهد نام او را بحساب جمل در آورد
و دوازده دوازده طرح کند به بیند در کدام برج است و بکدام کوکب منسوب است حروف برج و مو
کل را کرفته و حروف کوکب صاحب آن برج را کرفته و اسم کوکب را کرفته با عدد نام آن شخص
و یکجا مرتبه تضعیف کند و عدد کل را کرفته و در عنصر خودش برساند که آن شخص بیکجا مرتبه در بر مرتبه خود

ترقی دهد اگر خواهد که زود تر ترقی کند زیادتر تضعیف کند هرچه بیشتر تضعیف کند ترقی او زیاد تر شود سی و چهارم بجهت ایمن بودن از ظلم و ستم سلطان جبار و قهار و در دفع سحر و جادو و شر شیطان و کشایش و فتوحات از قول جناب میرزا محمد باقر داماد رحمة الله علیه چنین فرموده اند که عدد آیة الکرسی را ۱۱۷۶۳ است تا وهو العلی العظیم بساعت مشتری و قمر ناظر بسعد در مربع بنگارد باسم خود و چون مربع را تمام کند پنجشنبه آیة الکرسی را در همان مجلس در همان ساعت بخواند و بخور بسوزاند در هنگام نوشتن و خواندن و با احدی تکلم نکند و با وضو در مکان خلوت باشد و چون تمام شد لوح را با خود نگاه دارد و قدرت خدا تعالی را ببیند سی و پنجم بجهت منصب خواستن باید در خوشحالی خاطر در مکان خلوت رفته و با کسی سخن نگوید و صورتی بسازد از زر که شکل مخوف باشد و هر منصبی که در نظر دارد صورتی با آن هیئت بسازد مثلاً اگر بزرگی خواهد صورتی بر تخت نشاند و اگر منصب اینکه آلاتی باشد خواهد صورت را با یراق و چوب در دست او دهد و اگر مقصود دولت باشد قلمدان و کاغذ بر کمر او زند غرض هر منصبی که مقصود اوست بهمان صورت و هیئت بسازد این عدد را که ۱۸۱۴ میباشد بر پوست آهو یا حریر سفید ربع گرفته بر مربع نگارد و در شکم آن صورت نهد و آن صورت را موافق مدعا و مطلبی که دارد بنشاند و روزی یکمرتبه بر آن صورت نظر کند تا در اندک زمانی نزدیکی صاحب همان منصب شود و از غرلت و بر نشاند بیرون آید و صاحب رفعت و شوکت گردد سی و ششم اگر کسی خواهد که شخصی را ببندد نام آنکس را و مادر او را بحساب جمل در آورد و عدد مجموع آنها را با هم ضم کند و عدد بروج و ستاره سعد که زهره و مشتری باشد با او همراه کند و عدد آیات حب را با و ضم سازد و از عدد مجموع بیست یک کم سازد و باقی را در مربع رقم زند و نزدیک آتش دفن کند تا عجایب ببیند و اگر بجهت غایب باشد عدد حروف

بادی

بادی و عدد نام غایب و مادر او را در مربع نقش کند با عدد آنچه در پیش ذکر کردیم و در باد بیاویزد مجرب است سی و هفتم اگر بجهت انفصال باشد عدد حروف آبی را و عدد نام مطلوب را با نام مادر او و عدد بروج را بحساب جمل جمع کند و بیست یک با سی و چهار کم سازد و بهر مقصدی که دارد در مربع رقم زند بعدد یا بحروف و در باد سا[؟] بیاویزد و در رهگذار آب دفن کند بیکدیگر واصل شوند سی و هشتم اگر بجهت انفصال باشد عدد حروف خاکی و نام آنها که انفصال میخواهد با عدد ا ح ز ط و عدد زحل با مریخ ضم سازد و بیست یک از آن کم سازد و در مربع رقم زند بعدد حروف و در رهگذار ایشان دفن کند در میان ایشان جدائی افتد فصل دیگر در بیان حروفات عناصر اربعه که بیست و هشت حرف تهجی هفت از آن حروف آتشی اند و هفت از آن بادی و هفت دیگر آبی و هفت دیگر خاکی اما حروف آتشی مرتبه علم است و حروف بادی مرتبه قوت است و حروف آبی مرتبه رزق است و حروف خاکی مرتبه موت است و حروفات عناصر اربعه اینست که نوشته میشود ا ه ط م ف ش ذ آتشی حروف

ب و ی ن ص ت ض حروف بادی ج ز ک س ق ث ظ حروف آبی د ح ل ع ر خ غ حروف خاکی

نوع دیگر در بیان دراجابت قضای حاجت و انجاح مطالب و مهمات نقل است از مرشدان اهل دقیق که هر که حروف خود را بحساب جمل عدد بگیرد و همه را جمع کند و ببیند که از اسماء الله کدام اسم است که عدد حروف آن اسم بحساب جمل موافق با عدد اسم او است آن اسماء الله اسم اعظم او باشد چون شخص اسم اعظم خود را بیابد هر روزه بعد از نماز صبح آن اسم را بعدد بخواند و ترک نکند تا دام الحیوة ملازم وجوه آن اسم شود و چون او را مهم و مطلب پیش آید خواهد بسرعت بر آورده شود باید که سوره فاتحة الکتاب و سوره الم نشرح را بعد از آن اسم بخواند و بعد از آن همان اسم اعظم بعدد خود دوش بخواند و بعد بسجده رود و حاجت خود را از حضرت قاضی الحاجات بخواهد

که بدون اشتباه حاجت مهم او برآورده شود اگر یک اسم از اسماء الله موافق اسم او نباشد
دو اسم بجوید که عدد آن دو موافق با عدد اسم او باشد اگر دو اسم نیز موافق نیفتند سه اسم بجوید
که عدد آن هر سه اسم موافق با عدد اسم او باشد و اگر از سه اسم نیز موافق نیفتند چهار اسم بجوید
و زیاده از چهار اسم جایز نیست و بهتر است از این اسم جایزه که مذکور شد اسمی بجوید آن اسم
اعظم او باشد و هر چه از امر دنیا و آخرت خواهد از آن اسم طلب کند فصل دیگر در بیان خواص
لوح شریف رگ و رفد و آن دو مربع است یکی را لوح رگ گویند و دیگری را لوح رفد گویند و مثل این لوح
استادان در آفاق ندیده اند از جمله خواص آن دو لوح آنست که اگر در مشرق سنگی باشد
و سنگی دیگر در مغرب چون این مربع بر آن نقش کنند فی الحال آیند و سنگ بر یکدیگر رسند و اگر مربع
رگ را در میان لشکری و مربع رفد را در میان لشکر دیگر بگذارند تمام لشکر رفد میل
بجانب لشکر رگ نمایند و اگر مربع رفد را بکبوتر خانه نهند و مربع رگ را بکبوتر خانه دیگر کبوترها
رفد ببرج آنکه مربع رگ هست بیایند ایضا در خواص دیگر مربع رگ و رفد بگیرد عدد اسم طالب را
و عدد اسم و دو و ضرب کنند و عدد اسم مطلوب را در عدد اسم مطلوب ضرب کنند و حاصل الضرب را
با عدد آیه وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ
فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ راجع نمند و عدد آیه مرقوم در سوره انعام است ٣٤٥٦
نمایند حاصل را در جای بنویسد و عدد رگ را در نوزده ضرب کنند و عدد رفد را در پانزده
ضرب کنند عدد هر دو این است ٢٣٤٨ را این عدد را در عدد فوق که عدد اسمین و آیه و طالب
و مطلوب بطبع داده و دو طرح نمایند آنچه باقی ماند مربع او را بگیرد و در مربعی از پارچه حریر زرد رقم
نماید و یک مربع را با اضافه عدد رگ در خانه اول گذارد و عدد خانه اول را با اضافه رگ در خانه

دوم گذارد

دوم گذارد و عدد خانه دوم را با اضافه رفد در خانه سوم گذارد و عدد خانه سوم را با اضافه رفد در خانه
چهارم گذارد و همچنین در هر خانه ناری و هوائی عدد رگ اضافه نماید و در هر خانه آبی و خاکی عدد رفد
اضافه نماید و مربع را موافق سازد و همچنین مربع دیگر در حریر زرد رقم نماید یکی را معطر سازد در بازوی
راست بندد و دیگری را در شیشه اندازد و روغن زیت که جوشیده باشد بر سر او ریزد و بگل حکمت گرفته
و بیست دانه فلفل سفید در شیشه نهد و هر دانه یکمرتبه اسم یا ودود بخواند و شیشه را بر روی آتش گذارد
که تا روز باشد اند که مشک و شیر بیضه در شیشه افکند و این عمل را در ساعت زهره کنند و اگر قمر نظر تثلیث
بزهره داشته باشد بهتر است و حاصل ضرب رگ رفد این است ٨٢٤٥ دانسته باشی و مربع رگ

این است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

٦٣

رباعی
اعداد مربعات یکضلع را
بشنو اگر تو هست هوا تنجیع فن
مجموع بیوت را برافزای یکی
در نصف مربعات یکضلع بزن

ایضا در قواعد مربع ذو

مربع رفد این است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

٧٩

الکتابه قاعده چنان است که از روی قواعد بیوتات مربع نظم طبیعی از خانه اول شروع کنند
و بردیف بیوتات را تا آخر بنگارد و در هر خانه که عدد شش زیاد باشد بهمان قاعده
بنگارد تا وفق دهد و نمونه را از مربع ذو الکتابه را پیدا کردیم تا مبتدی فهم کند

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
٣٣١	٢٨٨	١٠٣	٦٥
٢٨٧	٣٢٨		١٠٠٤
٦٧	١٠٠٥	٢٨٦	٣٠٢٩

٦٨

ابجد	هوز	حطی	کلمن
٢٨	١٣٩	١٠١	١٧
١٣٨	٢٥		١٢
١٩	١٣	١٣٧	٢٦

مربع نظم طبیعی ٣٠ این است

١	١٤	١٠١	٨
١٢	٧	٢	١٣
٦	٩		٣
١٥	٤	٥	١٠

١٦

در بیان قواعد اعمال ۴ در ۴ حروفات مزوجات بدوح بدانکه حروفات مزوجات
را خواص بسیار است از الجمله جهة محبت چون سیاوشان آمیخته بمداد بر ورق آهو در روز جمعه که
آفتاب در برج شرف باشد یا در اوج یا بتثلیث باشد بسی زهره و مشتری و قمر خوشبوی و از بخورات بری
و ناظر بسعدین بنویسد و بخور کنند بعود و در حریر سرخ بپیچیده و بر درخت انار یا درخت میوه دار بیاویزد
ایضاً از جهة محبت این مربع را بنویسد
و نام طالب و مطلوب را در حاشیه اش بنویسد که مقصود حاصل است
و با چهل دانه فلفل و قدری روغن و روغن در ساعت مناسب در میان کاسه نهد و بر سرش را
بچیز شیرین بگیرد و در آتش کنند چون گرم شود آنکس بیقرار گردد و این عزیمه را در پشت مربع بنویسد این است
یا بططهیال ییل بجق بید ولاس واجب یا دططهیال واجب یا وططهیال بجق
دهمیوش وبجق ریغا ریمشی تقنا واجب یا حططهیال بجق حید روشی هیجوا
واعطف قلب فلان ابن فلان بمحبت فلان ابن فلان و ایضاً محبت را گویند که
مطلب حاصل است و چون آفتاب در شرف باشد مربع ۴ در ۴ بنگارد محبوب نظرها شود و در نظر
سلاطین و بزرگان محترم شود چون در ساعت زهره و مشتری نگاشته با خود دارد از زجر زبان ایمن
شود و صاحب قولنج این مربع را بآب نیمگرم بشوید و بخورد شفا یابد و چون قمر ناظر بود بمریخ و داخل
بنظر مودت باشد نوشته با خود در راه رفتن مانده نشود و خسته نگردد و قوه عظیم یابد و از شر اعدا
و مکاران در امان خدا تعالی باشد و شکل لوح مربع ۴ در ۴ و
حروفات مزوجات بدوح اینست

ح	و	د	ب
ب	د	و	ح
و		ب	د
د	ب	ح	و

ایضاً فصل دیگر در بیان خواص شکل خاتم سلیمانی ع
در عمل احضار و تحبیب و تسخیر بی نظیر است و شرح خاتم مذکور
از تعریف بیرون است بدانکه اعداد این از حروف ابجد لوح قرار داده اند به ترتیب بطریق خاتم

سلیمانی

سلیمانی و از حروف مذکور یا عدد حروف مذکور میسازند و آن متضمن بسیار فایده هاست
و در سرعت اجابت از لوح مسدس در شکل بهتر و اسرع تر است پس در وفق این لوح چهارده میشود مطابق
و هاب و عدد شش هفت است موافق اسم ابد و ساختن مسبب و هشت را بشکل که عدد حروف ابجد میشود
و در مرکز این لوح هر مدعا که خواهد میتوان نوشت که بوفق درست آید فاما این لوح همچون در اضلاع
وفق ندارد از این راهم موثق نمیدانند و این لوح مثلث است که در صورت مسدس درآمده و خاتم سلیمانی
مشهور و معروف است و لوح مذکور اینست و خانه مرکز را خالی باید داد که عدد
مدعا هر چند باشد تمام است و این لوح بسی مبارکست و صاحب وقوف است از تصرف
عدد این لوح اگر فهم تیز باشد میدانند که هر مدعا که باشد عدد آنرا در این لوح میتوان نگاشت و عدد وفقش
دوازده باشد و در عدل هشت باشد و در ساخت هان بیست و هشت بر این تاج عوض که در تصرف
در قسم این انواع چند میتوان کرد از الجمله یکی با این نوع است هر که این مثلث
را با خود دارد بشرط آنکه در ساعت مناسب قسم کرده باشد بهیبی عدد که عدد ابجد
حوز باعث برکت و حفظ بدنست و اگر در میان متاع نهد از دزدان و جمیع آفات محفوظ ماند
و در شرف جمیع کواکب رقم میتوان کرد زیرا که صاحب بیوت سبعه است و خانه مرکزش بشمس تعلق
و باقی بیوت بر باقی کواکب تعلق دارد ایضاً نوع دیگر اگر خواهند این لوح را مرقوم دارند که با وفق
۱۴ وفق او باشد اگر تقسیم جمیع بیوت وفا کند در جمیع بیوت اضافه باید کرد و اگر جمیع بیوت
وفا نکند آنرا بیکبار اضافه عدد مرکز میان باید کرد که بنگارند که وفق مدعا درست آید فرضا
عددی میخواهیم که ۵۰ وفق باشد که عدد خواهست لوح را بدین قاعده دستور باید
با آنکه بر خانه چهار یک بیفزائیم و تمام میکنیم ایضاً و اگر خواهیم که عدد و وفق ۴۹
باشد که عدد آدم است و عدد عدل ۵۰ باشد که عدد خواهست و عدد مسدس ۱۲ تا باشد هر عدد ملک

حروف مزوجات بدوح بدانکه حروف مزوجات
در بیان قواعد اعمال ۴ در ۴ حروف مزوجات بدوح که
از خواص بسیار است از الجمله جهة محبت کون سیاه و شان آمیخته بمداد بر ورق آهو در روز جمعه که
آفتاب در برج شرف باشد یا در اوج یا تثلیث باشد بسبب زهره و مشتری و قمر خوشنما و از نحوست بری
و ناظر سعدین بنویسد و بخور کند بعود و در حریر سرخ بپیچد و بر درخت انار یا درخت میوه دار بیاویزد
ایضا از جهة محبت این مربع را بنویسد
و نام طالب و مطلوب را در پنج شنبه بنویسد که مقصود حاصل است
و با چیلی پلاخه فلفل و قدری جوش و روغن در سنگ مناسب در میان گلوبه نهد و سرش را
بگیرد و در آتش کند چون گرم شود آنکس بیقرار گردد و چون عزیمت کرد ده را در شنبه مربع نویسد این است
یا بطططهیال یل بحق بیدوح ولاس واجب یاد ططهیال واجب یاد ططهیال بحق
دهمیوش بحق دیغار یمیش تقنا واجب یاحططهیال بحق حید روش هیجوا
واعطف قلب فلان ابن فلان بمحبت فلان ابن فلان و آیات محبت بخواند که
مطلب حاصل است و چون آفتاب در شرف باشد مربع ۴ در ۴ بنگارد محبوب نظر شود در نظر
سلاطین و بزرگان محترم شود چون در ساعت زهره و مشتری نگاشته با خود دارد از رنجوری ایمن
شود و صاحب قولنج این مربع را به آب گرم بشوید و بخورد شفا یابد و چون قمر ناظر به بریخ و داخل
بنظر مودت باشد نوشته با خود در راه رفتن ماندگی و خستگی نگردد و قوة عظیم یابد و از شر اعدا
و مکاران در امان خدا تعالی باشد و شکل لوح مربع ۴ در ۴ و

ح	و	د	ب
ب	د	و	ح
و		ب	د
د	ب	ح	و

حروف مزوجات بدوح اینست
ایضا قصه دیگر در بیان خواص نکاهم سلیمانی ح
در عمل اضمار و تجید و تسخیر بے نظیر است و شرح خاتم مذکور
از تعریف بیرون است بدانکه اعداد این حروف ابجد که در لوح قرار داده اند به ترتیب بطریق خاتم

سلیمانی

سلیمانی و از حروف مذکور یا عدد حروف مذکور بسیار اند و آن متضمن بسیار فایده است
و در سرعت اجابت از لوح مذکور بهتر و اسرع تر بنیت حرز و وفق این لوح چهارده میشود مطابق
و هاب که عدد شش هفت است موافق اسم ابد و ساعتش بیست و هشت میشود که عدد حروف ابجد میشود
و در مرکز این لوح هر مدعا که خواهد میتوان نوشت که بوفق درست آید فاما این لوح همچون در اضلاع
وفق ندارد اینرا هم موافق میدانند و این لوح مثلث است که در صورت مسدس در آمده و بخاتم سلیمانی
مشهور و معروف است و لوح مذکور اینست و خانه مرکز را آخر باید داد که عدد
مدعا هر چند باشد تمام است و این لوح بسی مبارک است و صاحب وقوف است از اطراف
عدد این لوح اگر فهم تیز باشد میدانند که هر مدعا که باشد عدد آنرا در این لوح میتوان نگاشت و عدد و نقش
دوازده باشد و در عدل هشت باشد و در ساعت اعداد بیست و هشت بر این نهج عوض که در اطراف
در قسم این انواع چند میتوان کرد از الجمله یکی این نوع است هر که این مثلث
را با خود دارد بشرط آنکه در ساعت مناسب قسم کرده باشد بهیچ عدد که عدد ابجد
هنوز باعث برکت و حفظ بدن است و اگر در میان متاع نهد از دزدان و جمیع آفات محفوظ ماند
و در شرف جمیع کوکب رقم میتوان کرد زیرا که صاحب بیوت سبعه است و خانه مرکزش بشمس تعلق
دارد و بیوت بر بانے کواکب تعلق دارد ایضا نوع دیگر اگر خواهند این لوح را مرقوم دارند که با وفق
۱۴ وفق او باشد اگر قسمت جمیع بیوت وفا کند در جمیع بیوت اضافه باید کرد و اگر جمیع بیوت
وفا نکند آنرا بیکبار اضافه عدد مرکز میان باید کرد که بنگارند که وفق مدعا درست آید فرضا
عددی میخواهیم که ۵ او وفق باشد که عدد خواهست لوح را بدین قاعده دستور باید
با آنکه هر خانه چهار یک بیافزائیم و تمام میکنیم ایضا و اگر خواهیم که عدد وفق ۴۰
باشد که عدد آدم است و عدد عدل ۵ ا باشد که عدد خواهست و عدد مساحت ۵ تا باشد هر عدد که

ایضاً عدد حروف نورانی صراط علی حق نمسکه ۲۹ | ۷ | ۳ | ۸ | ۱ | ۵ | ۴ | ۶ | ۲ | ۵ عدد

حروف نورانی ۶۹۳ زکواة ۳۰ باقی بعد از طرح ۶۶۳ ربعش ۱۶۵ کسرش ۳

درخانه پنجم اضافه کند ۳+۱۶۵=۴ ۶۶۳:۴ = ۳۰ — ۶۹۳ ایضاً عدد

سبع المثانی با بسم الله ۱۰۱۳۴۷ زکوتش ۲۰۲۴۰ باقی بعد از طرح زکواة ۸۱۰۷

شانزده یک ۵۰۶ کسرش ۱۱ درخانه پنج از مربع دهم افزاید ایضاً در بیان اعداد و قواعد مربع ۱۶ در ۱۶ و عدد اوهست ۱۱+۵۰۶=۸۱۰۷÷۱۶=۲۰۲۴۰ — ۱۰۱۳۴۷

و چون لوح ۱۰۶ در ۱۰۶ ابنگاری در چهار گوشه خارج لوح بنویس این عزیمة که چهار اسم الله هست

یا حنان یا منان یا دیان یا برهان طریقه نگارش برفتار مربع چهار در چهار رفتیم

و هر مربع دوری چهار خانه که دور اول از مربع اول رفتیم تا مربع شانزده و دور ثانی از مربع شانزده

بالا آمدیم تا مربع اول چون بمربع پنجم رسیدیم که اول مربع دور از دهم خوانند و در خانه پنجم که دور از دهم

مربع باشند یک اضافه کردیم بجهة آنکه یازده عدد کسر زیاد بود و دور ثالث هم از اول مربع بر بنویم تا

مربع شانزده آمدیم و دور رابع از شانزده بر بنویم تا اول تمام شد ایضاً فی تسخیر القلوب تاخذ

شیئاً من دقیق العشیر و تخبز منه قرص واحد ثم یقطع اثنا عشر و اکتب علی کل قطعه

منها اسماء واحد من هذه الاسماء فی اللوح اینست

ثم اطعمها کلباً واحد و هذه الاسماء المذکوره رقم فی اللوح

مد اودد	وا ق عق	هو د کمد	ما دوابه
سبع دابح	هلسلح من ودن	سا صده	صلح ع
هود سعه	هوح	هوح یح	هه مدوا

فی تسخیر القلوب مجربه الظهور بنفس خاصة لا شک

فیه یقال اذا اردت ان تاخذ الی دجاجة و اذبحها و اخرج

ما فی قلبها و اکتب هذه الرقیه فی قطعة کاغذ و قرطبع و اجعله فی قلب الدجاجة و اعطی الطیر ثم لف

کرباساً جدیداً و دفنها تحت اسفکة الباب ساطر من فوقه او حیث بر به اینست بحق سلطع بسم

از اینجا مجربات
دفع آیات قرآنی

وبه نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلاة والسلام علی
خیر خلقه محمد وآله اجمعین اما بعد این نسخهای معتبره مجربه از کتاب منتخب
المکتوم نوشتم که ان شاء الله تعالی عند الحاجة مجربه باشد برای محتاجان برادران دینی اثنا عشری
که هر گاه بجهت مطالب شرعی با شرایط عارفین بعمل بیاورند بمدعا و مطالب خود شان خواهند رسید
بعون الله تعالی مطلب اول ختم مبارک بسم الله الرحمن الرحیم از برای هر مطلب در یک مجلس هفتصد و هشتاد
و شش بار این آیه را بخواند بعد از اتمام بهمین عدد صلوات بفرستد دوم بجهت هر مهمی دوازده
هزار بار بخواند در رکعت نماز حاجت بخواند بعد از حمد هر سوره که بخواند مقرر نماید بزودی کفایت
خواهد شد ان شاء الله تعالی سیم از بزرگان و مشایخ منقول است که هر که در بلیه و ورطه گرفتار شود و راه
نجات بر او بسته شود نوزده مرتبه بگوید بعد از هر نماز و نجاة منك یا سیدی الکریم
و نجاة و خلصنا بحق بسم الله الرحمن الرحیم و اگر در یک مجلس هفتصد و هشتاد و
شش بار بخواند همین کلمات بعد الحمد و اتم خواهد بود چهارم بجهت خلاص از دست ظالم و خلوص
مهمات و حاصل مقصود در خلوه هفتاد و سه مرتبه این کلمات را رو بقبله با طهارت بخواند و بعد

در دوازده یوم
هر روز هزار مرتبه بخواند
بلا شک هر مطلب که آورده
بسم الله الرحمن الرحیم
بحق بسم الله الرحمن الرحیم
ابتدا از شب جمعه
تا شب جمعه پانزدهم شصت صد
مرتبه بخواند جهت هر مهم که آورده

وبه نستعین

ازلیفی مجربات
لدفع آیات قرآنی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلاة والسلام علی
خیر خلقه محمد وآله اجمعین اما بعد این نسخهای معتبره مجربه از کتاب منتخب
المکتوم نوشتم که ان شاء الله تعالی عند الحاجة حجت باشد برای محتاجان برادران دینی اثنا عشری
که هرگاه جهت مطالب شرعی با شرایط عارفین بعمل بیاورند بمدعا و مطالب خود شان خواهند رسید
بعون الله تعالی اول بطریق ختم مبارک بسم الله الرحمن الرحیم از برای هر مطلب در یک مجلس هفتصد هشتاد
شش بار این آیه بخواند بعد از اتمام بهمین عدد صلواة بفرستد دوم جهت هر مطلب دوازده
هزار بار بخواند در رکعت نماز حاجت که اند بعد از حمد هر سوره که بخواند ضرر ندارد بزودی کفایت
خواهد شد ان شاء الله تعالی سیم از بزرگان و مشایخ منقول است که هر که در بلیه و ورطه گرفتار شود و راه
نجات برا و مسدود شود نوزده مرتبه بگوید بعد از هر نماز و نجاة منك یا سید الکریم
ونجاة وخلصنا بحق بسم الله الرحمن الرحیم واگر در یک مجلس هفتصد هشتاد و
شش بار بخواند همین کلمات بعد الحمد و اتمام خواهد بود چهارم جهت خلاصی از دست ظالم و خلوص
مهمات و حاصل مقصود در خلوت هفتاد و سه مرتبه این کلمات را رو بقبله با طهارت بخواند و بعد

در دوازده یوم
هر روز هزار مرتبه بخواند
بلاشک هر مطلب که آورده
بسم الله الرحمن الرحیم
بحق بسم الله الرحمن الرحیم
۴
ابتدا از شب جمعه
تا شب جمعه پانزدهم شب صد
مرتبه بخواند هر مهمی که آورده

و بعد از اتمام سه مرتبه صلواة بر محمد و آله او بفرستد و بعد حاجت خود را بخواهد انشاء الله بر آورده است
پنجم ختم بجهة هلاک ظالم بخواهد هزار بار بسمله و هزار بار الحمد لله و هزار بار لا اله الا الله محمد
رسول الله و هزار بار صلواة و بعد از هر هزار بار بر ظالم نفرین کند البته ظالم هلاک شود یا مخذول
و منکوب او شود و مداومت باین آیه موجب فراخی روزی و صفای قلب است ششم ختم سوره فاتحه
الکتاب چنانچه مرحوم مجلسی علیه الرحمه و جمعی دیگر از علما متعرض شده اند و بتجربه رسیده است
که ابتدای ختم از روز جمعه شود و بهترین ساعات بعد از نماز صبح صحیح است و قبل از صبح شروع کند و بعد از
نافله و فریضه صبح و تسبیح حضرت فاطمه زهرا یکصد مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل
حال و یکصد مرتبه صلواة بفرستد و با کسی توجه ننماید و سخن نگوید تا ذکر را تمام کند هفتم ختم مجرب است
و استدامت آن شروع نماید باین نحو که چهل یکمرتبه سوره مبارکه حمد را تمام بخواند به نحوی که غلط نشود
و بعد از اتمام بلا فاصله سیزده مرتبه این دعا را بخواند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب
سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا مدبر دبر یا متمم تمم برحمتک
یا ارحم الراحمین و در مدة چهل روز هر روز چهل یکنوبت در همان وقت و همان مکان
بخواند البته هرگاه در وقت یا مکان یا عدد اختلاف بهم رسد ختم از سر باید بگیرد و الله بفضل
الله تعالی در هفته اول اثر آن ظاهر گردد و چون مطلب بعمل آمد هر چند که در کمال خطر بهم رسد باید ختم را
در چهل یکروز تمام کند و در نسخه دیگر بنظر رسیده است که آیه بسمله را با الم الحمد وصل نماید و در
نسخ معتبره بدون شرط و قیدی مسطور است باین نحو که مدة چهل یکروز هر روز چهل یکمرتبه

بعد از

بعد از نماز صبح بخواند و آن دعا را نیز بهمان نحو بخواند خداوند او را غنی گرداند و قرض او را از خزانه
کرم خود ادا نماید هشتم بجهة بر آمدن حاجات است که هر روز یکصد مرتبه فاتحه را باین نحو بخواند جمیع
حوایج کلی و جزئی او را بر آورد خداوند تبارک و تعالی بعد از نماز صبح بیست و یکمرتبه و بعد از نماز
ظهر بیست و دو مرتبه و بعد از نماز عصر بیست و سه مرتبه و بعد از نماز مغرب بیست و چهار مرتبه
و بعد از نماز عشا ده مرتبه و اگر در هفته اول تاخیر واقع شود هفته دوم بخواند که مجرب است و از بعض
و در بعضی نسخه دیگر بنظر رسیده است که ابتدا از روز پنجشنبه باید و در همه جا اظهار مطلب
نماید یکی در میان ایاک نعبد و ایاک نستعین و یکی در الرحمن الرحیم و از بعضی
مشایخ منقول است که بجهة خوف از سلطان یا از ظالم یازده بار بگوید یا مالک یوم الدین
و ایاک نستعین از آن شخص ضرری و آسیبی بوی نرسد اگر قاطع الطریق و یا سباعی در راه
بر او گیرد بعدد مذکور بخواند خلاص شود و بکرات تجربه شده و بصحت پیوسته است نهم ختم
سوره مبارکه قل هو الله از جمله ختوم مجربه معتبره که سر آمد همه ختمها است از برای هر حاجت
و مهم و مرادی مناسب است اما باید اول غسل کند و لباس پاکیزه بپوشد و در مکان خلوتی رفته
و با کسی تکلم نکند و انگشتر عقیق سرخ یا فیروزه در دست باید و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد از
حمد هر سوره که خواهد بخواند و بعد از نماز هفت مرتبه سوره حمد را بخواند و صد بار صلواة بفرستد
و هفتاد و نه بار سوره الم نشرح بخواند و بعد از آن هزار یکمرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند
و صد بار صلواة بفرستد و هفت بار زحمت را بخواند و سر را بسجده بگذارد و مطلب را از خداوند

بخواهد که باجابت مقرون است و بعضی گفته اند که در وقت خواندن بو بخورش بخور کنند و ابتدای
از روز پنجشنبه کنند و جمعه هم خوب است و اگر روز پنجشنبه روزه بدارد اولی است و در بعضی کتب وارد است
که در وقت بجا آوردن این عمل قل یا ایها النور باشد بهتر است و هیچ شکی در اجابت این عمل نیست دهم بجهت
هر حاجت از ثقات مرویست که مدت هفت روز بعد از نماز صبح صد بار سوره توحید را بخواند بدون تکلم با
خضوع و خشوع اگر در هفته تمام نشده مطلب روا گردد یازدهم به تجربه رسیده است که مدت دوازده روز
هر روز سی مرتبه سوره توحید را بخواند بعد بگو که الله الصمد را هزار مرتبه تکرار کند و هر روز بعد از
اتمام عمل یکبار آیه نور را با آیه آخر سوره انا فتحنا لک فتحا مبینا که اول آن آیه اذا اشداء علی
الکفار است تا آخر سوره بخواند در مکان خلوت و رو بقبله انشاء الله مراد حاصل گردد دوازدهم مرویست
که ختم سوره توحید در مدت چهل روز هر روز چهل یکبار بخواند بعد از آن سیزده بار دعای یا مفتح الفتح
را تا به آخر که در کیفیت سوره حمد مذکور شد بخواند حاجات دنیویه و اخرویه او بر آورده شود
سیزدهم بجهت غلبه نمودن بر اعدا اول شب ۳ بار سوره توحید را بخواند بعد بگوید یا هو یا من لا هو
الا هو اغفر لی وانصرنی علی القوم الکافرین هر چه بیشتر تکرار کند اثر شی بیشتر است مجرب
و آزموده است چهاردهم ایضا شرح سوره توحید بدانکه جهت استخراج است در روشن است و از حضرت
امیر المؤمنین ع مرویست که اکابر دین فرموده اند که هر کس این استخراج را بنویسد از برای فتنه آخر الزمان
و شر ظالمان و سحر ساحران از جهت فتح مهمات دنیا و رفع بلیات شهور سال به برکت این استخراج محفوظ
باشد انشاء الله و اگر به نیت فرزند باخود دارد حق سبحانه و تعالی او را فرزند کرامت کند و هر جای

که این

که این استخراج باشد دزد و حرامی بدان خانه کار نکنند و از برای روشنائی چشم بستاند خوب است
اگر شک آورد کار گردد و خواص این استخراج بسیار است اما مختصر کردیم که خوانندگان ملول نگردد

بسم الله الرحمن الرحیم

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

بجهت هر حاجتی و هر مطلب مجرب است و حقیر تجربه نموده ام دو رکعت نماز بجا بیاورد و بعد از حمد در هر رکعت
۳ نوبت این آیه را بخواند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی
العزیز و بعد سلام دهد یا الله و صد و بیست و نه مرتبه این اسم را بگوید یا لطیف

و بعد السجده رود و حاجت خود را از خدا بخواهد که ان شاء الله بر آورده شود تا سه روز صبر کند اگر با خیر
در حاجت شود باز دو رکعت نماز بهمان طریق بکند و اسم مذکور را نهصد و سه مرتبه بخواند مجرب است
پانزدهم جهة آوارگی دشمن بگیرد مشت خاک از خرابه کهنه و مشتی از مسجد خرابه و مشتی از قبرستان خرابه و مشتی
از چهار راه پس خاکها را مخلوط هم کرده و هفت بار سوره الم تر کیف را بر آنها بخواند و بدمد و در وقت خفتن در خانه
دشمن بپاشد ویران شود و صاحبش پریشان گردد و هلاک شود از مجربات است شانزدهم یازده دانه
ریگ از یازده قبر بردارد و بهر یکی یک مرتبه سوره تبت یدا بخواند و بدمد و در خانه دشمن بپاشد اما مستحق آن
بخصومت که در وقت هفدهم جهة دشمن اگر سوره اذا زلزلت هفتاد مرتبه بر تخم خشخاش بخواند و بدمد
و بخانه دشمن بپاشد و اگر تاثیر نکند دفعه دیگر چهل بار بخواند بر یک مشت تخم خشخاش و بر خانه دشمن بپاشد مجرب است
هجدهم جهة هلاکت دشمن از قبر کهنه مشتی خاک از دست چپ بردارد و هفتاد مرتبه این آیه را بر آن خاک
بخواند و بدمد و در خانه دشمن بپاشد و در میان بر مشتی خاک پشت بقبر باید و بیاید و در خانه دشمن بریزد
ان شاء الله دشمن هلاک شود صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ
لِبَعْضٍ إِلَّا الْمُتَّقِينَ نوزدهم جهة غلبه بر خصم بعد از نماز صبح سیصد و شصت بار بهمه روزه
بخواند به نیت دشمن یا قهار بسیار مجرب است بیستم جهة دفع دشمن و دفع هم و غم
و صحت بیماران و خلاصی از زندان و نجات از دست ظالمان و دشمنان این آیه را هفتصد و

سه مرتبه

عدد این آیه ۲۳۷۵

سه مرتبه بخواند مجرب و آزموده است لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
بیست و یکم ختم اسم مبارک که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و راوی گوید این ختم را از برای مطلبی مداومت
کردم چهار روز بسر نگذشته که مطلب روا شد و از برای هر مطلب مشروع در مسجد یا در مکان خلوة
دوازده هزار بار بگوید یا علی الکبیر مراد برسد و این کلمه اسم اعظم خداوند است و مردم غفلت
دارند از این اسم بسیار مجرب است بیست و دوم جهة قضای حاجات و نجات از شر اشرار و شداید
امور پانصد و چهل و پنج مرتبه این اسم را بخواند که از جمله مجربات است و حضرت رسول صلعم در
وقت دشوار این اسم را میخواندند یا رَؤُوفُ یا رَحِيمُ بیست و سیم ختم استغفار در مهج
الدعوات مذکور است که هر گاه کسی را اندوه و شدتی روی دهد باید که هزار بار این استغفار را بگوید
۲۲۴۱
رفع آن مهم شود از مجربات است أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بیست و چهارم از جهت
خوف از دشمن و هر مطلب شرعی که بخواهد مجرب و آزموده است رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ
بیست و پنجم ختم ما شاء الله هر که جهة حصول دولت و غنی شدن و توفیق حج هزار مرتبه بگوید
۱۱۳۷
مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بدولت حج موفق گردد بیست و ششم از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که فرمودند تعجب دارم از کسیکه اراده مال و متاع دنیا داشته باشد چرا
پناه نبرد این کلمه مبارکه نبرد و عدد او یکهزار و چهل و شش است هر که در چهل روز هر روز بعدد
مذکور بخواند آنچه بخواهد بیابد ان شاء الله تعالی ۲۰۷ از جهة هر حاجت مشروعه این اسم را

سی و هشتم صد و شانزده مرتبه با وضو و رو بقبله در خلوت با حضور قلب بخواند یا حیّ یا قیوم

از جمله مجربات شمرده اند سی و نهم از جهت هر حاجت که در هر وقت اتفاق افتد نماز خضر کرده باشد

دو رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد از سلام بلا فاصله با حضور قلب روی را بر خاک نهد

و است بگذارد دو صد بار بگوید یا علی ادرکنی تا دوازده روز بشرط آنکه در یکوقت باشد

هرگاه تغییر در وقت بهم رسد عمل باطل شود ان شاء الله مجرب است چهلم نماز است از برای قضای

حوایج که پاینده شده بصلوة المضطر نامیده است و موجب فرج و گشایش بی اندازه است

و طریقه آن اینست که چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در رکعت اول بگوید استغفر الله

و اتوب الیه هنوز سر از سجده بر نداشته باشد که حاجتش روا شود ان شاء الله تعالی چهل و یکم

بروایتی از اهل بیت علیهم السلام هر که دو رکعت نماز بگذارد در جائی که کسی او را نه بیند در شب دراز در

و در هر رکعتی بعد از حمد آیة الکرسی یکبار بخواند یا علی العظیم و چون از نماز فارغ شده باشد و سر برهنه

کند و دستها را بآسمان بلند کند و خود را در گریه اندازد و سوره مبارکه یس را بخواند

چون به کن فیکون برسد سجده کند و در سجده بگوید فسبحان الذی بیده ملکوت کل

شیء و الیه ترجعون و بعد از آن حاجت خود را از خدا بخواهد هنوز سر از سجده بر نداشته

باشد که حاجتش روا شود ان شاء الله تعالی چهل و دوم جهت قضای حوایج روز پنجشنبه چهار رکعت نماز بگذارد بدو

سلام در رکعت اول بعد از حمد یازده بار سوره اخلاص را بخواند و در رکعت دوم دوازده

بار و در رکعت سیم سیزده بار و در رکعت چهارم چهارده بار بخواند و بعد از سلام پنجاه یکبار

بخواند

نماز یونس علیه السلام
از جهت هر حاجت و مهمی دو رکعت
نماز بخواند در هر رکعتی بعد از حمد سوره
انا انزلناه را بخواند و بعد بگوید استغفر الله
و اتوب الیه یازده مرتبه و بعد در رکوع
و ذکر رکوع بگوید ده مرتبه همین استغفار
بگوید و راست شود یازده مرتبه بخواند استغفار
برود بسجود و بعد از ذکر سجده باز یازده مرتبه
همین استغفار را بگوید و سر بردارد یازده مرتبه
بگو همین استغفار را و باز برود بسجود و ذکر
سجده را بخواند و یازده مرتبه همین
استغفار را بگوید و سر بردارد باز همین استغفار
را بگوید و برخیزد در رکعت دوم را همین نوع تمام
کند و قنوت این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
اللّهم انّ یونس ابن متّی عبدک
و نبیّک دعاک فی بطن الحوت
فاستجبت له و انا عبدک ادعوک
فاستجب لی بحقّک یا ارحم الراحمین

بخواند سوره اخلاص را بخواند و پنجاه یکبار صلوات بفرستد بعد از آن سجده کند و در سجده بگوید

یا الله بعد حاجت خود را از باری تعالی بخواهد که از مجربات و از مهمات است چهل و سیم از جهت قضای حاجات از

مقوله غوث و وراثت با آنکه ببلائی گرفتار باشد از قبیل فقر و فاقه و حبس و ناخوشی جسمانی یا روحانی

شب جمعه در ثلث آخر شب برخیزد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد از حمد هر سوره

که بخواهد و صد بار صلوات بفرستد و بعد از آن هزار یکبار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و باز صد بار

صلوات بفرستد و مطلب خود را از خدا بخواهد و این عمل را در سه شب جمعه بجا آورد که تخلف ندارد

و بارها به تجربه رسیده است چهل و چهارم از جهت مطلب کلیه شب جمعه غسل کند و دو رکعت نماز حاجت کند و صد

مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن بحضور قلب این دعا را یکصد و یکبار یازده بار بخواند که البته مطلب

حاصل است و به تجربه رسیده است بسم الله الرحمن الرحیم یا من لیس فی السّموات العلی

الی منتهی قرار تخوم الارضین السفلی غیاث لا احد عنده شیء نزلت به

غیرک یا الله فرّج ما بنا و انجح طلبتنا فانّک اعرف بحاجاتنا یا ارحم الراحمین

و بعضی از علما گفته اند این دعا را از جهت دفع شداید و بلاها و بیماریها در یک مجلس چهارده نفر

هر یک یکصد و یازده بار بخوانند که مجموع هزار و پانصد و پنجاه و چهار میشود از برای دفع فقر و

فاقه و رفع عسرت و محنت و تنگدستی و برطرف شدن ضیق و بینوائی و زیادتی دولت

و بهم رسیدن وسعت و نیستی اعدا و هلاکت ظالم و اهل ستم و غیر ذلک بسیار مجرب است

چهل و پنجم بعضی علما در شرح این روایت گفته اند که جهت حاجت نیمه شب جمعه برخیزد و دو رکعت

نماز بگذارد و بعد از نماز هزار بار بگوید یا مجیب یعنی اجابت کننده پس آنرا که خواهد
البته که مقصود او بحصول آید سی و چهارم بجهت قضای حاجات و انجام مهمات در مدت
دوازده روز هر روز وقتی که ساعتی از روز بر آمده باشد در گوشه خلوت دوازده رکعت
نماز بگذارد به نیت حاجت و هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد دوازده بار
سوره توحید بخواند و بعد از سلام هزار و دویست مرتبه بگوید یا بدیع العجایب با
لخیر ارحمنی و مکرر اتفاق افتاده که در همان روز اول مطلب بر آورده شده و باید ایا
راهم بعمل بیاورد سی و پنجم از جهت قضای حوائج اول دو رکعت نماز حاجت کند و بعد
از نماز رو بقبله هزار سیصد و نود و چهار بار بگوید لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین بی شک مطلب حاصل گردد سی و ششم از برای قضای حوائج دو
دو رکعت نماز کند در یک مجلس هزار بار بگوید کهیعص اکفنی حمعسق
احمنی سبحان القادر القاهر الکافی و در این خصوص هم اوحانی تجربه
شده است سی و هفتم هر که نصف شب برخیزد و دو رکعت نماز حاجت کند و سر دارد
و سیصد نه مرتبه ما شاء الله بگوید و از خدا مراد بخواهد بر آورده شود سی و هشتم از اسرار
مکتومه است بجهت هر حاجت بعد از نماز صبح دو رکعت نماز حاجت بگذارد و مطلب را
در دل قصد کند و قنوت و رکوع و سجود را طولانی و بعد از سلام سجده کند و صد

بار بگوید

بار بگوید یا مولاتی یا فاطمة اغثنی و بعد صورت راست را بگذارد و دو صد بار همین کلمه را
بگوید و بعد صورت چپ را بگذارد و صد بار بگوید و بعد از آن پیشانی را بگذارد و صد و ده
بار دیگر همین ذکر را بگوید و بعد از آن برخیزد و در جای خلوت سر و پا برهنه باید کردن والحاح کند
و صد مرتبه بگوید یا وهاب و حاجت خود را از خداوند بخواهد یقینا بر آورده شود و این از
مجربات است و خود مولف گفته که خودم تجربه کرده ام و قسم یاد کرده که هنوز تمام نشده اثر اجابت
ظاهر شد سی و نهم بجهت قضای دین دو رکعت نماز بگذارد و بعد از حمد آیه قل اللهم مالک
الملک سه بار بخواند و این کلمات را بگوید یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما تعطی من
تشاء و تمنع منها من تشاء صل علی محمد و آل محمد و اقض عنی دینی
و آن دین بزودی ادا شود و از مجربات است ۴۰ از جهت وسعت رزق و انواع فتوح و دفع
فقر این نماز سریع الاثر است و مجرب است و از حضرت رسول صلعم مرویست که هر که پیش از نماز
بامداد دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول هفت بار سوره حمد و یکبار سوره جحد و در رکعت
دوم حمد یکبار و سوره توحید یکبار بخواند و بعد از سلام تسبیحات اربعه ده بار و صلوات ده بار
بفرستد و ده مرتبه بگوید یا غیاث المستغیثین اغثنی هر حاجت که دارد از حق
تعالی طلب نماید البته روا شود مجرب و آزموده است بلاشک ۴۱ بجهت دفع فقر و پریشانی
درویشی از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که در شبانه روز صد بار این دعا بخواند
البته غنی گردد به تجربه رسیده است بسم الله الرحمن الرحیم یا کثیر الخیر یا ذا المعروف
یا قدیم الاحسان احسن الینا باحسانک القدیم برحمتک یا ارحم الراحمین

ما ٢٠١ از جهت فرج یافتن از هر بلیه که مداومت نماید بخیر دعا بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلك یا رب الفتح والفرج یا الاه الفتح والفرج یا رب الفتح والفرج

یا مجمل الفتح والفرج یا مهل الفتح والفرج یا فتاح الفتح والفرج یا مفتاح الفتح والفرج

یا فاتح الفتح والفرج یا غنی الفتح والفرج یا دائم الفتح والفرج یا قادر الفتح والفرج

یا رازق الفتح والفرج یا خالق الفتح والفرج یا الله الفتح والفرج یا رحمن الفتح والفرج

یا رحیم الفتح والفرج یا عظیم الفتح والفرج یا صاحب الفتح والفرج یا سابق الفتح والفر

ج برحمتك یا ارحم الراحمین والسلم تسلیما کثیرا کثیرا ایضاً در عمل قرطاس اذا

اردت ان تجعل القرطاس درهما تغتسل یوم الجمعة والبس ثیابا طاهرا نظیفا وانت فی

ذالك الیوم صائم والصلی رکعتین فی موضع خال ثم تقطع مقدار ما ترید کاغذ علی سکة سلطان

فیکون شفع لا وتر ثم اقرء علیهم ثلث مرات سورة الاخلاص معکوسه کما تری عند طلوع ا

لشمس وتنفث علیه ثم یقول ویجی الی بیته ثم یمشی الی المکان المذکور یحصل مقصود باذن الله

بسم الله الرحمن الرحیم دهو عده احد کفوا له ولم یکن ولم یولد لم یلد الصمد الله

احد الله هو قل ایضاً جهت مهمات و المقاصد من کتب سلام قولا من رب رحیم

علی هذه الشکل فی لوح المربع اذا کان الشمس فی برج الشرف وجعلها معه حفظه الله من حرق

النار وحرق الماء وسم الحیة والعقارب وشر الحشرات وآفة الصرع والجنون

واعمال السحر والطلسمات ولو حمل هذا علی الی ملیستر وضع حمله ولو ربط علی الکودك

وعقد علی عمود المهد حفظه الله تعالی من جمیع الآفات والاهات والبلیات وسلم الله تعالی

حامله وحفظه من شر الشیطان وظلم السلطان وهی هذا ایضاً

سلام ١٣١	قولا ١٣٧	من رب ٢٩٢	رحیم ٢٥٨
[illegible]	[illegible]	١٣٢	[illegible]
[illegible]	[illegible]		[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ایضاً روی عن علی علیه السلام انه قال من کتب قل هو الله احد

علی هذا الطریق وجعلها معه یکون منجی من جمیع الآفات والبلیات

وتقضی جمیع حوائجه فی الدنیا والاخرة ومحفوظا من شر الجن وان

اراد حاجة تقضی ببرکة هذه السورة الشریفه علی هذا الطریقه

ویکون محفوظا من جمیع الامراض والسحر والسموم ومن شر الجن والانس والعرق ونجل البصر

والحرق والغرق والبرق والسرق

وکلهم اجمعین هذا اللوح الشریف

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

ایضاً روی ان رجلا حمل الی

البعض الملوك فامر بضرب عنقه

فاخبر علی مولانا جعفر ابن محمد فرای

اثر الجزع والحزن علیه فدفع

الیه رقعه وقال جیبك فلما

مثل بین یدی خلیفة فلم یستط

مرتفع السیف فی یده فعند ذالك قال الخلیفه فتشوه فوجد وامعه رقعة فیها هذه .

الاسماء وامر باطلاقه واعطاه الف درهم هذه اه امس داه ی لا ادری ای

اصاعو عو دالی سدی ک ال اه ری ل بال رح دال رح ی م ایضاً از

جهت عقد لسان نسخة قویه مجربه تعقد اللسان وتزرع المحبة فی القلب قال المصنف

بسم الله المبارك هو الخالق السموات والارض ورب الملائكة اجمعين وباسم جبرئيل وميكائيل
واسرافيل وعزرائيل وباسماء الملائكة وباسماء الانبياء والمرسلين وباسم محمد صلعم واسماء
اوصيائه محمد صلى الله عليه وآله وسلم وعليهم اجمعين ىلعصسلعطىلىلىحا فلسا
هىلعلىلىلعلىهحلى عقدت لسان فلان ابن فلانة على فلان ابن فلانة حتى
لا يتكلم ولا يقول كلاما بلسانه الا الخير والكلام الطيب حسبى الله ونعم الوكيل نعم
المولى ونعم النصير الله لا شريك له فى الارض ولا فى السماء وهو السميع العليم حرز نسخه
فى محافظة من شر السلطان والاشرار والاعداء وهى نسخه عجيبه تدفن فى الارض وتوضع
عليها مثقلة وهى بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وحده وبالله استعين عليك
يا فلان ابن فلانة خرجت بين عينيك وشربت بين قدميك عقدت لسانك من فلان
ابن فلانة وعقدت قلبك على محبته بخاتم سليمان ابن داود وعصى موسى عليهما
السلام ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم حسبى الله وكفى سمع الله لمن دعا
ليس وراء الله منتهى وافوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد فوقيه سيئات
ما مكروا وحاق بآل فرعون سوء العذاب لا اله الا انت سبحانك انى كنت
من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذالك ننجى المؤمنين سيم فى المحافظه
من غضب الناس يكتب ويدفن ويكتب على فى العقد فلما سكت عن موسى ا
لغضب اخذ الالواح وفى نسختها هدى ورحمة للذين هم لربهم يرهبون
وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا اللهم سكت وسد لسان
جميع العالمين على من علق عليه هذا الكتاب عامة وعلى فلان ابن فلانة

لسان

لسان فلان ابن فلانة خاصة صم بكم عمى فهم لا يعقلون ولا يسمعون ولا يبصرون
ولا يتكلمون ويكتب هذا الشكل سبعا جهارم فى الحفظ عن غضب الناس وهو نسخة
هندية يكتب فيطرح فى الماء مجرب فلتيا كى والغل تفكل مكافل پنجم فى عقد اللسان
خذ خيطا واعقد عليه سبع عقد واقرأ عند كل عقدة يا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا وانفث فيها كل مرة ثم اجعلها
فى قارورة وسد راس القارورة وادفنها فى الارض فان لسان الذى عقدته
ينعقد فى الحال الا انك تحتاج الى الصوم ثلثة ايام ششم فى الحفظ من خيالات الاعداء و
كيد لسانه وشريره وآفته وقصده من كتاب سر المكتوم قال سقراط اكتب هذه الاسماء
الخمسه على الرق واحفظ معك او علق على العضد لك فانه ينسيك كل من قصدك
٣ ٤ و ه ع ه ے ف ا ل ع م ٤ ح هفتم يسمى عقد القلب يوخذ قلب
شاة صحاحا طريا وتكتب هذه العزيمة على قرطاس بمسك وزعفران باسم من شئت
وامه ثم يشق القلب بنصفين من غير ان يفرق بينهما من النصفين ويضع المكتوب فيما بين
القلب وتغرز فيه ابر فولاد يمينه ويسرة ثم تشد بخيط وتجعله فى بستوقه وتصب عليه
شيئا من النفط والخمر والملح وبرادة الحديد وتدفن فى النار وهى بسم الله بشم دل فلان
بنت فلانة من كرشام كے نزد و دن كتايا د وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه
وفى آذانهم وقرا ومن الناس من يتخذ من دون الله اندادا ومن دون الله
يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله والقيت عليك محبة منى ولتصنع
على عينى اذ تمشى اختك فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك كى

تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا وقال
نسوة في المدينة امراة العزيز تراود فتيها عن نفسه قد شغفها حبا انا لنريها
في ضلال مبين العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة ايضا
ختم في المحبة خذ ثلث قطاع خرف لم يصبه ماء ولا شئ واكتب على كل واحدة منها هذه ا
لرقية ثم اطرحها في نهر جار نحو القبلة المكتوب هذا زين للناس حب الشهوات من النساء
والبنين والقناطير المقنطرة من الذهب والفضة والخيل المسومة والانعام حسبي الله العظيم
حسبي الله نعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير ختمت باسم فلان ابن فلانة على حب فلان ابن فلانة ايضا ٩
ويسمى عقد القلب وعقد اللسان وعقد العين وعقد الصدر وعقد اليد تكتب على موضع نظيف
ثم تغسله بماء ويسقيه من تريد لو انزلنا هذا القران على جبل لرايته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم على
من يكفله فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجيناك من الغم و
فتناك فتونا اخذت عينك بافلان ابن فلانة واخذت لسانك فلا يتكلم الا معه و
اخذت ظهرك وصدرك وفؤادك وبدنك ويدك وجنبك بسم الله الاكبر وباسم ام
يونس يحي التورية والانجيل والزبور والفرقان ايضا في العشق والمحبة تقرء هذا على الماء
وتسقي ويرش به وجهه او على اصل ريحانة وتناول ليشمه ومن الناس من
يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله والقيت عليك محبة مني ولتصنع
على عيني اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك كي تقر

عينها

عينها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا الله لا اله الا هو
الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا
الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو
العلي العظيم بازدهم في المحبة والالفة يكتب بالزعفران على شئ ويغسل منه ويناول
في الطعام والشراب ان الله يامر بالعدل والاحسان وايتاء ذي القربى وينهى عن
الفحشاء والمنكر والبغي يعظكم لعلكم تذكرون وجعلنا بينكم مودة ورحمة ان في ذا
لك لاية لقوم يتفكرون اللهم رب القران العظيم ورب كهيعص ورب التورية والانجيل
وطه ويس والصافات اجعل قلب فلان ابن فلانة من حب فلان ابن فلانة قلقا هائما
حتى لا يبصر عنه ولا يسمع الا منه ولا يتكلم الا منه سيزدهم في افراط التعشق والمحبة
تناول في بعض الاطعمة فان يجز ففي الاشربة مثل الجلاب وماء الرمان الحلو ونحوها
اللهم الق فلان ابن فلانة ومنك وعليك مودة عظيمة مودة بينكم في الحيوة الدنيا
الوحا الوحا الوحا ايضا سيزدهم ما جربه ابو سهل هندي في الاحضار وفي افراط الحب قال ابن عباس
في كتابه اذا اردت ان تحضر هذا فعليك ان تغتسل في يوم الخميس بعد مضي عشرة ايام من الشهر
وتكتب هذه الاحرف بمسك وزعفران وسكر وعنبر باسمها واسم امها واسمك واسم امك وتعلق
على عضدك اربعة ايام حلة وادفنه تحت اسكفة واياك ان لا تعلم هذا احدا فانه صادق لا شك
فيه ويأتيك من تريده اسرع من طرفة العين ولا يصبر عنك ساعة والكتاب اثنا عشر حرفا
وهي هذا الحمعلهسسعلمى چهاردهم الاحضار وعلمه كعلم القبل انه من سليمان
وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني مسلمين وتكتب هذه الاية المذكورة

مع الاسماء الاربعة المطلوب وامه و اسمك واسم امك **بازدهم** فی تسخیر القلوب خذ نصف من دقیق
العشیر و یوخذ قطیر بلا رویة و ملح و تقطع خمس عشر قطعة احد هذه الاسماء ثم تطعمه کلبا و هی هذه

شانزدهم تحبیب مجرب بلا خلاف قال سقراط الحکیم یکتب
هذه الصور الستة عشر فی ستة عشر بیانا فی وقت
یکون طالع المیزان والزهرة والقمر والعطارد فی المیزان

الطاس	الصفی	سها	الوکها	هیسا یعسا
الطاط	الطاط	حطیرها	معطلطل	حرسیا
حمنا	مح	الالف	الهلطیه	الهیا

باسم من تو يد واسم امه وادفنه عامره بطالع الجوزا فی الخفیه قال مصنف هذه الکتاب ما وجدت
فی عطف القلوب احسن من هذا ✕ ۴۲ ۲ ۴ ﻪ ﻟﻼ ﺗﺎ ﻋﻬﻪ ﺭ ﻛﺎ ﺳﺢ ی ع
مح مرلح ک سحه میدً و کهح و مر همح ۳ ۹ ﻟﻬ ﻫﻤﺎ ﻣﯽ ی ﻉ

هفدهم فی غلبة علی الخصم کان یعمل اهل الهند بملکهم وهی مجرب یکتب فی یوم الجمعه و اخذ فی
خرقة من کذا باسم یریک واسم امه و شده علی عضدک فانه لا یقهر احد فی خصومته ولا
یقوی سلطانه علیه ولا ینال الناس باذن الله تعالی والصورة هذا یحتوی به کلمه ی کلمه

هیجدهم مجرب للاحضار یکتب هذه الاشکال علی السمک طریا و ارمی بالدهن النجد فی تاوه
لحدید و یجعل فی وجه النار حتی تحمر باسم من ترید و امه واسمک و امک فقد یحضر
المطلوب فی طرفة العین سریعا بدون خلاف فی الشکل هذا طمسلملد یطلس سلطلا
خالد مسلیکا م م ﻋﻞ عجل لا مستعجل الساعة الساعة و یکتب
علی ظهر السمک هذا الشکل الوحا الوحا الوحا حم حم حم حم ه ه
د ه د ص ص ط ط ط ه ه ه ه ه صح م ﻫ فلان ابن فلان علی محبة
فلان ابن فلان العجل العجل الساعة الساعة

نوزدهم

نوزدهم مجرب الاحضار توخذ ملعقه من حدید فولاد قصیر الذنب و یکتب علیها العزیمه و یجعل فی
النار حتی تحمر و یوخذ سبع قطع من المصطکی و تقرء کل واحد منها هذا العزیمه سبعا و تنفث فیها ثم
تلقی علی النار حتی یحمی الملعقه فی النار کل مرة حتی تحمر ثم یخرج و تلقی علیها قطعة اخری و یجوز ان لا یجد
کل مرة الا ان الاولی ذالک فان المهیج یسلب قراره و لا یصبر سریعة علی المهیج له والعزیمة هذا
دخان حیث اصابت الشیاطین کل بناء و غواص صفصعیال هیال صلیال مرمریال
عیهیال یا صفیکهیال یا صمعیال صغیا عیال یا صغیهکیال سطریوش منجوش یوشی
صاحب العرش الدجبرائیل و میکائیل و اسرافیل و شمسائیل الدمیطرون وقیصرون و الد
الرعد و برق والصواعق والملائکة الکروبیین و حملة العرش والخلق اجمعین کهیعص سقیان
حرق قلب فلان ابن فلان **بیستم** مجرب الاحضار اذا اردت بان لا تستقر لك ساعة مثل یوسف
و زلیخا تکتب هذه الخاتم علی قرطاس اصفر و یبخر بعود و حاولی ای حسن لبه و نکون العمل فی یوم
الاحد عند طلوع الشمس و تقرء سورة یس سبع مرات حتی ان تصل سلام قولا من رب الرحیم و تربط
الورقه علی ید الیمین و بعد ذالک توخذ ملح ابیض ارم بالنار و تاخذ مسمار حدید و تدقه
علی هذه الحروف السبعة و تصبر مقدار ربع ساعة الی الاشتعال و تدق علی حرف غیره الی ان یاتی جا
جنك و حروف السبعة و هو هذه ج ب ص ل ر ک و شکل هذه خاتم هذه الملک الموکل بتسخیر القلوب

بجمعه	[illegible]	[illegible]	۲۷۱۲	۱۱ ۹۹	۱۱۱ ۸
بجمعه	[illegible]	[illegible]	۱۱۱ ۸	۸ ۷ ۸	[illegible]
بجمعه	۱۱ ۹	[illegible]	۹ ۹ ۸	۱۱ ۷	[illegible]
بجمعه	[illegible]	[illegible]	۱۱ ۸	۸ ۷	۱۱۱ ۸

سواس سواس دون ارب یه یه وه وه مثلا
س سلاس کما سخرت البحر لموسی ۴۲ و عطف
قلب مریم علی عیسی ۴ سخر اعطف فلان ابن فلانه
علی فلان ابن فلانه اجیبوا الی و احضروا ان الساعة

الساعة الساعة بحق انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم مجرب وحكم مجرب لاحضار ان
تكتب هذه العزيمة على رق ظبي ويطرح في قارورة بعد التنجيم ولو نجم في القارورة كان حسنا ثم
تدفن في الكانون وقيل انه اذا هبت الحرارة اليها اشتد الامر على المهيج والعزيمة هذه هذه عقد
من كتاب الله وآياته انى عقدت على قلب فلان ابن فلانة بعشق فلان ابن فلانة بسم الله الكريم الاعظم
الاجل الاكرم سهل جودى وبسم الملك بن فوتيل ملك الحب واحضرت جلد حبيبه بعشق فلان
ابن فلانة على قلوبكم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا بحق الملائكة الذين يحملون العرش رب
العزة ان ترد وجه فلان ابن فلانة كما رددت اليها كما رد يوسف الى يعقوب ورد اليه بحر
بعزتك وقدرتك يا رب على ما شئت ان ترد قلب فلان ابن فلانة فلا يريد احدا سواها
فلا ينبغي غيرها واسئلك بالكلمة الطيبة التي قامت به السموات والارض والذي يحيي به الموتى
ويميت به الاحياء وتنزعت به الجبال وتزلزلت به الارضون يا مالك الجن وان كنت يا فلان
ابن فلانة تؤمن بالله وبما في هذه الكتاب وبالذي انزلت التورية على موسى عليه السلام
والزبور على داود عليه السلام والانجيل عيسى عليه السلام والفرقان محمد صلى الله عليه واله فاسمع واطع
لفلانة بنت فلانة وان لم تؤمن بهذا الكتاب فان قلبك اشد من الحجارة وان من الحجارة لما
يتفجر تا آخر آيه وان الله سنتقم منك والله عزيز ذو انتقام هو هو ليلوس ولقد همت به وهم
بها تا المخلصين يا ايها الملك بحق قالت يا ايها الملأ انى القى الى كتاب كريم انه من سليمان
وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا على واتوني مسلمين مسرعين طائعين لفلان ابن فلانة
بحق ما سبق وبحق هذه الايات الثلاثه ان ربكم الله الذي تا للعالمين ومن الناس من يتخذ
تا آخر آيه والقيت عليك محبة مني تا آخر آيه انى معكما اسمع واری اجعل حب فلان ابن

فلانه

فلانة في قلب فلان بنت فلانة انا انشاهن انشاء تا اصحاب اليمين ومن احسن دينا
الآية ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة قرة عين لي ذلك لا تقتلوه عسى ان ينفعنا
زين للناس حب الشهوات تا آخر آيه وعلى الله فليتوكل المتوكلون وان الله بصير بالعباد وآيه لو
انزلنا هذا القرآن تا آخر آيه وما الله بغافل عما تعملون لمسلسعكعفص هيج قلب فلان بنت
فلانة وعليه دها نهسلمحلمسهعسكى دندك ح م ٦٦ دى دايسرح ح مرص وطط
العسلالك مسعمسعص ام ام وهمعاهمه وجعلناها ماهيا شراهيا اثو شموتا
قديتي وجر معصسس بيت ٣ ذكر الدميري في حياة الحيوان اذا ضاع منك شيء او اردت ان
يجمع بينك وبين انسان فقل يا جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد صل على
محمد وآل محمد واجمع بيني وبين كذا فان فان الله تبارك وتعالى يجمع بينك وبين ذلك الشيء
وذلك الانسان انشاء الله ٢٤ بفرح الخوف ما يقال عند الخوف وهو منقول عن امير المؤمنين
عليه السلام ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان
الله قويا عزيزا خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحي القيوم
وقد خاب من حمل ظلما وقدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا كانهم حمر مستنفرة
فرت من قسورة وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
كهيعص كفيت ٦ مرات حمعسق ٧ مرات بدوح ٦ مرات قطمير ٦ مرات ثم يقول مأة
مرات اللهم لا تسلط على من لا يرحمني اللهم كف ايدي الظالمين عني اللهم لك الحمد
واليك المشتكى واليك المستعان ثم يقرء سورة الاخلاص ٦ مرات والمعوذتين ٦ مرات و
سورة فاتحة مرة والقارعة مرة وهذا مجرب ٢٤ لدفع الحمى من كتاب الفرج بعد الشدة ان

ایضاً در کبرا شدن دم

مرتبه استغفر الله العظیم بخواند بعد از آن هر عملی که خواهد مشغول شود اجازت حاصلست

و کرم شدن نفس چون خواهد دم تو کرم و نفس نوع کبرا و کرم شود چنانچه هر عملی مرتکب شود تاثیر کند و فایده بخشد و عملست

خطا نشود این طلسم را در وقت تحویل شمس برج حمل که باشد و اگر در برج اسد باشد بهترست بنویسد و با خود دارد تا عجایب

بیند که در عملی هرگز صورت بندد و تاثیر کلی بخشد و هرگز هیچ عملست خطا نشود ۹۹۱۵۹ ح ۱۱۱۸۱۷۱ ی ۶۱۱۶۱۹۸۹ ط

ایضاً جهت محبت چون طالع مطلوب ناری باشد و قمر هم در برج ناری باشد

در بیان عمل ناری و بادی و خاکی و آبی

بنویسد این طلسم را بر شانه گوسفند و در تنور با آتش و بگردد فرو کند که مطلوب بیقرار و آرام نگیرد و این عمل از جمله مجربست

و مطلب را اورده است و با اسم مطلوب و مادر او و با اسم طالب و مادر او و در هنگام نوشتن بخور الیوم و آتش زیر دارد اعلیم

اوثیا وثیو معی بانکی اهیا اهیا شراهیا ادونی الجن والانس ابی ابی الد نوق

۹ ۱۱۸۸۱۱۸۱۱۱۸۸۷۱۷ ۱۱۵ ط ۸ ۷ ۷ و ر ا ط ۱ ۱ العجل العجل الساعة الساعة حب فلان ابن فلان

ایضاً در عمل ناری در برج و ساعت قمر در برج ناری باشد و طالع مطلوب هم در برج ناری باشد این طلسم را بنویسد محبت

بر شانه گوسفند بنویسد و در آتش دان دفن کند مطلوب بیقرار و آرام گردد و این عمل از جمله مجربات است و

مجربست ۱۶۷۱۱۸۱۵ ۱۱۱۸۵۸۱۵ للعالمین و این نقش هم در سمت راست است

ایضاً این عمل ناری

این صورت را باید بنویسد که آزموده است این ورقه هم شده است

بنویسد بر کاغذ و فتیله کند با موی سر مطلوب در چراغ سبز نو نهد با روغن زیت بگذارد بسوزاند باسم طالب و مطلوب

و مادرهای ایشان که مجرب و آزموده است ۱۶۱ ۳ ۱۱۱۹۱۱۹ ۶۷۷۹۱۱۱۳ ۱۱۱۸۱۱۱ ۷×۸ ۶۹ ۲۱۱ خ ۱۱۸۹

ایضاً در عمل ناری بنویسد بر پاره مس و در نار دفن کند مطلوب بیقرار و آرام گردد و خاطر

علی حب فلان ابن فلان

گردد و اگر بسیار در نار ماند هم هلاک شده باشد ۸ ۱۱۱۹ ۱۱۶۱۸۱۱۷۱۱ ط ۹ ۶ ۱۱ صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح

نوع دیگر و حمات تعویذات بادی بر چیز خوش هزار مرتبه بخواند و مطلوب بدهد که بو کند بیقرار

بنام فلان ابن فلان

گردد

گردد ایضاً یا حلیم ذو الاناة فلا یعادله شیئ من خلقه حب فلان ابن فلان علی قلب فلان

ابن فلان ایضاً هزار مرتبه بر گل صد برگ بخواند و بدهد مطلوب تا بو کند بار بسر بر خواند مطلوب بخواند بیقرار

آرام گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا ودود حب فلان ابن فلان فی قلب فلان ابن فلان ایضاً بیاورد

گل انار شیرین در روز یکشنبه پیش از طلوع آفتاب یکنفس خوانده باد بر آن گل دمد هر که بو کند بیقرار گردد ایضاً وجل جل

جل کاملمعوانت شواها ایضاً عملی بادی این اعداد را بر کاغذ نویسد در طلوع آفتاب به باد

بیاویزد بنام مطلوب بیقرار گردد ک ک ا ه ک ا د ۱ ۱ ۱ ۹ ۸ ۱ ط ۱ ۹ ۳ ۱ ۱ ۸ ۸ ۳ ۱ ۱ ۱ ۱ ۹ ۱ ط ۱ ۱ ۱

ک ۶ ا س ا ۱ ط ۵ ۹ ع ۳ ۸ ۱ ۱ ۱ ۹ ا ح ۱ ۱ ا ط ع ۱ ۱ ۷ ۷ لا ۱ ۱ ۷ ۷ ۱ ۱ ۱ ۷ ۷ ۱ ۱ بنام فلان ابن فلان

ایضاً در عمل آبی اگر خواهد مطلوب را در شغل گرداند بنویسد بر حریر سفید یا در خانه یا در زیر دیوار خانه مطلوب

که در طرف قبله باشد دفن کند ساعت قرار و آرام نگیرد ایضاً یا قاهر ذو البطش الشدید انت

الذی لا یطاق انتقامه علی حب فلان ابن فلان بر قلب فلان ابن فلان ایضاً در ساعت

اول روز یکشنبه بردارد قدری خاک از زیر پای مطلوب این آیه را هفت مرتبه بر آن خاک بخواند و بدو

قسمت کند نصف آن را در زیر بالین خود گذارد و نصف دیگر در پاره پیچیده و در ریسمان که دختر نابالغ

رشته باشد در آن پیچیده باشد و در بازوی راست خود بندد مطلوب بیقرار گردد و غیره و طالب آید آیه

ایضاً بسم الله الرحمن الرحیم اللّٰهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ

اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ یَغْشٰی یَعْلَمُ مَا یَلِجُ فِی الْاَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنْزِلُ مِنَ

السَّمَآءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیْهَا وَهُوَ مَعَکُمْ اَیْنَ مَا کُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِیْرٌ ایضاً اگر خواهد

مطلوب بدام آورد این کلمات را بر آب بر شیرینی هفتاد مرتبه بخواند بر آن و بخورد مطلوب بدهد ساعتی

بی‌قرار گردد ایضاً اللّٰهُمَّ اَلِّفْ بَیْنِیْ وَبَیْنَهُمَا کَمَا اَلَّفْتَ بَیْنَ اٰدَمَ وَحَوَّا اَلِّفْ بَیْنَ فلان

ابن فلانه علی حب فلانه ابن فلانه ایضاً این حروفات را بنویسد بخورد مطلوب دهد بقرار

گردد حروفات ا ب ث ج ح ح ح ع ع ع ع ب ب ب ب ب د د د د د

دایات البارکات والحافظات المطهرات المقدسات القائمات اثانی بک یوم

المحبین بنام فلان ابن فلانه علی حب فلان ابن فلانه ایضاً از جهت محبت اگر خواهد که

را محبت خود گرداند بنویسد این آیه را و آب بشوید و شربت کند و بخورد مطلوب دهد بقرار و آرام گردد

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اجعل محبة و مودة بین فلان ابن فلانه کما بین آدم

و حوا و کما بین ابراهیم و ساره و کما بین یوسف و زلیخا و کما بین محمد صلعم و خدیجه

و کما بین علی ع و فاطمة الزهرا بحق یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله و بحق

الرحمن علم القرآن و بحق ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر س ش ص ض ط ظ ع غ ف

ق ک ل م ن و ه لا ی و بحق اسم اعظم یا حی یا قیوم برحمتک یا ارحم الراحمین

ایضاً از جهت محبت اگر کسی خواسته باشد میانه دو نفر دوستی زیاد شود بنویسد این طلسم بر پوست

آهو یا بکاغذ و در میان شیشه گلاب اندازد و در کنار آتش گذارد گرم شود هر دو ... پیدا شود

جهت احضار بنویسد در ساعت ... قمر در برج آتشی باشد در آتش اندازد

۱۲۹ ۳۱۲۹۹ ۱۱ ۲۱۹ ۱۱۱
۱۱۶۳ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۳ ۳۹۹۹
۱ لا ۱ ط ط ۶ س لا ۱۱
ط ۱۱ ۱ ۵ ۱۱ ۹ ۶ لا ک
ی لا ا ح ۱۱ ۹ ۲ لا

بسم الله